

فصل ۱

آفرینش



آخر: دگر، دیگر، غیر	ستایش: ستودن، شکرگزاری
آخر: پایان	صبحگاه: بامدادان، هنگام صبح
آهسته: کند، آرام	نشان: علامت، نشانه
بندگان: جمع بنده	نهان: پنهان، مخفی
بُود: باشد، هست	نیکی: خوب بودن، خوبی، نیکویی
جوی: پیدا کن، بیاب	
آتشین: به رنگ آتش، مانند آتش، همانند آتش	داوری: قضاوت کردن
آویختن: آویزان کردن، آویزان شدن	زینت دادن: آراستن، تزیین کردن
اثر: نشان، علامت	سراغ: پی چیزی رفتن، دنبال
ارغوانی: رنگ قرمز مایل به بنفش	شگفت‌انگیز: تعجب‌آور، عجیب و غریب
آنبوه: بسیار، زیاد، فراوان	غوک: قورباغه
پرکه: گودی کوچک و کم‌عمقی در زمین که در آن، آب جمع شده باشد.	قیشر: لایه، پوسته
پذیرفتن: قبول کردن، به عهده گرفتن	قلم به دست گرفتن: نوشتن
پراکندن: پخش کردن، گستردن، به هر سو فرستادن	کردگار: آفریننده، خالق، خدای تعالی
تاب نیاوردن: تحمل نکردن، طاقت نیاوردن	کلگون: سرخ‌رنگ، به رنگ گل سرخ
جلا دادن: شفاف و پاکیزه کردن، صاف و براق کردن	مزارع: جمع مزرعه، کشتزارها
جهان‌افروز: روشن‌کننده‌ی جهان	معرفت: شناخت، علم، دانش
چیره‌دست: ماهر، زبردست، استاد	مهاجر: کسی که از وطن خود به جایی نقل مکان کرده باشد.
خودنمایی کردن: نشان دادن خود و کارهای خویش به دیگران برای جلب توجه کردن	نیلی: رنگ آبی تیره، کبودرنگ
تپیدن: جنبیدن، حرکت کردن، بی‌قرار شدن	هجرت: از وطن خود به جایی نقل مکان کردن
زَمه: گلّه	هوشیار: کسی که دارای هوش است، باهوش، عاقل، زیرک
	ساز: پرنده‌ای کوچک از تیره‌ی سبک‌باران با رنگ برنز مایل به زرد و کمی بزرگ‌تر از گنجشک

● بعضی واژه‌ها با هم در یک گروه و طبقه قرار می‌گیرند؛ برای مثال، فوتبال، والیبال، وزنه‌برداری و تیراندازی در گروهی به نام «ورزش» قرار دارند.

مثال ← آهو، بز و گاو ← حیوان ایران، ژاپن و آلمان ← کشور

● یک بند از تعدادی جمله تشکیل شده است که به مفهومی خاص اشاره می‌کند.

کارگاه تمرین

۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.

- الف) «آخر» به معنی «پایان» است. 😊 ☹️
- ب) «سرو، سار و صنوبر» از طبقه‌ی درختان هستند. ☹️ 😊
- پ) ابرهای خاکستری‌رنگ، در فصل زمستان در آسمان پهن می‌شوند. ☹️ 😊
- ت) بند از تعدادی جمله تشکیل می‌شود که مفهومی خاص دارد. ☹️ 😊

۲ در جای خالی هر ستاره واژه‌ای بنویس که با واژه‌های دیگر، یک طبقه تشکیل دهند.



۳ واژه‌های هم‌معنی را به هم وصل کن.

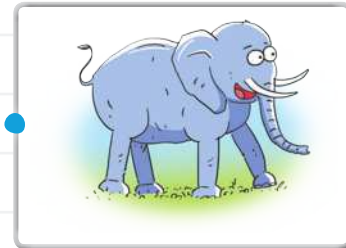
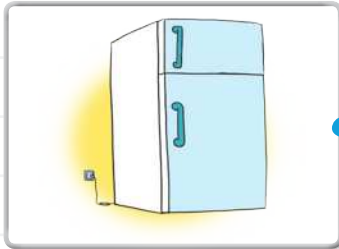
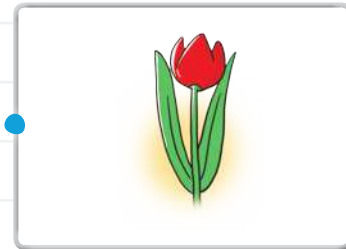
دمی	زَمه
جوی	درخشنده
بِزاقی	بیاب
گَله	لحظه‌ای

۴ الف) مفرد واژه‌های زیر را بنویس.



ب) مفرد کدام واژه‌ها هنگام جمع بستن تغییر کرده است؟ آنها را بنویس.

۵ هر شکل را به طبقه‌ی مربوط به آن وصل کن.



گل

حیوان

وسایل آشپزخانه

۶ علائم نگارشی متن زیر را بگذار.

پدر گفت: ○ پسر ○ چرا قُص هایت را سَر وقت نمی خوری ○ ○ پسر پاسخ داد: ○ آخر می خواهم میکروب ها را غافل گیر کنم

۷ ماهی، خرچنگ و لاک پشت در چه طبقه ای قرار می گیرند؟

۸ در چه فصلی از سال، رنگ مزارع زرد طلایی می شود؟

۹ به تصویر مقابل نگاه کن و با دقت به جزئیات آن (رنگ، شکل، اندازه، نور و...)، یک بند

درباره ی آن بنویس.



۱۰ شعر «خدا» سروده ی کیست؟

شعر حفظی

شعر زیر را کامل کن.

خبری داشت کلاغ

شاپرک

تک تک ریخت

از سر و دوش

برُد تا پهنی دشت

سار از شاخه پرید

گفت با سبزه و گل

برگشت به

هر چه را گفت

عاقبت باز رسید

از به

دل هر غنچه

پرید

می کرد

برگ

ابر، هی می بارید

سبزه،

ده به ده می پیچید



با توجه به شعر زیر به سؤال های داده شده، پاسخ بده.



زمستان است
 هوا سرد است
 درختان، خواب
 تگرگ و برف و باران است
 کلاه و شال
 لباس گرم
 شب و قصه،
 پتوی نرم
 دی و بهمن
 پس از آن، ماه اسفند است
 زمستان می رود روزی
 پس از آن، فصل بچند است!

مصطفی رحماندوست

۱ فصل زمستان چه ویژگی هایی دارد؟

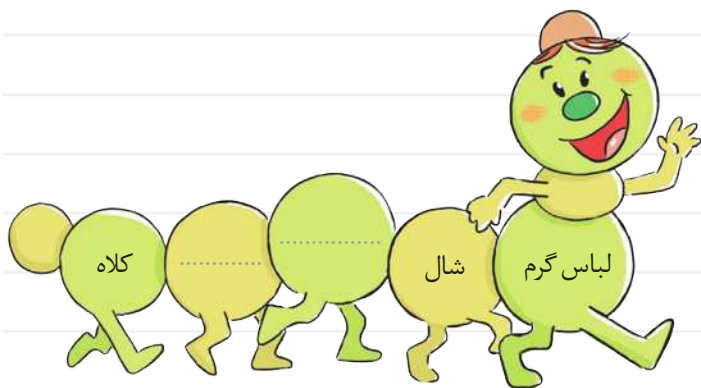
۲ ماه های فصل زمستان را نام ببر.

۳ پس از فصل زمستان چه فصلی می آید؟

۴ شعری زیبا درباره ی فصل تابستان پیدا کن و بنویس.



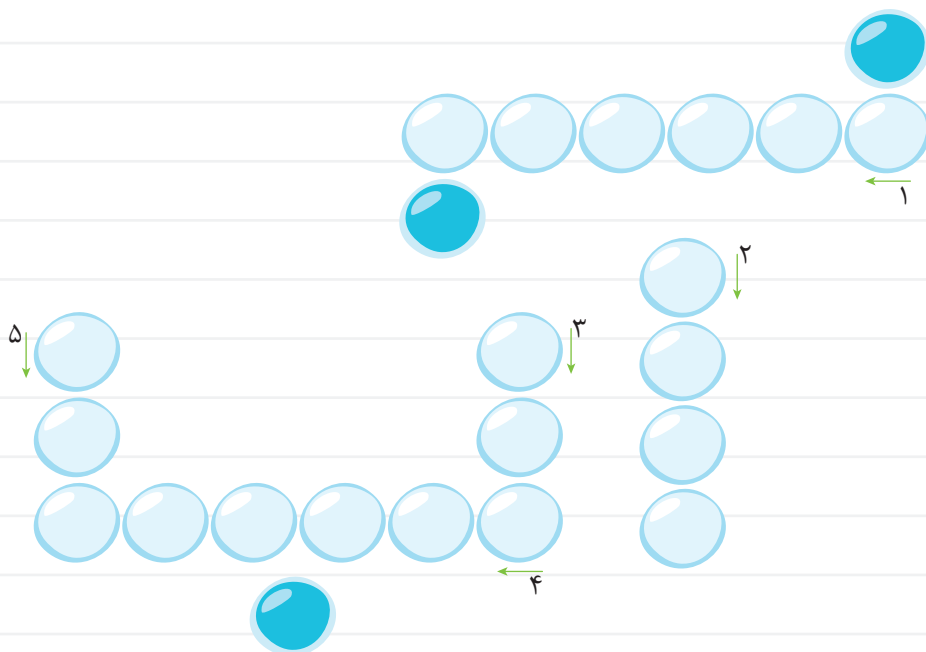
۵ با توجه به شعر «زمستان»، در جای خالی کلمه‌هایی بنویس که با بقیه‌ی کلمه‌ها در یک طبقه باشند.



جدول

جدول زیر را کامل کن.

- ۱- آفریننده، خالق
 ۲- ایران، ژاپن و آلمان در طبقه‌ی قرار می‌گیرند.
 ۳- آهو از دشت گریخت / برگشت به ده
 ۴- به معنی باهوش، عاقل و زیرک
 ۵- پرنده‌ای کوچک از تیره‌ی سبک باران



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- ۱ مفهوم کدام گزینه نادرست است؟
 (۱) جهان‌آفروز: روشن‌کننده‌ی جهان
 (۲) غوک: قورباغه
 (۳) آخر: پایان
 (۴) ستایش: ستودن، شکرگزاری
- ۲ رنگ‌های داده‌شده در چه فصلی دیده می‌شوند؟ «آتشین، زرد لیمویی، ارغوانی و قرمز روشن»
 (۱) تابستان
 (۲) زمستان
 (۳) پاییز
 (۴) بهار

۳ کدام طبقه‌بندی درست است؟

۱) نیلی، صنوبر، قرمز روشن، ارغوانی

۲) هلو، خربزه، سیب، انگور

۳) آفتابی، ابری، توفانی، زمستان

۴) زن دایی، پدر، مادر، خواهر

۴ کدام گزینه جمع است؟

۱) مزارع

۲) مهاجر

۳) رَمه

۴) نهران

نام‌نامه (اعلام)



پروین دولت‌آبادی

او در سال ۱۳۰۳ در اصفهان به دنیا آمد و سرودن شعر را از دوازده سالگی آغاز کرد. خانم دولت‌آبادی در سال ۱۳۸۷ درگذشت. برخی کتاب‌های او عبارت‌اند از: *آتش و آب*، *برقاییق ابرها و شوراب*.



شکوه قاسمرنیا

او در سال ۱۳۳۴ در تهران به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۸ برای سرگرمی، در یک طبقه از خانه‌شان مهدکودکی خصوصی به نام «عمّه جون» تأسیس کرد و تعداد محدودی از بچه‌های ۳ تا ۵ ساله را در آنجا جمع کرد. او برای بچه‌ها شعر می‌گفت، قصه می‌نوشت و بدین ترتیب بود که با دنیای آنها آشنا شد. اولین کتاب شعر او مثل یک گل کوچک نام داشت.

«این، اسب است.	آرام است.
آن، بیر است.	در دام است.
این، مار است.	ناآرام!
آن، سار است.	بَر آن بام!»

لطیفه

دکتر رو به مریفن: «من دو سال زحمت کشیدم و زخم معده‌ی شما را درمان کردم؛ اما پول‌هایی که به من داده‌اید، تقلبی است! مبهورم آنها را به شما پس بدهم.»
مریفن: «اشکالی ندارد؛ به شرط اینکه همین الان زخم معده‌ام را هم پس بدهید تا حساب بی‌حساب شویم!»

درس دوم

کوچ پرستوها



واژه‌نامه



کوچ پرستوها

عقاب: پرنده‌ای شکاری با جثه‌ی نسبتاً بزرگ و پنجه و منقاری بسیار قوی

عهده: مسئولیت، وظیفه

فرارسیدن: نزدیک شدن و رسیدن وقت چیزی یا کاری

قرقی: پرنده‌ای شکاری از دسته‌ی بازها که از باز معمولی کوچک‌تر است.

کمیاب: آنچه کم است، چیزی که به راحتی در دسترس نیست.

کوچ: مهاجرت، از جایی به جایی رفتن

کوشیدن: کوشش کردن، تلاش کردن

لطیف: ملایم، نرم

معتدل: آب‌وهوایی که نه گرم است و نه سرد.

ناچار: ناگزیر، مجبور

ناگهان: دور از انتظار و بی‌خبر

نیرومند: دارای زور و قدرت، قوی

نهادن: قرار دادن

یافتن: پیدا کردن، حاصل کردن

نعمت: هدیه، آنچه باعث خوشی و شادکامی شخص باشد.

نوازش: مهربانی، بر سر و روی کسی دست کشیدن

هیجان: شور و شوق

آسودگی: آرامش

آموختن: یاد دادن، یاد گرفتن

اوایل: جمع اول، ابتدا

به‌سر بردن: گذراندن

پیش آمدن: ائتلاف افتادن، رخ دادن

پی‌درپی: پشت سر هم، پیوسته

پیمودن: طی کردن راه، پشت سر گذاشتن

پیشین: گذشته، قبلی، جمع: پیشینیان

جامه: لباس

جنب‌وجوش: تلاش و فعالیت بسیار، هیجان

دل‌نشین: جذّاب، زیبا و قشنگ

راه‌یابی: راه یافتن

زُبودن: دزدیدن، جذب کردن

سپری شدن: به پایان رسیدن، گذشتن

شاهین: نوعی پرنده‌ی شکاری از دسته‌ی بازها که دارای پرهایی زرد و قرنی‌ای سیاه‌رنگ است.

شگفتنی: تعجب، حیرت

اعتراض کردن: ایراد گرفتن

شگفت‌زده: متعجب

لطف: محبت، مهربانی

منتظر: چشم به راه، کسی که انتظار می‌کشد.

خرطوم: بینی فیل، بینی دراز

خودپسندی: از خود راضی بودن، مغرور بودن

قوی‌پیکر: تناور، نیرومند

کامروا: کسی که به آرزو و خواسته‌اش رسیده

است، موفق

در جست‌وجو

قوی‌ترین حیوان جنگل

● عزیزم، آیا نشانه‌ی «» را می‌شناسی؟ این همان **ویرگول** یا **درنگ‌نماست** که **مکثی کوتاه** در **جمله** ایجاد می‌کند. این مکث کوتاه



نحوه‌ی خواندن جمله را تغییر می‌دهد و **گاهی** باعث می‌شود **معنای جمله** تغییر کند.

مثال \langle **جمله‌ی اول:** مادر ماهی کوچولو به دریا خندید.

جمله‌ی دوم: مادر، ماهی کوچولو به دریا خندید.

همان‌طور که می‌بینی، معنی جمله‌ی اول با جمله‌ی دوم متفاوت است.

● گاهی با یک جمله‌ی کوتاه، معنای بزرگی بیان می‌شود که در یاد همه می‌ماند.

آن جمله‌ی کوتاه «**ضرب‌المثل**» یا «**مَثَل**» است.

مثال \langle آشپز که دو تا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک.

کارگاه تمرین

1 **درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.**



(الف) با توجه به متن درس «کوچ پرستوها»، پرستوها ساختن لانه را از پدر و مادر خود می‌آموزند.



(ب) نشانه‌ی ویرگول برای ایجاد تفاوت معنی در جمله است.



(پ) شاهین از دسته‌ی پرندگان شکاری است.



(ت) «سرخیز باش تا کامروا باشی»، یک مَثَل است.

2 **در هر قسمت، پازل‌های به هم ریخته را به ترتیب شماره‌گذاری کن تا یک مَثَل بسازی.**

(الف)

گردد	قطره	جمع	شود	دریا	وانگهی	قطره
------	------	-----	-----	------	--------	------

(ب)

کامروا	باش	باشی	تا	سرخیز
--------	-----	------	----	-------

(پ)

دست	است	بسیار	دست	بالای
-----	-----	-------	-----	-------

۳ فرزندانم، شعر زیر را بخوان و مثلی که در آن آمده را در جای خالی بنویس.

جستی زد و روی مرغ بچاره پرید	روباه گرسنه مرغ چاتی را دید
آن مرغ، اسیر پنجی دشمن شد	او را به دهن گرفت و بردش با خود
هی های دف و سرو صدا می آمد	آواز دهل ز روستا می آمد
در فکر نجات خود به صد ناله و آه	آن لقمی چرب در دهان روباه
صد جور خوراک مرغ و اردک آنجاست	گفتش که میان ده عروسی برپاست
تا اسم خوراک مرغ و اردک بشنید	آب از دهن دراز روباه چکید
با مرغ به سوی جشن و آبادی رفت	جنابند دم و به رقص و با شادی رفت
در فکر ناهار و سفره‌ی رنگین بود	آواز دهل به گوش او شیرین بود
در خاندی کدخدای ده غوغا بود	رفتند و رسیدند به آبادی زود
با پای سر و جان به سوی دیگ شتافت	از بوی غذا دیگر سر از پا نشناخت
کف گیر و ملاقه می خورد بر سر او	یک وقت به خود آمد و دید از هر سو
آواز	می گفت به هر ضربه به پا و سر و دست



۴ واژه‌های هم‌معنی را به هم وصل کن.

● جامه

● لطیف

● ملایم

● آسیب

● علامت

● لباس

● صدمه

● نشانه



۵ نشانه‌های نگارشی متن زیر را از داخل گل انتخاب کن و در جای مناسب بگذار.

پسر مردی در چاه افتاد ○ پدر سربه درون چاه کرد و گفت ○○ پسر جان ○ جایی نرو تا طنابی
بیاورم و تو را نجات دهم ○○

۶ جاهای خالی زیر را با واژه‌های مناسب پر کن.

الف) نشانه‌ی ویرگول برای ایجاد در جمله است.

ب) پرستوها در فصل از سفر دور و دراز خود بازمی‌گردند.

پ) معنی واژه‌ی کوچ، است.

ت) نام دیگر ویرگول، است.

ث) جمع واژه‌ی اول است.

۷ ضرب‌المثلی بنویس که در آن، نام یکی از اعضای بدن آمده باشد.

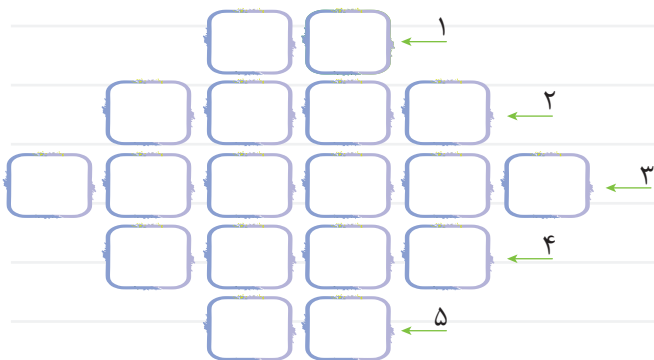
۸ دو جمله بنویس که در آن، ویرگول تفاوت معنایی ایجاد کند.

۹ فرزند خلاقم، برای ضرب‌المثل «شاه می‌بخشد، علی‌خان نمی‌بخشد»، داستانی زیبا بنویس.

۱۰ عزیزم، راه‌های متفاوتی برای حرف زدن با خدای مهربان هست؛ درباره‌ی یکی از آنها، یک بند بنویس.



جدول



جدول را کامل کن.

۱- ماهی را هر وقت از بگیری، تازه است.

۲- ستون دین است.

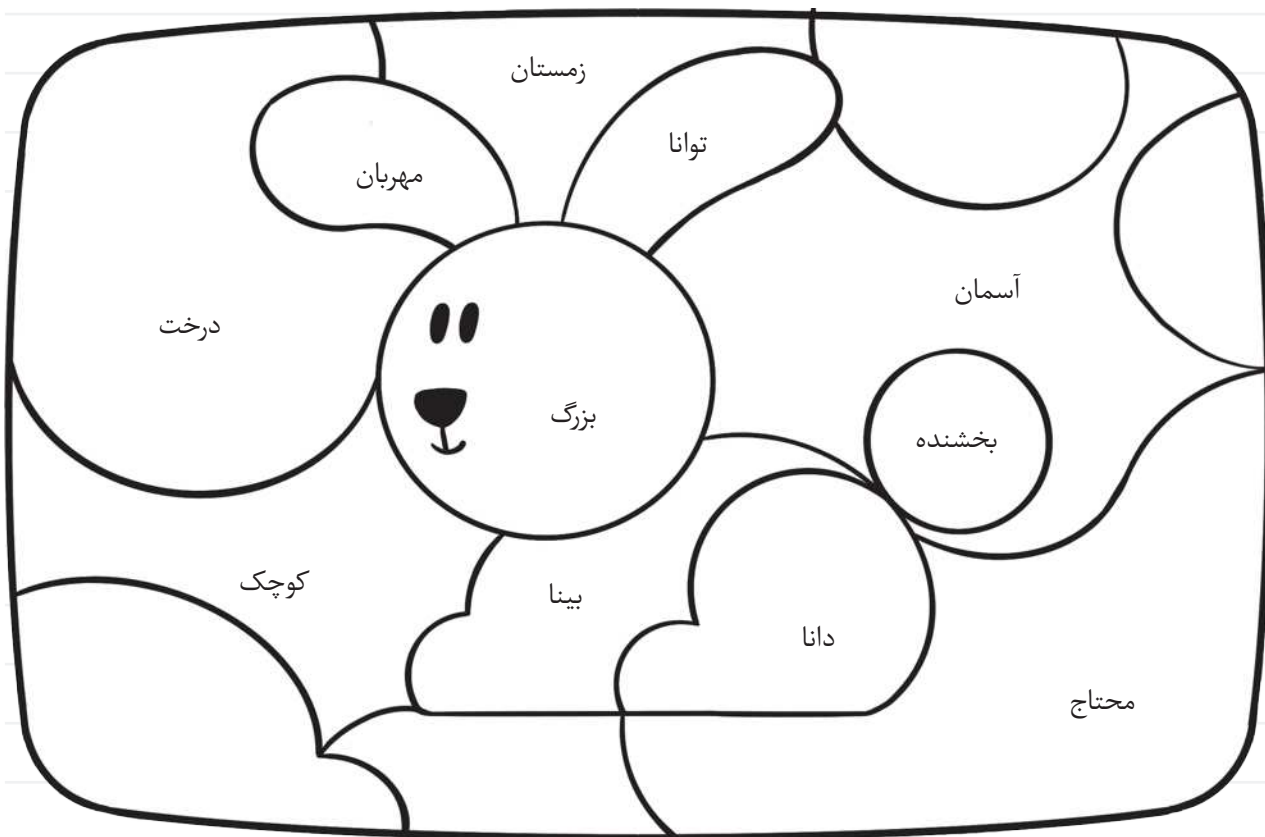
۳- نشانه‌ی مکث کوتاه در جمله

۴- هم معنی واژه‌ی «نرم»

۵- زیاد نیست!

بازی

فرزندم، صفات خداوند را در شکل زیر پیدا کن و رنگ بزن تا شکلی زیبا ببینی.



درک و دریافت

با توجه به متن زیر به سؤال‌های داده‌شده پاسخ بده.

پرنده‌گان در سرزمین‌های گوناگون، از استوا گرفته تا قطب، روش‌های جالبی برای حل مشکلات خود دارند. روش هر پرنده به چیزهای متفاوتی بستگی دارد. البته چیزهایی مثل شکل بال‌ها، منقار و... بسیار مهم است.

در اینجا با نکته‌های تازه‌ای از زندگی «هما» آشنا می‌شوی.

این پرنده، هما یا نوعی کرکس است. او استاد مسلّم هوانوردی است! هما می‌تواند به کمک بال‌هایش که دو متر و هفتاد سانتی‌متر طول دارد، کیلومترها اوج بگیرد. او در ارتفاع ۴۵۰۰ متری پرواز می‌کند. فکر کردن به این ارتفاع، دل هر انسانی را می‌لرزاند! وقتی هما گرسنه است، همه‌جا را برای یافتن غذا زیر نظر دارد.

اما انگار او دیر رسیده است! حیوانات قبلی، لاشه را خورده و فقط استخوان‌های آن را باقی گذاشته‌اند. نه، او دیر نرسیده است؛ زمان بندی او دقیق است. هما از اول، به دنبال همین استخوان‌ها بود؛ ولی او این استخوان‌های سفت و سخت را چگونه می‌خورد؟! هما استخوان را برمی‌دارد و پرواز می‌کند. استخوان چهار کیلوگرم وزن دارد. او برای اینکه کمتر وزن آن را احساس کند، استخوان را موازی بدنش نگه می‌دارد. وقتی به ارتفاع مناسب رسید، استخوان را از آن بالا، روی سنگ‌ها پرت می‌کند؛ سپس همای جوان دوباره

فصل اول

به زمین می‌نشینند تا تگه‌های استخوان را پیدا کنند. استخوان شکسته است؛ حالا او با اشتها، مغز خوش مزه‌ی استخوان و البته، خرده‌استخوان‌ها را نوش جان می‌کند. اسید معده‌ی او آن قدر قوی است که می‌تواند استخوان را هضم کند.

۱ «هما» چه ویژگی‌های ظاهری دارد؟

۲ زندگی «هما» چه درسی برای انسان‌ها دارد؟

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ کدام یک در جمله، مکث کوتاه ایجاد می‌کند؟

(۱) نقطه (۲) علامت پرسش (۳) علامت تعجب (۴) ویرگول

۲ املاي کدام گزینه با توجه به معنی آن نادرست است؟

(۱) جامه: لباس (۲) معتدل: میانه (۳) سدمه: آسیب (۴) فرقی: پرنده‌ی شکاری

۳ کدام علامت نگارشی برای جاهای خالی مناسب است؟

«وقتی جوجه‌ها از تخم بیرون آمدند پدر و مادر با حشراتی که شکار می‌کنند به آنها غذا می‌دهند».

(۱) ، (۲) : (۳) ! (۴) .

۴ با توجه به معنای صفات خدا، کدام گزینه نادرست است؟

(۱) زیباترین: جمیل (۲) بزرگ‌ترین: اکبر (۳) مهربان‌ترین: رحیم (۴) قوی‌ترین: بصیر

۵ مفهوم مثل «مرغ همسایه غاز است»، چیست؟

(۱) همسایه هم مرغ دارد، هم غاز. (۲) مرغ در مقایسه با غاز بهتر است.

(۳) هرچه دیگران دارند، بهتر است. (۴) مرغ همسایه از غازش بهتر است.

۶ زمان کوچ پرستوها چه فصلی است؟

(۱) بهار (۲) پاییز (۳) زمستان (۴) تابستان

نام‌نامه (اعلام)



کلر (سمیه) ژوبرت

کلر در سال ۱۹۶۱ میلادی (۱۳۴۰ خورشیدی) در پاریس متولد شد و در خانواده‌ای مسیحی بزرگ شد.

در نوزده سالگی مسلمان شد و بعد با یک دانشجوی ایرانی ازدواج کرد.

کلر در حال حاضر در ایران زندگی می‌کند. او از کودکی علاقه‌ی زیادی به نقاشی داشته است و می‌گوید:

«می‌خواستم وقتی بزرگ شدم، نقاش شوم». او داستان‌هایش را خودش تصویرگری می‌کند. برخی آثار

کلر عبارت‌اند از: کلوچه‌های خدا، امین‌ترین دوست و دعای موش کوچولو.

لطیفه

اولی: «من در آتش نشانی، جان هزاران نفر را نجات دادم».

دومی: «از میان آتش؟»

اولی: «نه... فقط قبول نکردم آتش‌اداره‌ی آتش‌نشانی بشود!»

پرسش‌های پایانی فصل ؟

۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) شاعر شعر «خدا»، ناصر کشاورز است.



ب) واژه‌های «زرد لیمویی، ارغوانی و قرمز روشن» در طبقه‌ی رنگ‌ها قرار می‌گیرند.



پ) نویسنده‌ی داستان «در جست‌وجو» شکوه قاسم‌نیاست.



ت) واژه‌ی «نهان»، جمع «نه» است.

۲ جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پر کن.

الف) شاعر «خبر داغ» است.

ب) واژه‌ی «غوک» به معنی است.

پ) نام دیگر علامت نگارشی ویرگول، است.

ت) «کلاغ، پرستو و شاهین» از طبقه‌ی هستند.

ث) با توجه به متن درس «آفریدگار زیبایی»، در فصل، دسته‌دسته پرستوهای مهاجر روی سیم‌های برق می‌نشینند.

۳ در هر قسمت گزینه‌ی درست را انتخاب کن.

الف) کدام‌یک از واژه‌های زیر، جمع است؟

۱) نمکدان ۲) بندگان ۳) گلستان ۴) بوستان

ب) با توجه به معنی واژه‌ها، املاي کدام گزینه نادرست است؟

۱) صدمه: آسیب ۲) نهان: مخفی ۳) لطیف: ملایم ۴) پذیرفت: قبول کرد

پ) کدام‌یک از گزینه‌های زیر، ضرب‌المثل نیست؟

۱) برگ درختان سبز در نظر هوشیار/ هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

۲) ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است.

۳) بزرگی به عقل است، نه به سال.

۴) سحرخیز باش تا کامروا باشی.

ت) «ناصر کشاورز، پروین دولت‌آبادی و شکوه قاسم‌نیا» در کدام گروه قرار می‌گیرند؟

۱) نویسنده ۲) بازیگر ۳) شاعر ۴) ورزشکار

ث) نشانه‌ی نگارشی «،» در کدام گزینه نادرست استفاده شده است؟

۱) برگ، بی‌حوصله شد

۲) سبزه، خمیازه کشید

۳) خدا را در دل، خود جوی یک چند

۴) باد، هوهو می‌کرد

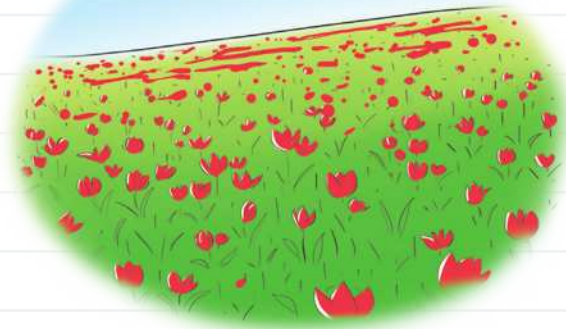
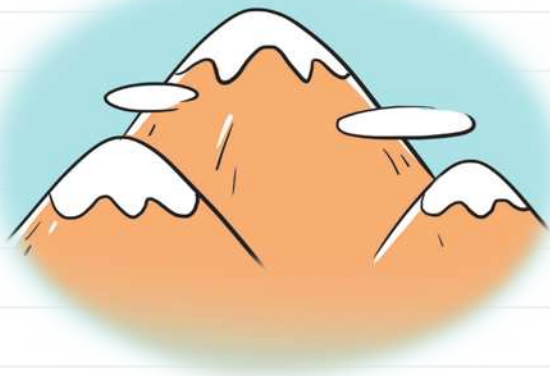
۴ واژه‌های هم‌خانواده را به هم وصل کن.

● نقش	● لطافت
● سالم	● اجتماع
● لطف	● سلامت
● جامعه	● نقّاشی

۵ با توجه به متن درس «آفریدگار زیبایی»، بهار، تابستان، پاییز و زمستان چه کسی را برای داوری بین خود انتخاب کردند؟

۶ واژه‌های «قیمه، سبزی پلو و کوکو» در چه طبقه‌ای قرار می‌گیرند؟

۷ با دیدن تصویرهای زیر به یاد کدام صفت‌های خداوند می‌افتی؟ آنها را بنویس.



۸ مفهوم ضرب‌المثل «دست بالای دست بسیار است» را بنویس.

۹ مفهوم جمله‌ی زیر را در یک بند توضیح بده.

«پند برای تو مثل پاشیدن دانه در زمینی است که گیاهی در آن رشد نمی‌کند».



فصل ۲

دانایی و هوشیاری



آسیاب: دستگاهی برای خرد کردن و آرد کردن گندم، جو و دانه‌های دیگر	زَدَ پا: اثر و نشانه‌ی پا
آفرین: درود	قهوه‌خانه: جایی که در آن با چای و غذای ساده از مشتری‌ها پذیرایی می‌کنند.
اندیشیدن: فکر کردن	گود: عمیق
جاده: راه بزرگ	لنگ: انسان یا حیوانی که پایش بلند، آن‌که یک پای کوتاه یا شکسته دارد.
حاکم: داور، آن‌که بر دیگران حکومت کند.	لنگیدن: لنگان لنگان راه رفتن، در راه رفتن ناتوان بودن
حدس زدن: گمان کردن، پنداشتن، فکر کردن	معدرت خواهی: عذرخواهی، پوزش خواستن
خشمگین: غضبناک، خشمناک	هوش: زیرکی، آگاهی، عقل، فهم
راز: مطلب پوشیده، سر	
آواز: صدا، بانگ، نغمه، سرود، آهنگ	روبَهک: روباه کوچک
پُر بود: زُبود، برد، دزدید	زاغ: پرنده‌ای از خانواده‌ی کلاغ در اندازه‌ها و رنگ‌های مختلف
برگرفتن: برداشتن، گرفتن	زاغک: زاغ کوچک
به‌به: آفرین، درود	طعمه: خوردنی، خوراک
پُر فریب: سخت مگاز، بسیار حيله‌گر، نیرنگ‌باز	قالب: قطعه، تگه، پاره
جستن: جهیدن، پَردیدن	کرد آواز: شروع به آواز خواندن کرد.
حیلت‌ساز: حيله‌گر، مگاز	گشودن: باز کردن
خوش آواز: خوش صدا، خوش‌نوا	مرغان: پرندگان
خوش‌خوان: خوش آواز	نَبدی: نبودی
روبَه: روباه	

● عزیز من، شاید تا به حال واژه‌هایی را دیده باشی که مثل هم خوانده می‌شوند؛ ولی املا و معنی متفاوتی دارند. به این کلمه‌ها «متشابه» یا «هم‌آوا» می‌گویند. برای نوشتن درست این کلمه‌ها، باید به معنی آنها در جمله توجه کنی.

مثال ● مریم به مادرش کمک کرد تا اثاث خانه را مرتب کند. (اثاث: وسایل خانه)

اساس یک کشور، مردم آن کشور است. (اساس: پایه)

● حیاط مدرسه‌ی ما پر از گل‌های زیباست. (حیاط: زمین جلوی ساختمان که دور آن دیوار باشد)

آب مایه‌ی حیات ما موجودات زنده است. (حیات: زندگی)

نمونه‌های دیگر را در جدول زیر ببینید:

ارض: زمین عرض: پهنا	ارز: پول کشورهای خارجی	سد: دیوار ضخیمی که به منظور ذخیره کردن آب می‌سازند. صد: نام اولین عدد سه‌رقمی
خویش: خویشاوند، فامیل خیش: گاواهن، نوعی وسیله‌ی کشاورزی		ثواب: پاداش کار نیک صواب: درست، راست
قالب: قطعه غالب: مسلط، چیره		غریب: ناآشنا، بیگانه، دور قریب: نزدیک
خوار: حقیر خاز: تیغ		خاست: بلند شد خواست: خواهش کرد، درخواست کرد

● گاهی برای نشان دادن کوچکی چیزی، آخر آن کلمه «ک» می‌گذارند.

مثال زاغ + ک ← زاغک یعنی زاغ کوچک

پسر + ک ← پسرک یعنی پسر کوچک

روبه + ک ← روبه‌ک یعنی روباه کوچک

کارگاه تمرین

1 فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.

- (الف) حرف «ک» اگر به آخر کلمه اضافه شود، نشانه‌ی کوچکی کلمه است. (☹️ ☺️)
- (ب) کلمه‌های متشابه، همان کلمه‌های هم‌خانواده‌اند. (☹️ ☺️)
- (پ) با توجه به متن درس «راز نشانه‌ها»، مرد کیسه‌ی گندم را به آسیاب می‌برد. (☹️ ☺️)
- (ت) «خواست» و «خاست» کلمه‌های هم‌آوا هستند. (☹️ ☺️)

۲ کلمه، با رنگ کردن گنده‌های درختی که جمله‌های درست روی آن نوشته شده، روباه را به پنیبر برسان.

«ات» در واژه‌ی
شکلات نشانه
جمع است.

قالب و غالب
هم‌آوا هستند.

نام دیگر هم‌آوا،
متشابه است.

(:) علامت ویرگول
است.

«ک» در واژه‌ی
«زاغک» نشانه‌ی
کوچکی است.

واژه‌ی «دَمی»
معنی «لحظه‌ای»
است.

«مفتخر»
هم‌خانواده‌ی
افتخار است.

ارزو و عرض هم‌آوا
هستند.

«خان» به معنی
«سفره» است.

«حدس زدن»
یعنی پیشنهاد
دادن

۳ کدام واژه با اضافه کردن حرف «ک» به آن، معنای درستی می‌دهد؟ آن را به خورشیدخانم وصل کن.



۴ با توجه به معنای هر جمله، کلمه‌ی مناسب را از داخل کادر زیر پیدا کن و آن را در جای خالی بنویس.

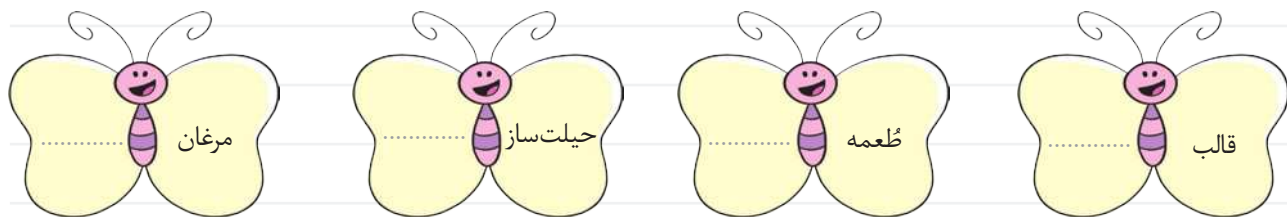
خوار - ثواب - ارض - غالب - صواب - خار - ارز - عرض - قالب

الف) نماز خواندن در پیش خدا دارد. (ب) هرگز کسی را نکن.

پ) من حیاط را اندازه گرفتم. (ت) روبه‌ی پنیری دیدم.

۵ در شعر «روباه و زاغ»، ویژگی هر یک از شخصیت‌ها چه بود که باعث فریب خوردن یکی و فریب دادن دیگری شد؟

۶ معنای واژه‌های زیر را بنویس.



۷ غلط‌های املائی، متن زیر را پیدا کن و زیر آنها خط بکش.

هاکم گفت: «پسر جان! اگر تو الاق ندیده‌ای، چطور نشانه‌هایش را دادی؟»

پسر گفت: «من فقط خوب نگاه کردم و به آنچه دیدم، اندیشیدم سرراهم رد پای الاق را دیدم».

هاکم به حوش و فهم پسر آفرین گفت و مرد از او معزرت خاست.



شعر زیر را کامل کن و به پرسش‌های داده شده پاسخ بده.

پنیری دید

بر درختی نشست در راهی

رفت و کرد

گفت:

پرو بالت

گر بودی و

زاغ می خواست

تا که

افتاد چون دهان گشود

را بر بود

۱ دو واژه در شعر «روباه و زاغ» پیدا کن که به آنها حرف «ک» چسبیده باشد.

۲ دو کلمه‌ی مترادف در این شعر پیدا کن و بنویس.

۳ شعر «روباه و زاغ» را بازآفرینی کرده است.

درک و دریافت



با توجه به متن زیر به پرسش‌های داده شده پاسخ بده.

شغال‌ها همه‌ی لاشه‌های توی جنگل را خورده بودند و دیگر غذایی برای خوردن نداشتند ○ بنابراین شغال پیر نقشه‌ای کشید

○ او پیش فیل رفت و گفت ○ ○ ای فیل بزرگ ○ ما پادشاهی داشتیم که دستوره‌های عجیبی به ما می‌داد ○ دستورهایی که

نمی‌توانستیم انجامش بدهیم ○ برای همین تصمیم گرفتیم پادشاه دیگری انتخاب کنیم ○ شغال‌ها مرا فرستاده‌اند تا از شما بخواهم

پادشاه ما شوید ○ شما هر دستوری بدهید، ما انجام می‌دهیم و همه‌مان به شما احترام می‌گذاریم ○ ○ فیل لبخندی زد و با غرور

○ دنبال شغال راه افتاد ○

شغال ○ فیل را به طرف باتلاق برد و فیل توی

باتلاق افتاد ○ آن وقت شغال گفت ○ ○

ای پادشاه بزرگ ○ حال، هر دستوری بدهید

من انجام می‌دهم ○ ○ فیل گفت ○ ○

به تو دستور می‌دهم مرا از اینجا بیرون بکشی

○ ○

شغال گفت ○ ○ حتماً قربان... لطفاً دم

مرا با خرطوم‌تان بگیرید تا شما را از اینجا بیرون



بکشم ○○ فیل گفت ○○ فکر می‌کنی چنین چیزی ممکن است ○... یعنی تو می‌توانی مرا بیرون بکشی ○○ شغال گفت ○○ اگر ممکن نیست ○ پس چرا شما چنین دستوری به من می‌دهید ○... پادشاه قبلی ما هم همین‌طور بود و به ما از این جور دستورها می‌داد ○○

فیل با نگرانی به شغال نگاه کرد و متوجه شد که چه کلاهی سرش رفته است ○ وقتی فیل در باتلاق مُرد ○ شغال‌ها آمدند و او را خوردند ○

لئو تولستوی

۱ اسم دیگری برای این داستان پیشنهاد بده.

۲ در ○ علائم نگارشی مناسب بگذار.

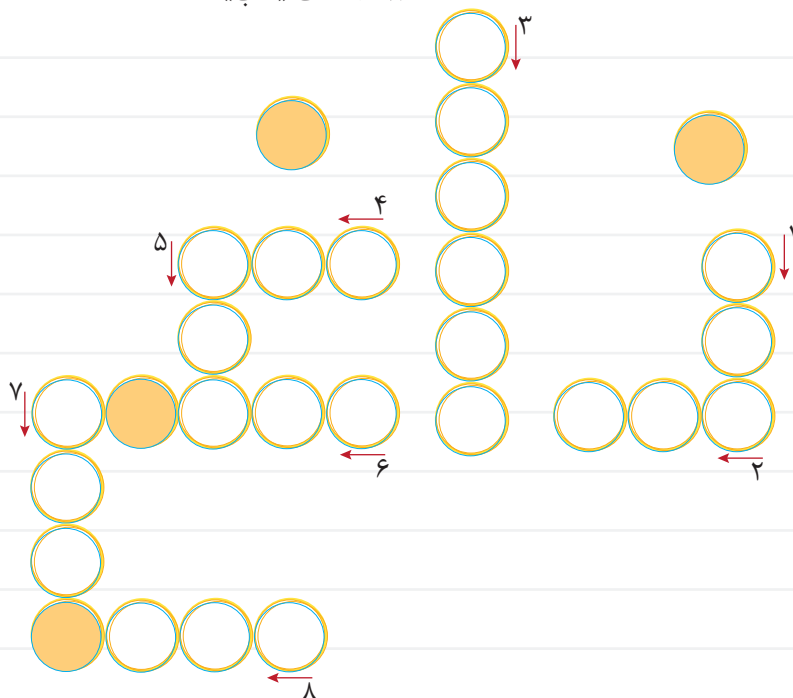
۳ به نظر تو، این داستان چه شباهتی با شعر «روباه و زاغ» دارد؟

۴ کدام ویژگی فیل باعث پیش آمدن این ماجرا شد؟

جدول

جدول را کامل کن.

- | | |
|-------------------|------------------------|
| ۱- عمیق | ۵- سر، مطلب پوشیده |
| ۲- همان تله است. | ۶- رنگ برگ‌های درخت |
| ۳- حیلت‌ساز | ۷- با آب خاموش می‌شود. |
| ۴- به معنی «حیله» | ۸- مخالف «شب» |



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ نسبت واژه‌های «قرب» و «غریب»، مانند کدام گزینه است؟

(۱) خنده و گریه (۲) علم و علوم (۳) ثواب و صواب (۴) طعمه و خوردنی

۲ حرف «ک» در واژه‌ی «زاغک» نشانه‌ی چیست؟

(۱) کوچکی (۲) بزرگی (۳) احترام (۴) تعجب

۳ نسبت کدام گروه از کلمه‌ها با بقیه متفاوت است؟

(۱) صد، سد (۲) آفرین، درود (۳) اثاث، اساس (۴) قالب، غالب

۴ کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

(۱) زاغک (۲) رَوَبَهَک (۳) داستانک (۴) اردک

۵ به واژه‌هایی که در خواندن مثل هم و در املا و معنی متفاوت‌اند، چه می‌گویند؟

(۱) هم‌آوا (۲) هم‌خانواده (۳) هم‌معنی (۴) متناسب

۶ با توجه به معنی، کدام گزینه نادرست است؟

(۱) خاست: خواهش کرد (۲) ارض: زمین (۳) حیات: زندگی (۴) ثواب: پاداش کار نیک

نام‌نامه (اعلام)



حبیب یغمایی

حبیب یغمایی، روزنامه‌نگار و شاعر در سال ۱۲۸۰ شمسی در روستای خور به دنیا آمد. او در سال ۱۳۲۷ مجله‌ی «یغما» را تأسیس کرد و در سال ۱۳۶۳ در تهران درگذشت. بعضی آثار او عبارت‌اند از: مجموعه‌ی اشعار و فردوسی در شاهنامه.

لطیفه

روزی در بای می‌دارند. از فقیری که از آنها می‌گذشت، پرسیدند: «اشتها داری؟» گفت:
«من در این جهان بی‌اشتها پیزی ندارم!»

درس چهارم

ارزش علم



واژه‌نامه



ارزش علم

دانا: باهوش، زیرک	آگاهی: دانش و علم
دانش: علم	ارزش: قیمت
سرگرم شدن: مشغول شدن	افزوده: اضافه شده
شادمان: شاد و خوشحال	اکنون: حالا
شهرت: معروف شدن	امواج: جمع موج
فرمان دادن: دستور دادن	امیر: پادشاه، حاکم، فرمانروا
قصد: اراده، نیت، میل	برافراشته: افراشته شده، بالا برده، بالا گرفته شده
گرفتار: دچار، اسیر	بلا: سختی، مصیبت
ماندنی: ماندگار، چیزی که دوام داشته باشد.	به دست آوردن: کسب کردن
کوبیدن: برخورد شدید داشتن، فرود آوردن چیزی با شدت بر	تا چه پیش آید: تا چه چیزی اتفاق بیفتد.
چیز دیگر	تخته پاره: قطعه‌ای چوب
ناخدا: آن کسی که کشتی را اداره می‌کند، مالک کشتی	تعلیم دادن: آموزش دادن، آموختن
نزد: پیش	چاره: راه حل، تدبیر
نیک‌نام: آن‌که نامش به خوبی معروف شده باشد، خوش نام	چیزی نگذشت: زمان زیادی نگذشت.
	حکیم: دانشمند، فیلسوف، طیب

درس‌نامه



به کلمه یا مجموعه‌ای از کلمه‌ها که با آنها مطلبی را به دیگران انتقال می‌دهیم، جمله می‌گوییم.

مثال < علی بسیار کوشاست.

- حال که مفهوم جمله را آموختی، باید بدانی که هر جمله را باید با لحن مناسبی خواند تا مفهوم آن جمله به درستی منتقل شود.
- بعضی جمله‌ها را باید با لحن پرسشی و سؤالی خواند و بعضی را با لحن تعجبی.
- هر یک از این حالت‌ها برای خود نشانه‌ای دارد که در پایان جمله می‌آید.
- نشانه‌ی جمله‌ی خبری علامت نقطه (.) است. ← هوا سرد است.
 - نشانه‌ی جمله‌ی پرسشی علامت سؤال (?) است. ← چرا هوا سرد است؟
 - نشانه‌ی جمله‌ی عاطفی (تعجبی) علامت تعجب (!) است. ← چه هوای سردی!

به نمونه‌های زیر توجه کن:

● امروز، هوا آفتابی است. (جمله‌ی خبری)

● آیا تاکنون به تبریز سفر کرده‌اید؟ (جمله‌ی پرسشی یا سؤال‌ی)

● عجب روزگاری! (جمله‌ی عاطفی)

کارگاه تمرین



۱ فرزندانم، با توجه به متن درس «ارزش علم» درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.

(الف) حکیم به قصد تجارت، سوار کشتی شد. 😞 😊

(ب) حکیم هرچه را با خودش آورده بود، در توفان دریا از دست داد. 😞 😊

(پ) ناخدایی، حکیم را دید و از کار او تعجب کرد. 😞 😊

(ت) امیر گفت: «ما به دانش و آگاهی تو نیاز داریم». 😞 😊

۲ در پازل‌های زیر، هر بخش از جمله را که ناقص است، کامل کن. علامت هر جمله را هم با توجه به لحن آن، در آخر جمله بگذار.

الف) رها به کمک

ب) قالب برداشت

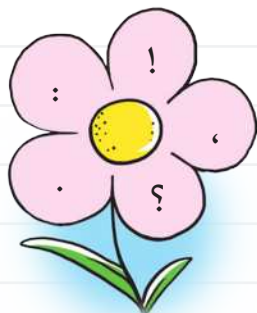
پ) آیا خانه‌ی شماست

ت) چقدر آسمان

۳ با توجه به معنی کلمه‌های زیر، آنها را کامل کن.

علا...ه	ت...لیم	ت...ب	وفان...	کیم...	ق...د
میل	آموزش دادن	حیرت	حرکت تند امواج دریا	دانشمند	نیّت

۴ علامت‌های درست هر جمله را در جای مشخص شده بگذار.



- الف) تو مرد دانایی هستی
- ب) حضری به جوانان ما چیزی بیاموزی
- پ) ای مرد دانا هرچه می‌دانستی به جوانان ما آموختی
- ت) بیاموزید آنچه را آموختنی است

۵ کدام یک از کلمه‌های زیر به تشدید نیاز دارد؟ تشدید آنها را در جای مناسب بگذار.

مدت تکه تعلیم تعجب بلا

۶ علامت‌های نگارشی متن زیر را بگذار.



- هشت نفر خسیس وارد یک سالن غذاخوری شدند در این موقع، پیشخدمت جلو آمد و پرسید آقایان برای ناهار چه چیز میل دارید یکی از آنها جواب داد لطفاً یک بشقاب سوپ با هشت قاشق بیاورید

۷ واژه‌ی «ناخدا» را در سه جمله و با لحن‌های مختلف به کار ببر.

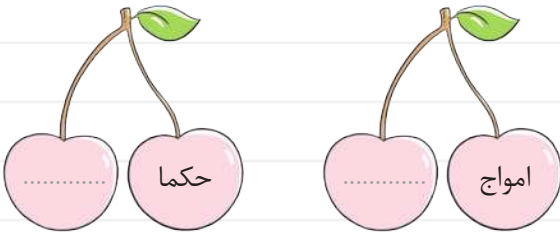
جمله‌ی عاطفی —

جمله‌ی خبری —

جمله‌ی پرسشی —

۸ در بند آخر درسی «ارزش علم» منظور حکیم از سرمایه چیست؟

۹ مفرد کلمه‌های زیر را بنویس.



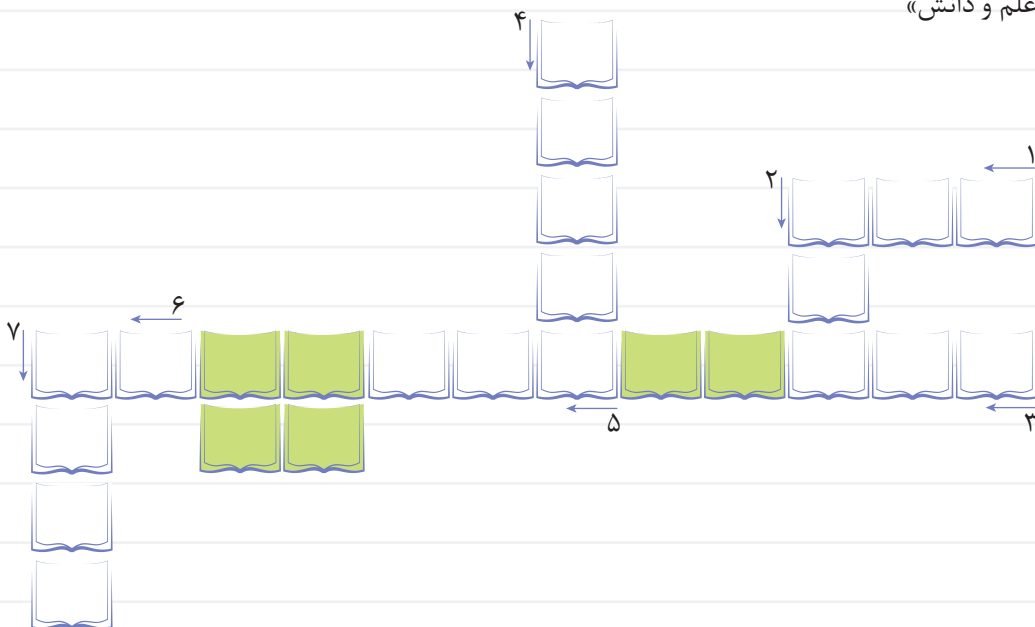
۱۰ نشانه‌ی جمله‌ی پرسشی چیست؟ شعری بنویس که در آن از این نشانه استفاده شده باشد.



جدول

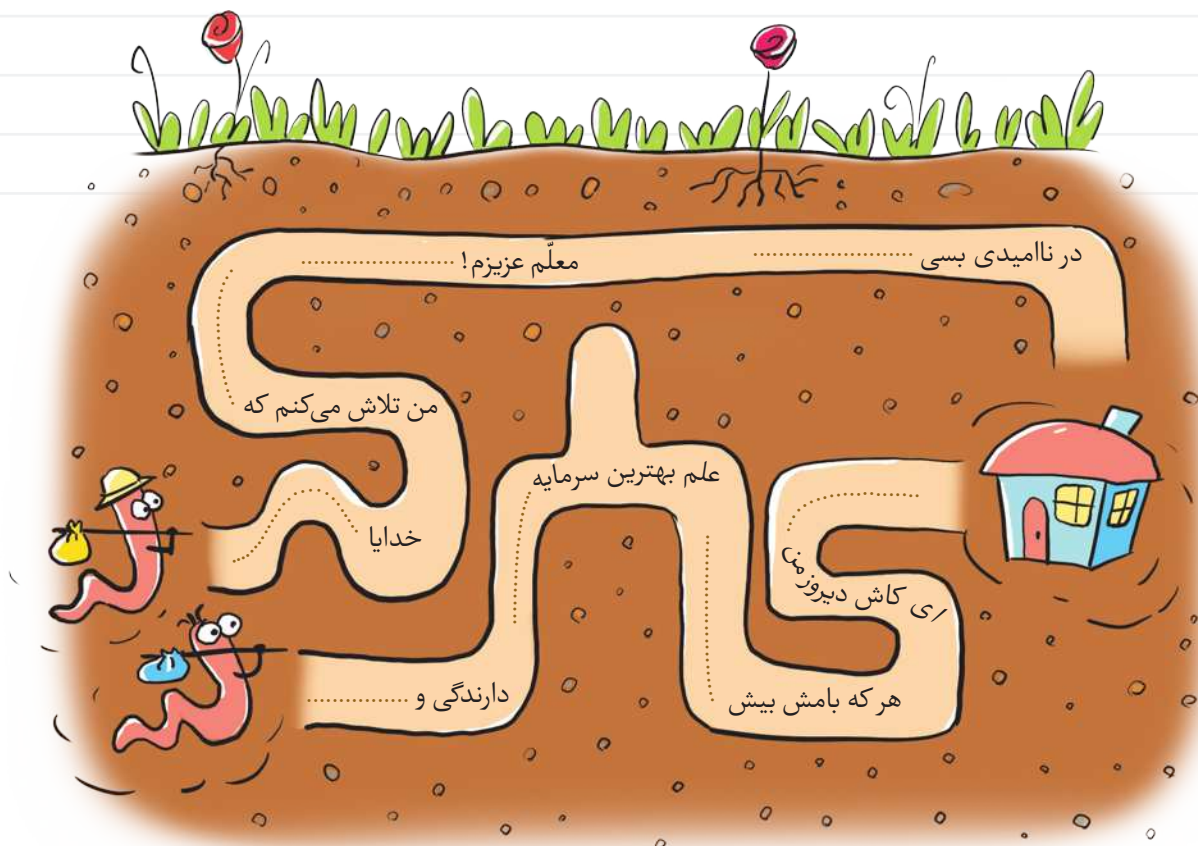
جدول را کامل کن.

- ۱- مخالف «غمگین»
- ۲- به معنی «فریاد»
- ۳- در هوا می‌وزد.
- ۴- به معنی «علم و دانش»
- ۵- به معنی «دوست و محبوب»
- ۶- غذای آبکی
- ۷- معروف شدن





فرزندم، در راه رسیدن کرم‌های کوچولو به خانه، جمله‌های ناقص را کامل کن.



پرسش‌های چهارگزینه‌ای



۱ در متن زیر، چند غلط املایی وجود دارد؟

«حکیمی قسد سفر کرد. سوار کشتی شد. در کشتی، انبوه محاجران بودند. چند روز بعد، کشتی گرفتار طوفان شد. عده‌ای اعتراض کردند و از ناخدا خاستند تا کشتی را نجات دهد.»

(۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) نه

۲ علامت نگارشی جمله‌ی «با یک گل بهار نمی‌شود» چیست؟

(۱) علامت تعجب (۲) علامت سؤال (۳) نقطه (۴) ویرگول

۳ عبارت زیر چند جمله دارد؟

«پسر گفت: چه هوای دل‌پذیری! ای کاش امروز به سفر می‌رفتیم.»

(۱) سه (۲) دو (۳) یک (۴) چهار

۴ در کدام بیت باید علامت سؤال (?) گذاشت؟

- (۱) گفت: به به! چقدر زیبایی چه سری، چه دمی، عجب پایی
(۲) آهو از دشت گریخت زمه برگشت به ده
(۳) برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار
(۴) به مادر گفتم: «آخر این خدا کیست که هم در خانه‌ی ما هست و هم نیست»

۵ منظور جمله‌ی «به دست آورید، آنچه را ماندنی است» چیست؟

- (۱) علم (۲) ثروت (۳) جوانی (۴) شادابی

۶ با توجه به متن درس «ارزش علم»، امیر به کدام سرمایه‌ی حکیم نیاز داشت؟

- (۱) هوش و آگاهی (۲) دانش و آگاهی (۳) آگاهی و زیرکی (۴) ثروت و هوش

۷ لحن کدام جمله با بقیه متفاوت است؟

- (۱) سرمایه‌ای با خود داشته باشید که اگر در دریا هم غرق شدید، آن را از دست ندهید!
(۲) پسر گفت: «من فقط خوب نگاه کردم و به آنچه دیدم، اندیشیدم».
(۳) حیوان با ترس و لرز گفت: «البته شما!»
(۴) موشکا گفت: «طفلی بی بی!»

نام‌نامه (اعلام)



محمد میرکیانی

محمد میرکیانی، نویسنده‌ی کودک و نوجوان، در سال ۱۳۳۷ در تهران به دنیا آمد. برخی آثار او عبارت‌اند از: *افسانه‌ی خوشبختی*، *پنج سنگ*، *پند و قند*، *پهلوان حیدر*، *قصه‌ی ما همین بود*، *قصه‌ی ما مثل شد*، *قصه‌های شب چله* و ...

لطیفه

موضوع انشا این بود: «مسافرت من و خانواده‌ام»
فانم معلّم پیتا را صدا زد تا انشایش را بفواند. پیتا فواند: «من و خانواده‌ام با قطار به شیراز رفتیم...»
فانم معلّم گفت: «تندتر عزیزم... وقت نداریم... تندتر...»
پیتا فواند: «من و خانواده‌ام با هواپیما به شیراز رفتیم!»

درس پنجم

رهایی از قفس



واژه‌نامه



سوغاتی: ره آورد، ارمغان، هدیه	ارمغان: هدیه، سوغات
شادکام: خوشحال	بازرگان: تاجر
شکایت: ناله، زاری	بازگو کردن: سخنی را دوباره گفتن، بیان کردن
شگرسخن: شیرین سخن، شیرین گفتار	بند: طناب، ریسمان
شیرین زبان: شیرین گفتار، شیرین بیان، شیرین سخن	بنده: برده، غلام، در اینجا به معنی من
غلامان: نوکران، خدمتکاران	بو بردن: فهمیدن، متوجه شدن
فلان: اشاره به شخص یا شیء نامعلوم	بیان کردن: گفتن، در میان گذاشتن
قضا: تقدیر، سرنوشت	پیش رفتن: جلو رفتن
قول دادن: وعده دادن، مقرر کردن	پیغام: پیام
کارمّت: که برای تو بیاورم	تجارت: بازرگانی کردن، دادوستد، معامله
کان: که آن	ثروتمند: دارا، توانمند از نظر مالی
کنیزک: خدمتکار، زنی که برده باشد.	چه خواهی: چه چیزی می خواهی
گران بها: قیمتی، باارزش	حبس: زندان، بازداشت
گرفتار شدن: اسیر شدن، دچار شدن	خام: بیهوده، ناپخته و نسنجیده
گریستن: گریه کردن	خطّه: سرزمین
لحظه: زمان خیلی کوتاه	خوبیش: خود
لذّت: خوشی	دریافتن: دانستن، فهمیدن
مشتاق: دارای شوق، آرزومند	دلتنگ: غمگین، اندوهگین
منزل: خانه	دلداری دادن: همدردی کردن، غم خواری کردن
موضوع: چیزی که درباره ی آن گفت وگو کنند یا مطلبی بنویسند.	رهایی: آزادی
هم زبان: همدمی که سخن شخص را به خوبی بفهمد.	زاری: گریه ی سوزناک، گریه کردن با صدا و ناله
	زهره اش بدرید: ترسید
گنبد کبود: در اینجا به معنی آسمان	خیال کردن: فکر کردن
مأمور: کسی که او را برای کاری گمارده باشند.	عُصّه: غم، اندوه

اتِّفَافًا: ناگهانی، به طور تصادفی، از روی اتفاق

برخاستن: بلند شدن

خدمتکار: نوکر، آن که در خانه‌ی کسی کار کند.

خواجه: بزرگ، سرور، تاجر

دستمزد: پولی که در مقابل کار کسی به او بدهند.

رأس: واحد شمارش چهارپایان

قافله: کاروان، گروه هم‌سفر

درس‌نامه

فرزندم، «نامه» می‌تواند به بعضی واژه‌ها اضافه شود و کلمه‌های جدید بسازد.

مثال روز + نامه ← **روزنامه:** نوشته‌ای است که هر روز مطالب جدیدی را بیان می‌کند.

کار + نامه ← **کارنامه:** برگه‌ای است که نتیجه‌ی کارهای هر فرد در آن می‌آید.

کتاب + نامه ← **کتاب‌نامه:** نوشته‌ای است که مشخصات کتاب‌ها در آن نوشته می‌شود.

کارگاه تمرین

۱ فرزندم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) با توجه به متن «رهایی از قفس»، طوطیان هندوستان به طوطی در قفس کمک کردند.



ب) واژه‌ی «خَطَه» به معنی سرزمین است.

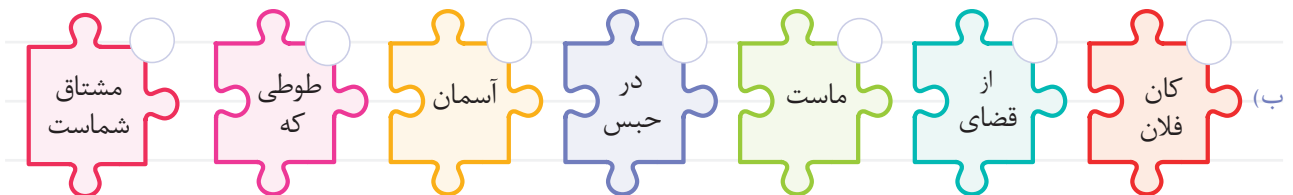
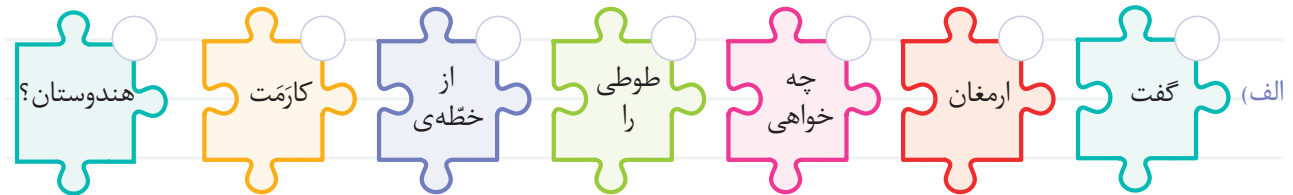


پ) معنی واژه‌ی «لطیف»، لطف است.



ت) برای ایجاد مکث کوتاه در جمله از علامت «!» استفاده می‌کنیم.

۲ در هر قسمت، پازل‌های به هم ریخته را به ترتیب شماره‌گذاری کن تا یک بیت شوند.



۳ معنی کن.

الف) شاه + نامه ← نوشته‌ای که در آن از پادشاهان سخن گفته شده است.

ب) درس + ← نوشته‌ای که

پ) زندگی + ←

ت) + نامه ←

ث) + نامه ←

۴ عزیزم، واژه‌های مربوط را به هم وصل کن و واژه‌های جدید بساز.

● زبان	● گران
● دل	● ثروت
● بیها	● شیرین
● مند	● دل
● تنگ	● هم

۵ هم‌معنی کلمه‌های داخل کمانک را در جاهای خالی بنویس.

الف) در شهری، (تاجر) ثروتمندی بود.

ب) او هر بار که به سفر می‌رفت، برای دوستان و (نوکرانش) هدیه‌ای می‌آورد.

پ) او هم قول داد که سلام و (پیامش) را به طوطیان هندوستان برساند.

ت) کان فلان طوطی که (آرزومند) شماس / از (سرنوشت) آسمان در حبس ماست!

۶ واژه‌های زیر، از چه قسمت‌هایی تشکیل شده‌اند؟

دلتنگ ← دل + تنگ

الف) همدرد ← (ب) خدمتکار

پ) شیرین‌سخن ← (ت) دستمزد

۷ با توجه به متن درس «رهایی از قفس»، سوغاتی بازرگان برای طوطی چه بود؟



۸ مفهوم جمله‌ی «هیچ ارزانی بی‌علت نیست و هیچ گرانی بی‌حکمت» چیست؟

۹ یک مثل بنویس و داستان آن را در یک بند توصیف کن.

۱۰ عزیزم، داستانی دیگر از مثنوی معنوی یا داستانی از ذهن خودت شبیه داستان «رهایی از قفس» بنویس.



جدول

با توجه به متن درس «رهایی از قفس» جدول را کامل کن.

ط	-۱	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>				
س	-۲	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>			
ب	-۳	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>		
ه	-۴	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	
ش	-۵	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

(۱) کنیزک (۲) دلقک (۳) پسرک (۴) عروسک

۲ علامت نگارشی مناسب برای جای مشخص شده چیست؟

«گفت طوطی: ارمغان بنده کو؟ آنچه گفتمی و آنچه دیدی، بازگو»

(۱) ؟ (۲) ، (۳) . (۴) !

۳ کدام گزینه هم‌معنی واژه‌ی «گران بها» نیست؟

(۱) قیمتی (۲) باارزش (۳) ارزان (۴) نفیس

۴ کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

(۱) طوطی (۲) شیرین‌زبان
(۳) شکرسخن (۴) سینه‌زنان

۵ واحد شمارش چهارپایان چیست؟

(۱) نفر (۲) سر (۳) رأس (۴) گله

۶ در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

(۱) اتفاقا، برخاست، قافله، رأس، قاطر
(۲) دستمزد، خواجه، خدمتکار، کاروان، حکمت
(۳) غصه، معمورها، سروکول، ذنگ، آموخت
(۴) شکرسخن، تعجب، خویش، زهره، همتا

نام‌نامه (اعلام)



سوسن طاقدیس

سوسن طاقدیس، نویسنده‌ی کتاب‌های کودک و نوجوان، در سال ۱۳۳۸ در شیراز به دنیا آمد. داستان نویسی را با نوشتن داستان‌های کوتاه در «کیهان بچه‌ها» شروع کرد و آثار زیادی درباره‌ی ادبیات کودک و نوجوان دارد؛ از جمله *قدم یازدهم*، *زرافه‌ی من آبی است*، *پشت آن دیوار آبی* و *هزار سال نگاه*. او علاوه بر داستان نویسی، شعر هم می‌گوید. او در سال ۱۳۸۶ برای کتاب *قدم یازدهم*، جایزه‌ی کتاب سال را دریافت کرد.



مولانا

جلال الدین محمد بلخی معروف به مولانا یا مولوی (۶۰۴ تا ۶۷۲ هجری قمری)، از مشهورترین شاعران فارسی‌زبان است.

مهم‌ترین آثار او، مثنوی معنوی و دیوان شمس تبریزی یا دیوان کبیراست.

«از خدا جویم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف رب»

لطیفه

رئیس رستوران وارد آشپزخانه شد و به کارسوز گفت: «بازرس بهداشت وارد رستوران شده و الان می‌آید اینجا... اگر روپوش تو را ببیند، هتماً رستوران را به علت رعایت نکردن بهداشت، تعطیل می‌کند.»

آشپز با ترس گفت: «هالا چه کار کنم رئیس؟»

رئیس گفت: «وقتی پرسید چرا روپوشت این قدر سیاه است؟ بگو پدرم از دنیا رفته است!»

پرسش‌های پایانی فصل ؟

۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) ناخدا، همان مالک کشتی است.

ب) با توجه به متن درس «رهایی از قفس»، طوطی از شنیدن حرف‌های بازرگان خوشحال شد.

پ) بازآفرینی شعر «روباہ و زاغ» از حبیب یغمایی است.

ت) حرف «ک» در واژه‌ی «زاغک»، نشانه‌ی تعجب است.

۲ واژه‌ی درست را برای هر جای خالی انتخاب کن.

الف) برگ درختان سبز در (نزر، نظر) - (حوشیار، هوشیار)

ب) در آن هنگام، حشرات می‌شوند. (کم‌یاب، کمیاب)

پ) کان فلان طوطی که مشتاق شماس است از آسمان، در ماست. (قضای، قظای) - (هیس، حبس)

ت) کاروانی با صد نفر شتر و سی‌وپنج در حال عبور است. (رعس، رأس) - (قاطر، غاطر)

۳ گزینه‌ی درست را انتخاب کن.

الف) کتاب مثنوی معنوی اثر کیست؟

..... (۱) مولانا (۲) سعدی (۳) حافظ (۴) نظامی

ب) کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

..... (۱) کارنامه (۲) بارنامه (۳) شاهنامه (۴) برنامه

پ) «هیچ ارزانی بی‌علت نیست و هیچ گرانی، بی».

..... (۱) دلیل (۲) حکمت (۳) رحمت (۴) تجارت

ت) در کدام گزینه دو واژه‌ی «هم‌آوا» نیامده است؟

..... (۱) خویش - خیش (۲) قریب - غریب (۳) لطیف - لطف (۴) خان - خوان

ث) در کدام جمله، نشانه‌ی ویرگول در جای نادرست آمده است؟

..... (۱) بازرگان تصمیم گرفت، به هندوستان سفر کند.

..... (۲) بازرگان از دیدن آن صحنه، شگفت زده شد.

..... (۳) در شهری، بازرگان ثروتمندی بود که یک طوطی داشت.

..... (۴) او نمی‌دانست چگونه، موضوع مردن آن طوطی را بگوید.

ج) معنی کدام واژه نادرست است؟

..... (۱) بنده: غلام، نوکر

..... (۲) شیرین‌زبان: شیرین‌بیان

..... (۳) سوغاتی: هدیه

..... (۴) قضا: آنچه می‌خوریم.

۴ علامت‌های نگارشی متن زیر را بگذار.

کسی آواز می‌خواند و می‌دوید گفتند: چرا چنین می‌کنی گفت: شنوندگان می‌گویند که آواز من از دور خوش است

می‌دوم تا آواز خود را از دور بشنوم

۵ برای واژه‌های زیر، یک واژه‌ی هم‌آوا بنویس و آنها را معنی کن.

الف) غریب: (ب) خوار: (پ) خواست: (ت) ارض:

۶ فرزندم، هر بیت از دو قسمت تشکیل می‌شود که به هر قسمت آن «مصراع» می‌گویند. حال با توجه به شعر درس «رهایی از قفس»، مصراع‌های مربوط را به هم وصل کن.

● کارمَت از خَطّه‌ی هندوستان؟

● گفت آن طوطی که «آنجا طوطیان

● آنچه گفتمی و آنچه دیدی، بازگو!

● گفت: «گفتم آن شکایت‌های تو

● با گروهی طوطیان، همتای تو»

● گفت طوطی: «ارمغان بنده کو؟»

● چون ببینی، گن ز حال ما بیان»

● گفت طوطی را «چه خواهی ارمغان

۷ دو واژه بنویس که مانند روزنامه، از ترکیب یک واژه با کلمه‌ی «نامه» ساخته شده باشد.

۸ ضرب‌المثلی بنویس که در آن، نام یکی از اعضای بدن انسان آمده باشد.

۹ واژه‌ی «زاغ» را یک بار در جمله‌ی عاطفی و یک بار در جمله‌ی خبری به‌کار ببر.

جمله‌ی عاطفی —!

جمله‌ی خبری —

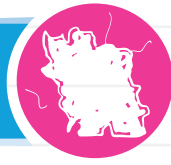
۱۰ واژه‌های مشخص شده را معنی کن.

الف) ناخدا هرچه کرد، نتوانست. (ب) روبه پرفریب و حیلت‌ساز

پ) مرد از پسر معذرت خواست. (ت) خواجه‌ای دو خدمتکار داشت.

فصل ٣

ايرانِ من



آن‌گاه: آن هنگام، آن زمان	رشید: راست قامت، دلاور
استوار: پایدار، پابرجا، محکم	روزگار: ایام
اندوهگین: غمگین، غصه دار، سوگوار	رها کردن: آزاد کردن
ایمان: اعتقاد، باور	زمزمه: آوازی که به آهستگی و زیر لب خوانده شود.
بامداد: صبح زود، اول صبح	سامان: نظم و ترتیب
بردباری: شکیبایی، صبر	سپاه: لشکر، گروه بزرگی از جنگجویان
بی تاب: بی قرار، ناآرام	سرانجام: عاقبت و پایان کاری
پایداری: ایستادگی، مقاومت	سربلندی: سرافرازی، افتخار
پولادین: ساخته شده از فولاد، بسیار محکم، نیرومند	سپرینجه: نیرومند و توانا
پهلوان: دلیر، شجاع، نیرومند	عیب: نقص، کمبود
تحقیر: خوار کردن، کوچک شمردن	فدا کردن: از دست دادن مال یا جان در راه رسیدن به هدفی
تناور: تنومند، درشت پیکر، دارای ساقه ی بزرگ و قوی	فرمان: دستور
توران: نژادی ایرانی در منطقه ی آسیای میانه، نام سرزمینی	فرود آمدن: پایین آمدن
در آن سوی مرزهای شمال و شمال شرق ایران کهن. در	کمان: ابزار تیراندازی
داستان های ملی، جنگ های ایرانیان و تورانیان بخش های	گام: قدم
مهمی از رویدادهای حماسی را تشکیل می دهد.	ماهر: زبردست
تیغ: هر چیزی که مانند تیغ باشد، لبه ی برنده ی شمشیر،	تبرد: جنگ
چاقو و ...	نقص: عیب، کمی و کاستی
تیزبال: سریع، تیزپرواز	نیمروز: میان روز، وسط روز
خاور: مشرق، مقابل باختر (مغرب)	نیرومند: دارای زور و قدرت، قوی
دشواری: سختی، زحمت، مشکل	یاری کردن: کمک کردن
بام: بالای ساختمان، پشت بام	ترانه: قطعه ی کوتاه خواندنی همراه با سازهای موسیقی
بژان: دارای خاصیت یا توانایی بریدن، بُرنده، تیز	تندر: بانگ رعد، صدایی که هنگام رعدوبرق از آسمان به
پند: اندرز، نصیحت	گوش می رسد.

جاودانی: ابدی، همیشگی، دائمی

چابک: تند و سریع، چالاک

چُست: چالاک، چابک

خُرم: شاد، خوشحال، شادمان

خواه: خواستن

دیرین: قدیمی

غُرّان: در حال غرّیدن، غرّش کنان

گریزان: شتابان، گریزنده

گوهرفشانی: گوهر فشاندن، پراکندن مروارید

گوارا: خوب، لذت بخش

گُهر: گوهر، مروارید

نهبانی: پنهانی

یادم آزد: یادم می آورد

درس نامه

• آموختی که جمله از یک یا چند کلمه تشکیل می شود که هم پیام کاملی را به شنونده یا خواننده منتقل می کند و هم یکی از لحن های خبری، عاطفی، پرسشی و دستوری را دارد.

مثال < جمله ی خبری: امروز هوا ابری است.

جمله ی پرسشی (سؤالی): کو بازوی پولادین و کو سرپنجه ی ایمان؟

جمله ی عاطفی (تعجبی): به! چه زیبا بود باران!

جمله ی دستوری (امری): به علامت های رانندگی توجه کن.

• گاهی برای وصل کردن دو جمله، از حرف «و» استفاده می شود که با آن، معنی دو جمله به هم ارتباط پیدا می کند. به این حرف، «نشانه ی ربط» یا «پیوند» می گویند.

مثال < من جان خود را در تیر خواهم گذاشت و برای سربلندی ایران فدا خواهم کرد.

کارگاه تمرین

۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک ها مشخص کن.

الف) جمله از چند کلمه تشکیل شده است که پیام ناقص یا کاملی را می رساند. ☹️ 😊

ب) علامت پایان جمله ی خبری، ویرگول است. ☹️ 😊

پ) با توجه به متن درس «آرش کمان گیر»، جنگ بین ایران و توران بود. ☹️ 😊

ت) شعر «باران»، درباره ی حال و هوای جنگل های گیلان است. ☹️ 😊

۲ فرزندانم، با توجه به لحن و آهنگ هر یک از جمله های زیر، علامت مربوط به آن جمله را بگذار و بنویس چه نوع جمله ای است.

الف) فردا هوا ابری است

ب) چه آسمان پاکی

پ) چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی

ت) توجه کنید

۳ عزیزم، کلمه‌های مناسب را به هم وصل کن و ترکیب تازه‌ای بساز.



۴ جمله‌های به هم ریخته‌ی زیر را مرتب کن و با توجه به آهنگ‌ها، علامت مناسب هر جمله را بگذار.

الف) سامان، تیری، مرز را، می‌دهد، پرواز

ب) تیرانداز، این، کار بزرگ، را، کدام، خواهد داد، انجام

۵ کلمه، برای هر قسمت علامت مناسب بگذار.



الف) راستی چه پیشنهاد دشواری مگر یک تیر چقدر می‌تواند دور بشود

ب) کدام تیرانداز این کار بزرگ را انجام خواهد داد

پ) من جان خود را در تیر خواهم گذاشت و برای سربلندی ایران فدا خواهم کرد

ت) ای خدای آسمان‌ها ای آفریدگار کوه‌ها و دریاها

ث) بس گوارا بود باران / به چه زیبا بود باران

۶ یک جمله‌ی کوتاه امری بنویس.

۷ با واژه‌های زیر، جمله‌های عاطفی بساز.

ماهر

رشید

۸ با توجه به متن درس «آرش کمان‌گیر»، عاقبت آرش چه شد؟

۹ نام یکی دیگر از پهلوانان ایرانی را بنویس و او را در دو سطر معرفی کن.



درک و دریافت

با توجه به متن زیر به پرسش‌های داده‌شده پاسخ بده.

کاوه‌ی آهنگر شخصیتی اسطوره‌ای متعلق به ایران باستان است. در *شاهنامه* آمده است که او قیامی مردمی را علیه فرمانروایی ضحاک برنامه‌ریزی کرد. نشان جنگ و حرکت او، «درفش کاویانی» بود. این درفش، لباس چرمی آهنگران بود که کاوه آهنگر بر سر نیزه زده بود. او به کمک فریدون، یکی از فرزندان جمشید، توانست ضحاک را شکست دهد و مردم را از ظلم چندصدساله‌ی ضحاک برهاند. این شخصیت در نزد ایرانیان، همواره یادآور عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی است.

چو کاوه برون شد ز درگاه^۱ شاه
 همی برخوشید و فریاد خواند
 برو انجمن^۲ گشت بازارگاه^۳
 که ای نامداران^۴ یزدان پرست
 سر از بند ضحاک بیرون کند^۵
 بیوید^۶ کاین مهتر اهریمن^۷ است
 جهان آفرین^۸ را به دل دشمن است

۱ کاوه‌ی آهنگر، چه نشانی داشت؟

۲ کاوه با کدام شخصیت به مبارزه برخاست؟

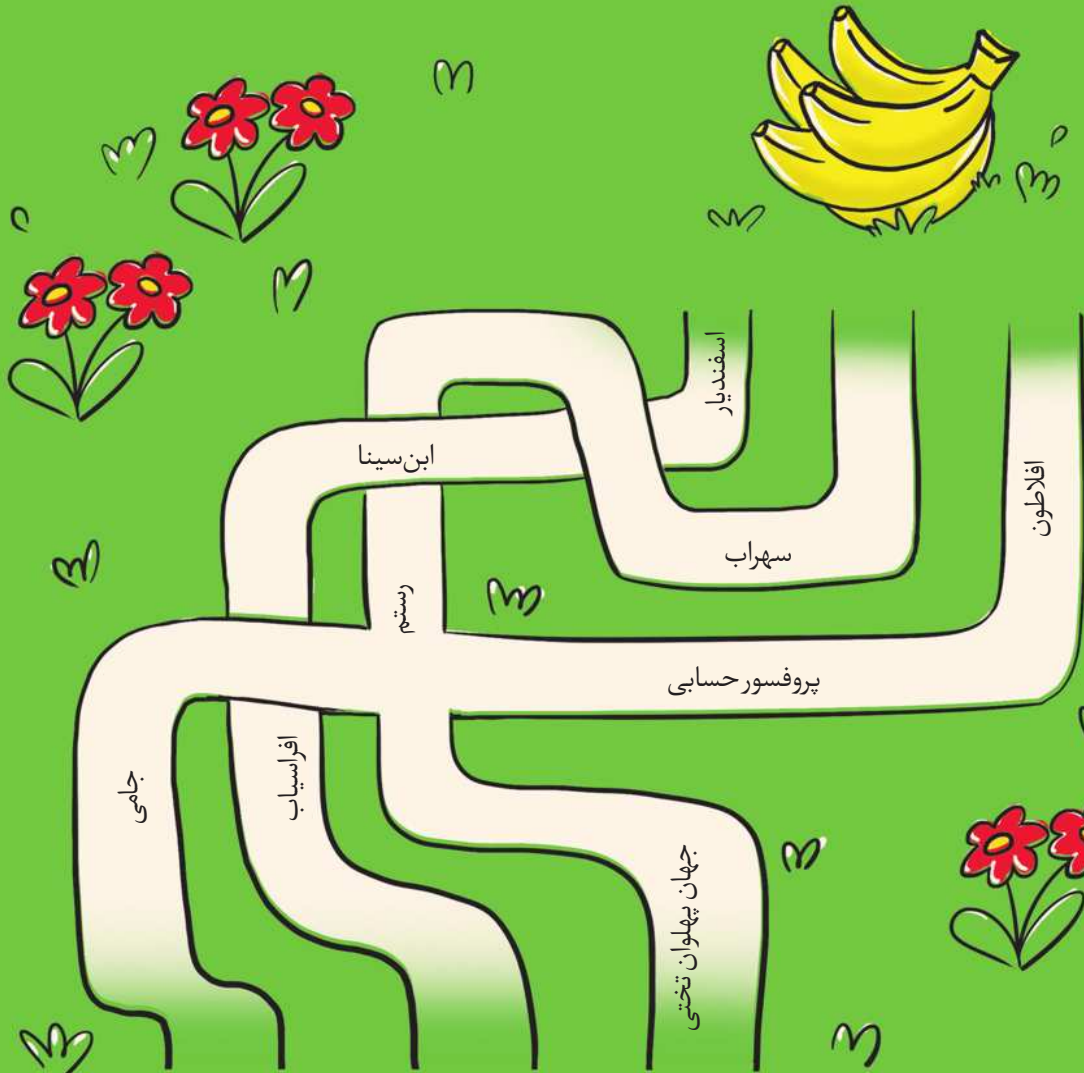
۳ در نزد ایرانیان کاوه یادآور چه چیزی است؟

۴ جمله‌ای در وصف «کاوه» بنویس.

- ۱- درگاه: دربار
 ۲- انجمن: جمع مردم
 ۳- بازارگاه: مانند بازار
 ۴- نامداران: پهلوانان
 ۵- سر از بند کسی بیرون کردن: از اسارت کسی رها شدن، اعلام دوری و بی‌زاری جستن
 ۶- بیویدن: تلاش کردن، جست‌وجو کردن
 ۷- اهریمن: شیطان
 ۸- جهان‌آفرین: خداوند
 ۹- داد: عدل



قسمتی را رنگ کن که نام پهلوانان ایرانی در آن آمده است تا مسیری که میمون به موزها می‌رسد مشخص شود.





پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ شعر «باران» سروده‌ی کیست؟

- (۱) گلچین گیلانی
(۲) اسدالله شعبانی
(۳) شکوه قاسم‌نیا
(۴) ناصر کشاورز

۲ جمله، کدامیک از ویژگی‌های زیر را ندارد؟

- (۱) از یک یا چند کلمه تشکیل می‌شود.
(۲) پیام کاملی را به شنونده یا خواننده منتقل می‌کند.
(۳) جمله لحن و آهنگی خاص دارد.
(۴) پیامی را بدون لحن و آهنگی خاص بیان می‌کند.

۳ فرمانده سپاه تورانیان چه کسی بود؟

- (۱) آرش
(۲) افراسیاب
(۳) گودرز
(۴) اسفندیار

۴ در کدامیک از گزینه‌های زیر، فعل نیامده است؟

- (۱) تورانیان پیشنهاد کردند.
(۲) هرجا که تیر فرود آید
(۳) ای خدای آسمان‌ها
(۴) کدام تیرانداز این کار بزرگ را انجام خواهد داد

۵ واژه‌ی «خاور»، متضاد کدامیک از واژه‌های زیر است؟

- (۱) شرق
(۲) شمال
(۳) غرب
(۴) جنوب

۶ در متن زیر چند جمله وجود دارد؟

«خوب ببینید! در بدن من، هیچ نقص و عیبی نیست؛ اما خوب می‌دانم همین که تیراز کمان رها شود، همه‌ی نیروی من از تن بیرون خواهد رفت.»

- (۱) دو
(۲) چهار
(۳) سه
(۴) پنج



گلچین گیلانی

دکتر مجدالدین میرفخرایی، با نام هنری گلچین گیلانی، در سال ۱۲۸۷ خورشیدی در رشت به دنیا آمد. یکی از شعرهای زیبای او «رنج روستاییان» است که در آن، از زبان یک روستایی به درد و رنج و سختی مردم روزگار می پردازد.

لطیفه

مسافر تاکسی به راننده گفت: «آقای راننده، شما می توانید اسم پندتا از شاعران مهم ایران را بگویید؟»
راننده گفت: «بله قربان... حافظ، سعدی، فغانی، فردوسی...»
مسافر حرف راننده را قطع کرد و گفت: «فیلی ممنون... می خواستم سر فردوسی پیاده شویم. اسمش را یاد م رفته بود!»

درس هفتم

مهمان شهر ما



واژه‌نامه



مهمان شهر ما

انتظار

خیره شدن: توجه عمیق، نگاه کردن به چیزی بدون برداشتن

چشم از آن

رُخسار: روی، چهره، سیما

غوغا: سروصدا

لحظه شماری: انتظار کشیدن، پیوسته منتظر کسی بودن

محور: اساس، مبنا

مسئولان: کسانی که وظیفه دارند کاری را انجام دهند.

نشاط: شادی، شوق

نشاط انگیز: شادی بخش، آنچه موجب شادی می‌شود.

نگار: محبوب

همهمه: سروصدا

هین: بدان، آگاه باش

شتابان: باعجله

ضخامت: کُلفتی

طعنه: سرزنش، بدگویی

فراگرفتن: یادگرفتن

مرخصی: آزاد شدن، اجازه‌ی ترک کردن محل کار برای

مدّت محدود

مَشام: بینی

استقبال: به پیشواز کسی رفتن، پیشواز

انتظار: چشم به راه بودن، امید داشتن

اندک اندک: کم‌کم، آهسته‌آهسته

برخی: بعضی

بی صبرانه: زود، با بی‌طاقتی، با اشتیاق بسیار، ناآرام

پدید آمدن: آشکار شدن

پُرتوان: پُرنیرو، توانا، پُرقدرت

پوشش: لباس

تپش: تپیدن، جنبش، حرکت

جنبش: حرکت، تکان

حضور: حاضر بودن، وجود

خروشان: پرسروصدا

خودجوش: آنچه بدون دخالت بیرونی و تصمیم‌گیری قبلی

به وجود آید.

اعتنا کردن: توجه کردن، اهمیت دادن

اندوه: ناراحتی، غم و غُصه

تحسین آمیز: آمیخته با ستایش و آفرین گفتن، همراه با تعریف و

تمجید

دلگیر: غمگین، اندوهناک

دلهره: نگرانی

سردرگم: درهم و برهم، به هم پیچیده

● عزیزم می‌دانی که بعضی واژه‌ها از ترکیب دو قسمت ساخته شده‌اند؛ مثل بارنامه که از ترکیب بار + نامه ساخته شده است.

حال با صورت دیگر آن آشنا می‌شوی که ترکیب «خود» با واژه‌های دیگر است.

مثال خود + خواه ← خودخواه: یعنی کسی که فقط به خودش فکر می‌کند.

خود + رأی ← خودرأی: یعنی کسی که فقط نظر خودش را قبول دارد.

خود + نویس ← خودنویس: یعنی قلمی که جوهر در مخزن آن می‌ریزند و بدون زدن در دوات با آن می‌نویسند.

خود + پسند ← خودپسند: یعنی کسی که فقط رفتار خودش را می‌پسندد.

● عزیزم، تا به حال به داستان‌هایی که خوانده‌ای، توجه کرده‌ای؟ هر داستان از قسمت‌ها و عناصر مختلفی ساخته شده است؛ مانند:

۱ شخصیت‌های داستان: کسانی هستند که در داستان نقش دارند؛ برای مثال، شخصیت‌های داستان «انتظار»، گل سرخ، گل‌های

سوسن، درخت سیب، نرگس و محمدتقی (برادر نرگس) هستند.

۲ زمان: نشان می‌دهد داستان در چه زمانی (گذشته، حال، آینده) اتفاق افتاده است.

۳ مکان: نشان می‌دهد داستان در چه مکانی رخ داده است؛ برای مثال، مکان داستان «انتظار»، باغچه‌ی خانه‌ی نرگس است.

۴ اتفاق‌های داستان: حوادث یا مسائلی است که در طول داستان پیش می‌آید؛ برای مثال، شکفتن گل سرخ یا آمدن محمدتقی از

جبهه، از اتفاق‌های داستان «انتظار» هستند.

۵ نتیجه: پیامی است که از موضوع داستان می‌گیریم؛ برای مثال، نتیجه‌ی داستان «انتظار»، خوشحالی گل سرخ حتی پس از چیده

شدن به دست نرگس است؛ چون محمدتقی او را لای صفحه‌های قرآن می‌گذارد.

● دوست عزیزم، در درس گذشته آموختی که بعضی جمله‌ها با نشانه‌ی ربط یا پیوند «و» به هم وصل می‌شوند. اینک می‌آموزی که

علاوه بر این نشانه، کلمه‌هایی مانند «اما» و «ولی» هم جملات را به هم پیوند می‌دهند؛ یعنی دو جمله که معنای کامل و آهنگ

خاص خود را دارند، با کلمه‌ی «اما» یا «ولی» به هم وصل می‌شوند.

مثال زهرا به خانه‌ی ما آمد ولی کتاب فارسی‌اش را نیاورد.

جمله‌ی دوم

جمله‌ی اول
↓
نشانه‌ی ربط (پیوند)

کارگاه تمرین

۱ فرزندم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



(الف) «هین»، یعنی آگاهی.



(ب) با توجه به درس «مهمان شهر ما»، بچه‌ها از خانه‌هایشان به سمت محلّ حضور آقا رفتند.

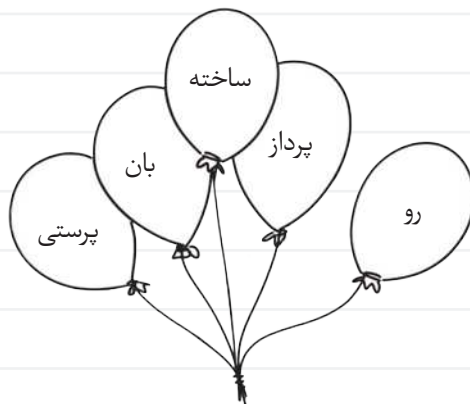
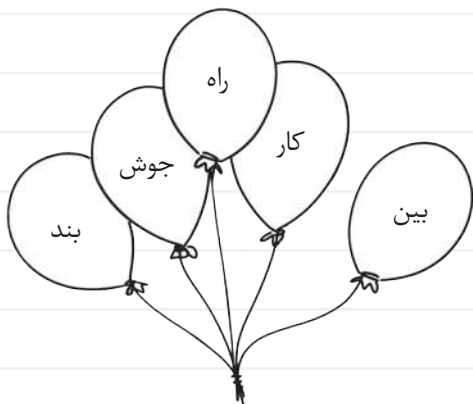


(پ) «زمان» از عناصر داستانی به حساب می‌آید.



(ت) با توجه به درس «مهمان شهر ما»، یکی از شخصیت‌های داستان «آقا» بودند.

۲ بادکنک‌هایی را که می‌توانند با «خود» ترکیب شوند، رنگ کن.



۳ معنی واژه‌های زیر را بنویس.

.....	نشاط	مَشام
.....	طعنه	تپش
.....	محور	رخسار

۴ فرزندم، در کادر پایین دو جمله بنویس که نشانه‌ی ربط «اما» آنها را به هم پیوند دهد.

اما
.....

۵ تصویر مقابل، تو را یاد چه مثلی می‌اندازد؟



۶ دو مثال بزن که از ترکیب «خود» و واژه‌ای دیگر درست شده باشد.

.....	خود +	خود +
-------	-------------	-------	-------------

۷ ترکیب‌های زیر را معنی کن.

الف) خودرأی یعنی

ب) خودسر یعنی

پ) خودکار یعنی

ت) خودآموز یعنی

۸ نتیجه‌ی داستان «آرش کمان‌گیر» چه بود؟

۹ معنی مثل «با یک گل بهار نمی‌شود» چیست؟

درک و دریافت



با توجه به متن زیر به سؤال‌های داده‌شده، پاسخ بده.

سال‌ها پیش، گوزنی به لب چشمه رفت تا آب بنوشد. وقتی عکس خودش

را در آب دید، گفت: «کاش شاخ‌هایم بزرگ‌تر و پهن‌تر می‌شدند». بعد،

نگاهی به پاهایش کرد و گفت: «چه پاهای زشتی! ... حیف که

پاهایم خیلی لاغر و استخوانی‌اند. مثل چوب‌کبریت می‌مانند!»

همین موقع، سروکلّه‌ی شیری پیدا شد و گوزن پا به فرار گذاشت.

او از میان دشت دوید، از شیر دور شد و به جنگل رسید. او موفق

شده بود با استفاده از پاهای تیزرویی که داشت خودش را نجات

دهد؛ اما همین که کمی توی جنگل جلو رفت، شاخ‌هایش به

شاخه‌های درختی گیر کرد! شیر هم به او رسید و آماده‌ی حمله

شد. گوزن که به پایان عمرش نزدیک شده بود، گفت: «چقدر

نادان بودم! پاهایی که فکر می‌کردم لاغر و زشت‌اند، مرا نجات دادند؛

اما شاخ‌های زیبایم که آرزو می‌کردم بزرگ‌تر و پهن‌تر شوند، مرا به دام انداختند!»

لئو تولستوی

۱ دلبندم، عناصر داستان «شاخ‌گوزن» را بنویس.

۲ واژه‌های جمع را در متن داستان پیدا کن و بنویس.



جدول

جدول را کامل کن.

۱- از عناصر داستان

۲- برکت سفره

۳- راست قامت، دلاور

۴- از نشانه‌های ربط دو جمله

۵- آنچه بدون دخالت بیرونی به وجود آید.

۶- باعجله

بازی

عزیم، با انتخاب راه درست، پسر بچه را به مدرسه برسان.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ کدام یک از گزینه‌های زیر، مَثَل است؟

- (۱) آب زنید راه را، هین که نگار می‌رسد
(۲) جای سوزن انداختن نیست
(۳) هرکه بامش بیش، برفش بیشتر
(۴) مرز را پرواز تیری می‌دهد سامان

۲ کدام یک از گزینه‌های زیر، از عناصر داستان نیست؟

- (۱) زمان (۲) مکان (۳) نتیجه (۴) هدف

۳ کدام واژه با بقیه‌ی گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) خوردنی (۲) خودرأی (۳) خودکار (۴) خوددار

۴ معنی واژه‌ی «خودپسند» چیست؟

- (۱) کسی که فقط نظر خودش را قبول دارد.
(۲) کسی که خودش درسش را می‌آموزد.
(۳) کسی که فقط رفتار خودش را می‌پسندد.
(۴) کسی که بی‌اجازه کاری را انجام می‌دهد.

۵ جمله‌ی «فکر کردن باید محور تلاش باشد» از کیست؟

- (۱) مقام معظم رهبری (۲) امام خمینی (۳) شهید مطهری (۴) شهید باهنر

نام‌نامه (اعلام)



رهبر معظم انقلاب

سیدعلی حسینی خامنه‌ای، فرزند مرحوم حجت‌الاسلام حاج سیدجواد حسینی خامنه‌ای، در فروردین ۱۳۱۸ شمسی در مشهد مقدس چشم به دنیا گشود. ایشان دومین پسر خانواده بودند و زندگی پدرشان نیز مانند دیگر روحانیون، بسیار ساده بود. خود ایشان می‌فرمایند: «پدرم روحانی معروفی بود؛ اما خیلی پارسا بود. زندگی ما به سختی می‌گذشت. من یادم هست شب‌هایی اَتِّفاق می‌افتاد که در منزل ما شام نبود. مادرم با زحمت برای ما شام تهیّه می‌کرد، آن شام هم نان و کشمش بود». ایشان تحصیلات خود را ابتدا در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، بعد در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف و بعد از آن، در حوزه‌ی علمیه‌ی قم ادامه دادند. ایشان شاگرد استادانی همچون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی، شیخ حائری یزدی و علامه طباطبایی بودند و از همان ابتدا، در مبارزات سیاسی علیه حکومت طاغوت فعالیت داشتند؛ بارها به زندان افتادند و حتی تبعید نیز شدند.

لطیفه

پسر لاغر به پسر چاق گفت: «باز هم که چاق تر شری! راستی، پرا پدرت هر سال یک تلویزیون بزرگ تر می‌فرد؟!»
پسر چاق گفت: «پون وقتی می‌فواهد فوتبال ببیند، من پلوی تلویزیون می‌ایستم!»

پرسش‌های پایانی فصل

۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) جمله فقط یک کلمه است.



ب) شعر «باران» سروده‌ی گلچین گیلانی است.



پ) معنای کلمه‌ی «ذهن»، اندیشه است.



ت) اُتفاق‌های داستان از عناصر داستان است.

۲ جاهای خالی زیر را به درستی پر کن.

الف) باز باران

می خورد

خوب و

توی

و

و با دو

ب) جمله از یک یا چند کلمه تشکیل می‌شود و را به شنونده انتقال می‌دهد.

پ) خودرأی یعنی کسی که

ت) معنی واژه‌ی محور، است.

۳ گزینه‌ی درست را انتخاب کن.

الف) کدام واژه با بقیه متفاوت است؟

۱) خودپسند ۲) خودمانی ۳) خودکار ۴) خودنویس

ب) املاي کدام گزینه نادرست است؟

۱) نشات: شوق ۲) تپش: حرکت ۳) رخسار: سیما ۴) سامان: نظم

پ) در کدام گزینه جمله‌ی امری آمده است؟

۱) ایرانیان! قهرمانی آرش را خوب بنگرید. ۲) کو بازوی پولادین و کو سرپنجه‌ی ایمان؟

۳) کار صدها، صد هزاران تیغه‌ی شمشیر کرد آرش. ۴) مرز را پرواز تیری می‌دهد سامان.

ت) کدام یک از گزینه‌های زیر، علامت جمله‌ی عاطفی (تعجّبی) است؟

۱) . ۲) ؟ ۳) ! ۴) ،

ث) کدام یک ضرب‌المثل نیست؟

۱) با یک گل بهار نمی‌شود. ۲) عاقبت، جوینده یابنده است.

۳) کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد. ۴) آب زیند راه را، هین که نگار می‌رسد.

ج) کدام گزینه جمله‌ی کامل نیست؟

۱) مژده دهید باغ را، بوی بهار می‌رسد.

۲) مهمان شهرما، آمد.

۳) جوینده، یابنده است.

۴) روبه پرفریب و حیل‌ساز

۴) فرزندی، واژه‌هایی را که از دو قسمت معنا دار ساخته شده‌اند، علامت بزن.



۵) با واژه‌ی «خودپرداز» جمله‌های امری، خبری، عاطفی و پرسشی بنویس.

جمله‌ی امری

جمله‌ی خبری

جمله‌ی عاطفی

جمله‌ی پرسشی

۶) با توجه به شعر «باران» به سؤال‌های زیر پاسخ بده.

الف) شاعر این شعر زیبا کیست؟

ب) این شعر حال و هوای کدام شهر را توصیف می‌کند؟

پ) دو جمله‌ی عاطفی در شعر پیدا کن و بنویس.

ت) دو واژه‌ی غیرساده در شعر پیدا کن و بنویس.

۷) دو نشانه‌ی ربط یا پیوند را بنویس و برای هر یک مثال بزن.

۸) جمله را تعریف کن.

۹) اهل کدام استان زیبا از ایران عزیزمان هستی؟ درباره‌ی آن، یک بند بنویس.

فصل ۴

فرهنگِ بومی





پیشنهاد مهرماه برای درس هشتم



خرگمشده

ابلهی خَرش را گم کرده بود. در کوچه و بازار می‌رفت و شکر خدا می‌کرد. به او گفتند: «چرا شکر می‌کنی؟ مگر خرت را گم نکرده‌ای؟!»
گفت: «از بهر اینکه خودم بر خر ننشسته بودم. وگرنه امروز، روز چهارم می‌شد که من هم گم شده بودم!»

عبید زاکانی



درس‌نامه



چهار دسته‌ی زیر از نظر لفظ و معنی با هم ارتباط دارند:

- ۱ نور و روشنایی، ظلمت و تاریکی، صلح و آشتی، پایه و اساس
 - ۲ خوب و بد، صلح و جنگ، غم و شادی، درست و غلط
 - ۳ محسن و حُسن، احسان و تحسین، علم و عالم
 - ۴ اساس و اثاث، حیات و حیات، خواست و خاست
- دسته‌ی اول، کلمه‌هایی‌اند که معنی یکسان دارند؛ یعنی هم‌معنی‌اند. به این کلمه‌ها «مترادف» می‌گویند؛ مانند: خوب و نیک.
 - دسته‌ی دوم، کلمه‌هایی‌اند که معنی مخالف دارند؛ یعنی معنی آنها درست مقابل هم است. به این گروه، کلمه‌های «متضاد» یا «مخالف» می‌گویند؛ مانند شب و روز.
 - دسته‌ی سوم، کلمه‌هایی‌اند که ریشه‌ی مشترک دارند و از نظر معنی به هم نزدیک‌اند. این کلمه‌ها «هم‌خانواده»‌اند؛ مانند عابد، معبد و عبادت.
 - منظور از ریشه، سه حرف اصلی کلمه است. این سه حرف اصلی در کلمه‌های هم‌خانواده، باید پشت سر هم باشد. در غیر این صورت، کلمه‌ها هم‌خانواده نیستند؛ بنابراین کلمه‌ی عامل با معلوم، هم‌خانواده نیست؛ زیرا ترتیب حرف‌های اصلی در آنها، یکسان نیست.

سه حرف اصلی در کلمه‌ی عامل ← ع، م، ل

سه حرف اصلی در کلمه‌ی معلوم ← ع، ل، م

● دسته‌ی چهارم، کلمه‌های «متشابه» یا «هم‌آوا» هستند که در املا و معنی متفاوت‌اند؛ ولی مثل هم خوانده می‌شوند؛ مانند خار و خوار.

کارگاه تمرین



۱ فرزندی، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) متن «خرگمشده» اثر عبید زاکانی است.



ب) «کاج، سرو و صنوبر» از طبقه‌ی گل‌ها هستند.



پ) کلمه‌های «خوار» و «خار» هم‌خانواده‌اند.



ت) با توجه به درس «ارزش علم»، ثروت حکیم باعث نجاتش شد.



ث) واژه‌ی «خواجه» به معنی تاجر است.

۲ جاهای خالی زیر را با کلمه‌ی مناسب پُر کن.

الف) «ماشین، هواپیما و موتور» از طبقه‌ی هستند.

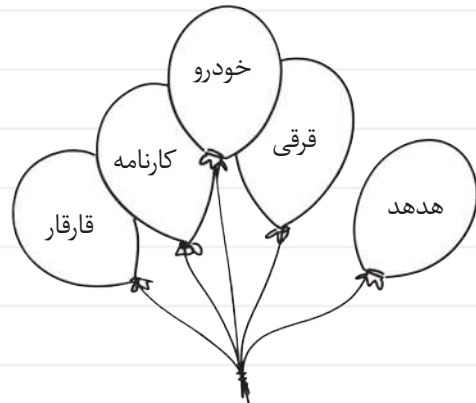
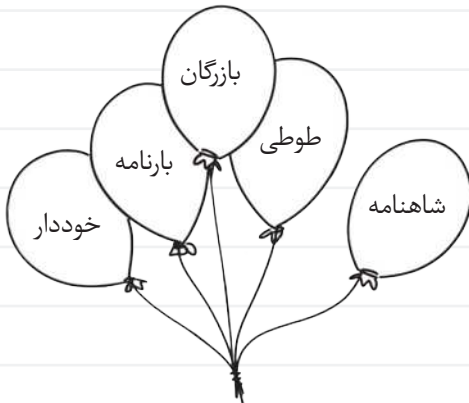
ب) شاعر شعر «خبر داغ»، است.

پ) گاهی نشانه‌ی «،» در جمله، علاوه بر درنگ، هم ایجاد می‌کند.

ت) دست بالای بسیار است.

ث) مثنوی معنوی اثر شاعر بزرگ ایران، است.

۳ واژه‌هایی را که از دو قسمت ساخته شده، رنگ کن.



۴ تفاوت کلمه‌های هم‌خانواده و متشابه را با ذکر مثال بنویس.

۵ معنای واژه «خودساخته» چیست؟

۶ در درس «رهایی از قفس»، مکان داستان کجاست؟

۷ به نظر تو، آن چیست که انسان با به دست آوردنش، در دریا و خشکی هم سرمایه‌دار است؟

۸ حرف «ک» در واژه‌ی زاغک نشانه‌ی چیست؟ دو مثال دیگر هم بنویس.

جدول



جدول زیر را کامل کن.

۱- با یک بهار نمی‌شود.

۲- آزاد

۳- ستون دین است.

۴- نگرانی

۵- معنی واژه‌ی «انبوه»

۶- به پیشواز کسی رفتن

درک و دریافت

با توجه به متن زیر به سؤال‌های داده‌شده پاسخ بده.

روباه زرنگ و حيله‌گری بود که داشت از جنگلی می‌گذشت همان‌طور که سوت می‌زد و لی‌لی می‌کرد و می‌رفت چشمش

به یک خروس افتاد خروسی که کنار درختی ایستاده بود و آواز می‌خواند بوبولی

بامبول! بوبولی بامبول!

روباه زرنگ که از تعجب داشت شاخ درمی‌آورد جلوتر رفت و گفت

عجب خروس ملوسی چه صدای قشنگی اما چرا

این‌طوری می‌خوانی عزیز دلم

خروس با چشم‌های شیشه‌ای و سرخش، او را نگاه کرد.

عکس او را گرفت و توی حافظه‌اش دنبال اطلاعاتی از

این موجود گشت! ... وقتی همه‌چیز را درباره‌ی او فهمید،

احساس خطر کرد. فوری پرید روی اولین شاخه‌ی درخت

و گفت: «بوبولی بامبول! بوبولی بامبول!»

روباه خنده‌ی تیز و تمیزی کرد و گفت: «تا بوده و نبوده،

خروس‌ها قوقولی قوقول می‌کردند. تو چرا این‌گونه می‌خوانی عزیز دلم؟!»

خروس بال‌های رنگارنگش را که شبیه رنگین‌کمان مصنوعی بود، تکان داد و گفت: «من جدیدترین و زیباترین خروس جهانم. من برنامه‌ریزی شده‌ام که هرطوری دلم بخواهد، بخوانم. تازه، صاحبم هم گفته با غریبه‌ها حرف نزنم».

بعد از این حرف، خروس سر و گردنش را ۴۵ درجه به راست چرخاند و به دوردست‌ها خیره شد.

چشم‌های روباه برقی زد و مثل دو ستاره، روشن و خاموش شد. مدّت‌ها بود خروس شکار نکرده بود. آن‌هم خروس ربانی! برای همین گفت: «تو مشکل داری جانم. خروس خوب و استاندارد، خروسی است که قوقولی قوقول کند؛ وگرنه تقلّبی است».

این حرف، به خروس خیلی برخورد. توی دلش گفت: «الان حالی‌ات می‌کنم که کی تقلّبی است». بعد برنامه‌ی صدایش را تغییر داد و زد زیر آواز: «شوپولی شوپول! شوپولی شوپول!»

روباه از خنده غش کرد. دستش را روی دلش گذاشت و هی خندید، هی خندید: «بلد نیست... هه هه... بلد نیست!»

خروس، کله‌اش را تکانی داد. زبانش را تنظیم کرد و این بار خواند: «توتولی توتول! توتولی توتول!»

وای که روباه دل‌درد گرفته بود از خنده. افتاده بود روی زمین و همین‌طور ریسه می‌رفت: «وای خدا!... بلد نیست. خروسی که نتواند قوقولی قوقول کند، به درد زنگ در خانه هم نمی‌خورد!»

خروس قاتی کرده بود. برای همین، یک بار خودش را خاموش و روشن کرد. حافظه‌اش را گشت و برنامه‌ی صدا را پیدا کرد: «قوقولی قوقول! قوقولی قوقول!»

روباه گفت: «به‌به! حالا شد. این شد یک حرفی»... اما بهانه‌ی دیگری پیدا کرده بود. این بود که گفت: «خروس هم خروس‌های قدیم. موقع خواندن، چشم‌هایشان را می‌بستند. تو که نمی‌توانی موقع خواندن چشم‌هایت را ببندی، به چه دردی می‌خوری؟»

خروس گفت: «چه کار کنم؟» روباه گفت: «با چشم بسته بخوان. این‌طوری کیفیتش بیشتر است».

خروس که از پیدا کردن صدای واقعی‌اش خوشش آمده بود و آن داستان قدیمی هم از حافظه‌اش پاک شده بود، چشم‌هایش را بست و زد زیر آواز: «قوقولی قوقول!...»

اما... چشم بستن همان و به چنگ روباه افتادن، همان. روباه با خوشحالی او را زد زیر بغل و راه افتاد: «هاها! یک بار دیگر داستان روباه و خروس تکرار شد. البته این بار با موفقیت. اصلاً فکر نمی‌کردم در دوران جدید، آن کلک قدیمی اثر داشته باشد!»

خروس با التماس گفت: «با من کاری نداشته باش! من یک خروس ربات هستم».

روباه خنده‌ی بلندی سر داد و گفت: «جدی؟ فکر می‌کنی من چی هستم؟ روباه واقعی؟! من هم مثل خودت...»

اما همین موقع، پای روباه به سنگی گیر کرد و به زمین افتاد... شتلق! شتلق! تلق لق لق... ق...

زمین خوردن همان و بیرون افتادن باتری روباه، همان. خروس که تازه فهمیده بود روباه هم ربات است، خیلی تعجب کرد. با کمی ورجه وورجه خودش را از دست‌های روباه بیرون کشید؛ دست‌هایی که فلزی بودند و پوست زیبایی رویشان کشیده شده بود.

خروس توی دلش به کارخانه‌ی سازنده‌ی روباه آفرین گفت. با خودش فکر کرد: «ظاهرش خیلی طبیعی بود؛ اما جای باتری‌اش اصلاً استاندارد نبود! بنامم به جای باتری خودم که بهترین جای باتری دنیاست».

بعد، بال‌بال زد و روی درختی نشست. هر طور هم که دلش خواست خواند؛ مثلاً این‌طوری: «گوگولی گوگول! گوگولی گوگول!»

۱ اسمی زیبا و مناسب برای این داستان پیدا کن و بنویس.

۲ علائم نگارشی قسمت‌های مشخص شده را بگذار.

۳ در متن «روباہ و خروس» جست‌وجو کن و این سه جمله را بنویس.

جمله‌ی خبری:

جمله‌ی احساسی:

جمله‌ی پرسشی:

۴ اگر بخواهی این داستان را خودت بنویسی، چگونه آن را تمام می‌کنی؟



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ کدام گزینه در طبقه‌ی «گل‌ها» قرار می‌گیرد؟

(۱) گلگون، نرگس، بنفشه

(۲) تمشک، گندم، مریم

(۳) نرگس، بنفشه، زنبق

(۴) نیلی، نرگس، نسترن

۲ کدام یک از نشانه‌های زیر در جمله‌ی «مادر نرگس امروز به باغ رفت»، تفاوت معنایی ایجاد می‌کند؟

(۱) !

(۲) ؟

(۳) ،

(۴) «»

۳ در کدام گزینه، مَثَل آمده است؟

(۱) با یک گل بهار نمی‌شود.

(۲) فکر کردن باید محور تلاش باشد.

(۳) تا توانی دلی به دست آور.

(۴) به دست آورید، آنچه را ماندنی است.

۴ با توجه به درس «رهایی از قفس»، کدام یک جزء شخصیت‌های داستان نیست؟

(۱) طوطی

(۲) بازرگان

(۳) طوطیان هندوستان

(۴) مولوی

۵ کدام گزینه با واژه‌ی «خود» ترکیب معنادار نمی‌سازد؟

(۱) رو

(۲) دار

(۳) رود

(۴) پسند



نام نامه (اعلام)



عبید زاکانی

عبید زاکانی شاعر و طنزپرداز قرن هشتم هجری است. او شاعری ماهر است؛ اما امروزه، مردم او را بیشتر با لطیفه‌ها و منظومه‌ی معروفش، یعنی موش و گربه می‌شناسند.

لطیفه



تعارف کردن چیز بدی نیست؛ اما اصرار زیاد فوب نیست. یک روز آقا ناصر با رنگِ روی پریده و حال بد به خانه رفت. همسرش با نگرانی پرسید: «چی شده آقا ناصر؟» آقا ناصر گفت: «هیچی... یه پیرمردی اسپری تنفسی داشت. فیلی تعارف کرد که من هم چند پاف بزنم!»

Lined writing area for practicing the text.



طیب: پزشک، دکتر

شکوه: شکایت، گله

پیشنهاد مهرماه برای درس نهم



بیماری



گدایی نزد طیب رفت. از درد شکوه کرد و گفت: «ای طیب، بیماری من چیست؟»
طیب نبض او را گرفت و گفت: «درد تو گرسنگی است. امروز میهمان من باش!»
سپس طیب کاسه‌ای آش برای او آورد. مرد گدا آن را خورد و گفت: «در خانه‌ی ما، همه همین بیماری را دارند!»

درس‌نامه



گاهی در شعر، بعضی کلمه‌ها به صورت «مخفف»، یعنی کوتاه شده می‌آیند. برای اینکه آهنگ شعر حفظ شود، شاعر حرف‌هایی از یک کلمه را حذف می‌کند.

مثال روبه پرفریب و حیل‌ساز ← روبه همان روباه است که در اینجا مخفف شده است.

در نومیدی بسی امید است / پایان شب سیه سپید است ← نومیدی همان ناامیدی و سیه، همان سیاه است.

به نمونه‌های دیگر از این‌گونه واژه‌ها دقت کن:

مثال ماه ← مه ناگاه ← ناگه راه ← ره



کارگاه تمرین



۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) معنی واژه‌ی «پنهان»، «پنهان» است.



ب) داور در متنی درس «آفریدگار زیبایی»، خورشید است.



پ) نشانه‌ی «،» فقط برای ایجاد مکث در جمله است.



ت) واژه‌های «علم» و «عالم» هم‌آوا هستند.

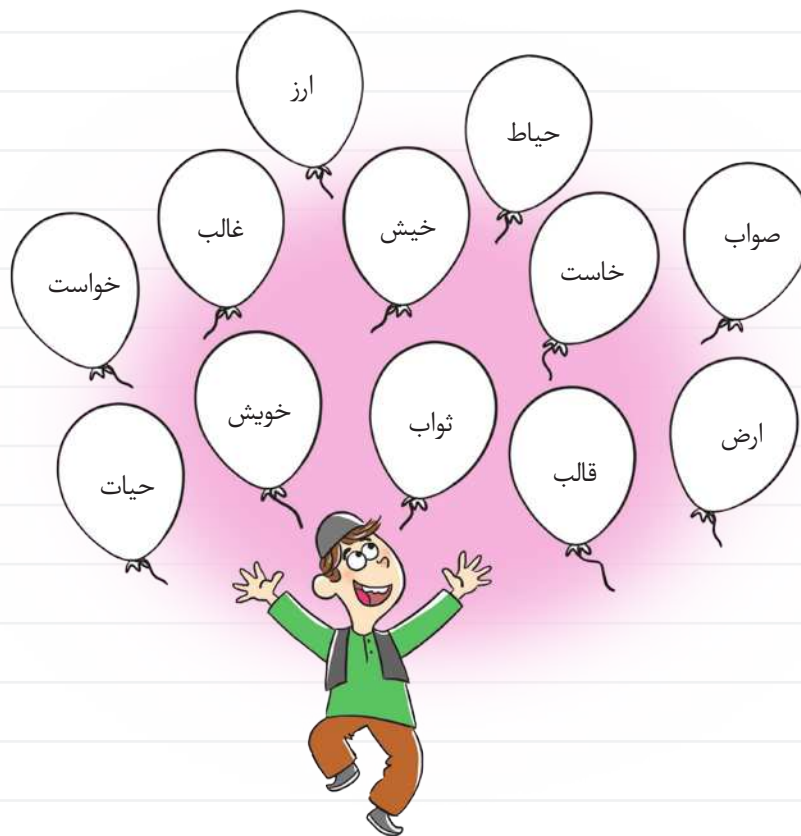
۲ با کلمات به هم ریخته‌ی زیر جمله بساز و علامت نگارشی هر جمله را هم با توجه به لحن آن، در آخر جمله بگذار.

الف) شکر، می‌کنی، خدا را، هر روز، آیا

ب) رانندگی، راهنمایی و، قوانین، باید، شود، رعایت

پ) مایه‌ی، آب، است، حیات

۳ واژه‌های هم‌آوا را هم‌رنگ کن.



۴ معنای واژه‌های زیر را بنویس.

اندوه

خواجه

زَمه

فهم

چاره

آگاهی



۵ فرزندم، متن زیر را بخوان و به پرسش‌ها پاسخ بده.

سال‌ها پیش در شهر بلخ، فقیری به در خانه‌ی ثروتمندی رفت. کمک خواست و گفت به خاطر ثواب مرا کمک کن صاحب‌خانه او را دشنام داد و براند فقیر گفت: حالا که چیزی نداده‌ای چرا دشنام می‌دهی این کار غیرصواب است

الف) داخل را با علائم نگارشی مناسب مثل نقطه، ویرگول، گیومه، علامت سؤال و علامت تعجب پُر کن.

ب) عناصر این داستان را بنویس.

پ) کلمات متضاد و هم‌آوای این متن را پیدا کن و بنویس.

ت) دو جمله پیدا کن که با حرف ربط به هم پیوند داده شده باشند.

ث) قصه را با ذوق و سلیقه‌ی خودت ادامه بده و سعی کن پایانی طنزآمیز برای آن بنویسی.





۶ برای «پرنده» یک طبقه بنویس.

۷ در هر قسمت جای خالی شعرها را پر کن.

الف) دور می‌گشتم ز خانه
از نهانی

چون

را

ب) پنیری دید
بر که از آن

پای

!

پ) شاپرک خواب نبود

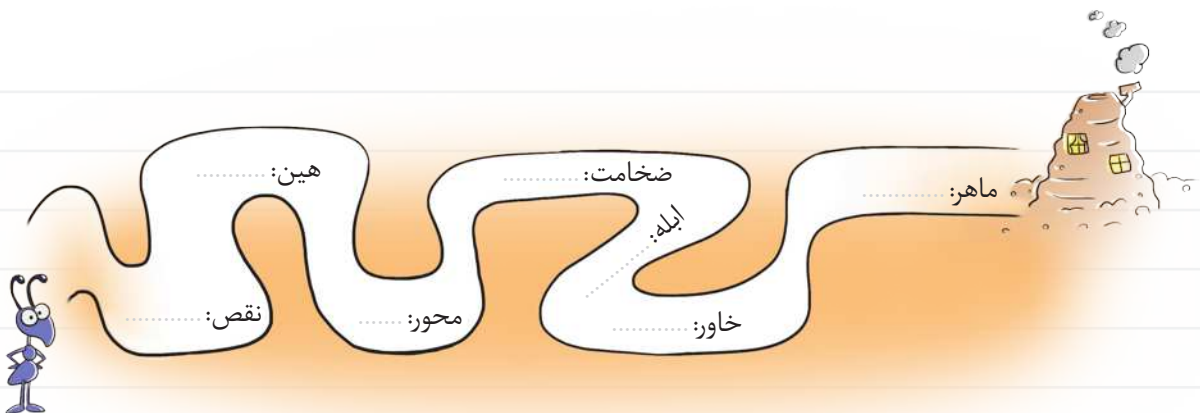
از

عاقبت

بازی



دانش آموز بادقت، مورچه کوچولو را با معنی کردن درست کلمه‌ها به لانه‌اش برسان.



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ کدام یک از کلمه‌های زیر تشدید نمی‌گیرد؟

(۱) زَد پا (۲) شکرسخن (۳) بُران (۴) بردباری

۲ کلمه‌ی نامه با کدام گزینه ترکیب نمی‌شود؟

(۱) بار (۲) دار (۳) کار (۴) شاه

۳ بیت زیر از کدام شاعر است؟

«گفت طوطی را چه خواهی ارمغان کارمَت از خَطه‌ی هندوستان؟»

(۱) مولوی (۲) حافظ (۳) سعدی (۴) پروین دولت‌آبادی

۴ در انتهای کدام بیت علامت سؤال لازم است؟

(۱) کان فلان طوطی که مشتاق شماست

(۲) این، چرا کردم؟ چرا دادم پیام؟

(۳) آن یکی طوطی، ز دردت بوی بُرد

(۴) گفت طوطی را «چه خواهی ارمغان کارمَت از خَطه‌ی هندوستان»

لطیفه

دکتر از بیژن‌فان پرسید: «شما گفتید که هر روز صبح با یک قابلمه می‌روید آن طرفِ فیابان و کله‌پاچه می‌فرید... فکر نمی‌کنید برای سلامتی‌تان فطر داشته باشد؟»
بیژن‌فان گفت: «نگران نباشید... من همیشه از پل عابر پیاده استفاده می‌کنم!»



پرسش‌های پایانی فصل ؟

۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



(الف) اسم دیگر کلمات هم‌آوا، هم‌خانواده است.



(ب) کلمه‌های «عابد» و «معبود» هم‌خانواده‌اند.



(پ) حرف «ک» در واژه‌ی «روبَهک»، نشانه‌ی محبّت است.



(ت) «خودرأی»، یعنی کسی که فقط نظر خود را قبول دارد.

۲ جاهای خالی زیر را با عبارت‌های مناسب پر کن.

(الف) خود + دستگاهی است که پول پرداخت می‌کند.

(ب) + نامه، اسم اثر ماندگار فردوسی است.

(پ) نشانه‌ی مکث کوتاه در جمله است.

(ت) غالب و هم‌آوا هستند.

۳ در هر قسمت گزینه‌ی درست را انتخاب کن.

(الف) کلمه‌ی «خود» با کدام‌یک از گزینه‌های زیر ترکیب معنادار می‌سازد.

(۱) درس (۲) راز

(۳) باز (۴) رأی

(ب) کلمه‌ی «برگ» با کدام واژه ترکیب می‌شود و کلمه‌ای جدید می‌سازد؟

(۱) ساقه (۲) ریشه

(۳) گل (۴) شاخه

(پ) آرش کمان‌گیر بر بالای کدام کوه جان خود را فدا کرد؟

(۱) دماوند (۲) سبلان

(۳) سهند (۴) تفتان

(ت) جاهای خالی شعر زیر به ترتیب با کدام کلمه‌ها کامل می‌شود؟

«خدا در رنگ و بوی گل است بهار و باغ و گل از او است»

(۱) عیان - نهان (۲) نهان - نشان

(۳) پاکی - نیکی (۴) نشان - نهان

(ث) کدام کلمه غلط املایی دارد؟

(۱) معتدل (۲) مشتاق

(۳) ماحر (۴) مدّت

۴ عزیزم، هر واژه را به گروه مناسب خود وصل کن.

جاهل - عالم

شوق - مشتاق

خواست - خواست

متضاد

قضا - غذا

خارج - استخراج

هم خانواده

خاور - مغرب

علوم - عالم

مشابه

اساس - اثاث

حاضر - غایب

ارز - عرض

۵ بیت‌های درس «رهایی از قفس» از کدام کتاب مولاناست؟

۶ متضاد واژه‌ی «خاور» و «انبوه» را به ترتیب بنویس.

۷ با دیدن کلمه‌ی «حکیم»، یاد چه واژه‌های دیگری می‌افتی؟ آنها را بنویس.

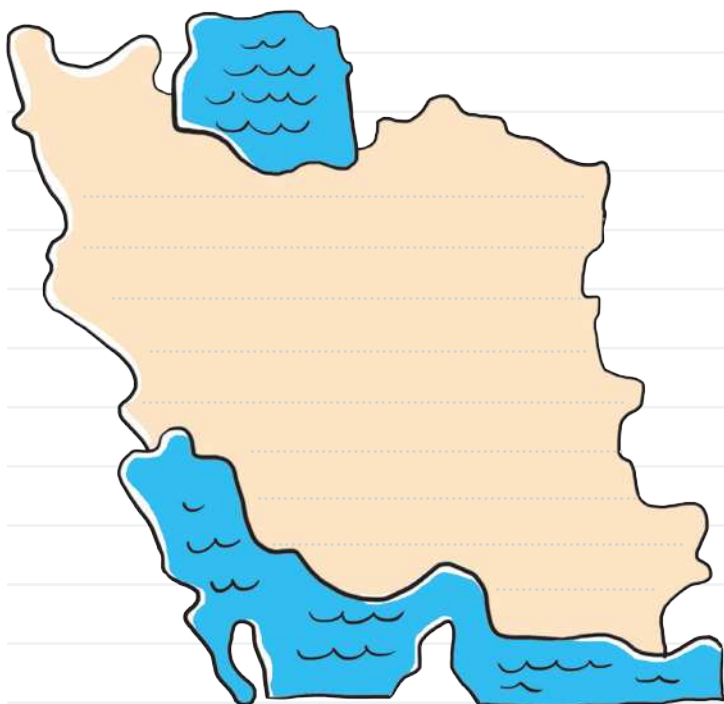
۸ با توجه به درس «رهایی از قفس» چند واژه‌ی مخفف بنویس.

۹ با کلمه‌ی «بهار» دو جمله بنویس که لحن آنها متفاوت باشد.

۱۰ دوست عزیزم، ساکن کدام استان زیبا از ایران همیشه

سفرآزمان هستی؟ داخل نقشه‌ی ایران از فرهنگ، آداب و

رسوم و زبان استان خود، یک بند بنویس.



ارزشیابی نوبت اول



نام و نام خانوادگی: کلاس:	دبیر: تاریخ آزمون:
<p>۱- درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کنید.</p> <p>(الف) معرفت، عارف و عرفان هم خانواده‌اند.</p> <p>(ب) شعر «برگ درختان سبز در نظر هوشیار...» سروده‌ی سعدی است.</p> <p>(پ) «.» علامت درنگ یا مکث کوتاه در خواندن است.</p> <p>(ت) گوینده برای انتقال گفته‌هایش از جمله استفاده می‌کند.</p>	
<p>۲- معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.</p> <p>(الف) سرودهای نشاط‌انگیز از صداوسیما پخش می‌شد.</p> <p>(ب) پهلوانی ایرانی تیری به سوی خاور پرتاب کرد.</p> <p>(پ) حکیم فهمید که از بلای توفان نجات یافته است.</p> <p>(ت) سطح رودخانه‌ها را با قشر نازکی از یخ براق کرد.</p>	
<p>۳- شعرهای حفظی زیر را کامل کنید.</p> <p>(الف) تندر دیوانه، ابرها را جنگل از ***** (ب) روبه رفت پای درخت و گفت: ، عجب پایی!</p>	
<p>۴- ویرگول «،» نشانه‌ی چیست؟</p> <p>.....</p>	
<p>۵- مفهوم جمله‌ی روبه‌رو چیست؟ «پند برای تو مثل پاشیدن دانه در زمینی است که گیاهی در آن رشد نمی‌کند».</p> <p>.....</p>	
<p>۶- دو واژه بنویسید که با «خود» ترکیب معنادار بسازند.</p> <p>..... ← [] + خود ← [] + خود</p>	

۷- معنی شعرهای زیر را به فارسی روان بنویسید.

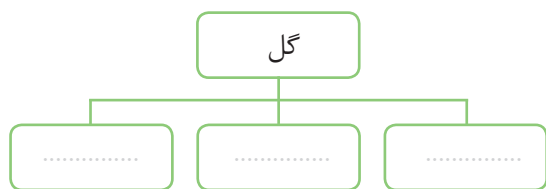
(الف) گفت: طوطی را «چه خواهی ارمغان کارمَت از خطه‌ی هندوستان؟»

(ب) کان فلان طوطی که مشتاق شماس است از قضای آسمان، در حبس ماست!

۸- تصویر مقابل، کدام مَثَل را به یادت می‌آورد؟



۹- نمودارهای زیر را کامل کنید.



۱۰- کدام یک از واژه‌های زیر، از دو قسمت معنی‌دار تشکیل شده است؟ درباره‌ی آن یک بند بنویسید.

«زمستان - پرستوها - خوش‌خوان - مهربان‌ترین - قافله»

ارزشیابی توصیفی آموزگار

نیازمند تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	هدف‌های مورد ارزشیابی
				علائم نگارشی را می‌شناسد و کاربرد آنها را می‌داند.
				معنی واژه‌های جدید و شعرها را می‌داند.
				شعرهای حفظی را در خاطر دارد.
				مفهوم جمله‌ها را می‌داند.
				توانایی ترکیب واژه‌ها را دارد.
				ضرب‌المثل را می‌شناسد.
				توانایی بندنویسی با واژه‌های داده‌شده را دارد.

فصل ۵

نام آوران



سِرگردان: سرگشته، دَرِبِه‌دَر، مُتَحَيِّر	ابداع: نوآوری، چیزی را از نو پدید آوردن، ایجاد کردن
سِرمَشق: نمونه، الگو	اجتماع: گروه، گرد هم آمدن، جمعی از دسته‌های انسانی
شرح حال: سرگذشت، زندگی‌نامه	اختراع: پدید آوردن، درست کردن، ایجاد کردن
طاق: سقف، طاقچه، بخش قوسی هر چیز	اراده: خواست، میل، تصمیم
طبع: ذوق، استعداد	استعداد: آمادگی، توانایی
عاجز: ناتوان، درمانده	اطفال: جمع طفل، کودکان، خردسالان
فروزان: تابان، درخشان	اعتماد به خود: به خود تکیه کردن، خود را باور داشتن
فعال: پُرکار، کوشا	افکار: جمع فکر، اندیشه‌ها
قربحه: ذوق، استعداد	اقامت گزیدن: در جایی ساکن شدن، ماندن
کرسی: چهارپایه‌ای که در زمستان، زیر آن منقل می‌گذارند، روی آن لحاف بزرگ می‌اندازند و برای گرم کردن خود، دور آن می‌نشینند.	اولیا: پدر و مادر
کُنج: گوشه	بار از دوش کسی برداشتن: کمک کردن
کودکستان: مهد کودک	باور کردن: قبول کردن
گچ بُری: ایجاد کردن نقش‌های زیبا به کمک گچ روی دیوار یا سقف	برگزیده شدن: انتخاب شدن
گرداگرد: دور و اطراف	بهره رساندن: فایده داشتن، مفید بودن، سود رساندن
لبریز: پُر، لبالب	پُرشور: پُرحرارت، با هیجان
مقصود: نیت، خواسته، آرزو	پرورش یافتن: تربیت یافتن، تعلیم یافتن
مکتب: محلّ درس خواندن، نام مدرسه در گذشته	پشتکار: تلاش برای انجام کاری، باعلاقه کاری را پیگیری کردن
منقل: ظرفی که در آن زغال یا هیزم می‌ریزند و آتش درست می‌کنند.	جویا: کنجکاو، جست‌وجوگر
روشن نسازم: روشن نکنم	حرفه: پیشه، کار، شغل
نخست: اوّل	خشنود: راضی، خوشحال، شادمان
نخستین: اوّلین	دایر شدن: تشکیل شدن، ایجاد شدن
	دل سوز: مهربان، غمخوار
	ذوق: شور و شوق، علاقه و توانایی
	رونق داشتن: خوب بودن وضع کسب و کار
	زیستن: زندگی کردن

آیت: نشانه، علامت، دلیل	کرم: لطف، جوان مردی، بزرگواری
ابوالعجایب: پدر شگفتی‌ها	مابسوا: موجودات، مخلوقات، غیر از خدا
بین: ببین	مدارا: با نرمی و ملایمت رفتار کردن
رحمت: مهربانی، دل‌سوزی، بخشایش	مسکین: فقیر، تهی دست
رُخ: صورت، چهره، گونه	نگین: سنگی قیمتی که روی انگشتر می‌گذارند.
عالم: دنیا	هُما: پرنده‌ای افسانه‌ای که اگر سایه‌اش بر سر کسی بیفتد، آن شخص سعادت‌مند می‌شود.
عَلَم کردن: معرفی کردن، برپا کردن، مشهور ساختن	
قسم: سوگند	

درس‌نامه

همان‌طور که قبلاً گفتیم، جمله از یک یا چند کلمه تشکیل شده است که پیام کاملی را به خواننده یا شنونده می‌رساند. حال باید بدانی که اصلی‌ترین قسمت جمله، «**فعل**» جمله است که بدون آن، معنی جمله کامل نیست؛ پس هر جمله باید یک فعل داشته باشد. اگر جمله یک کلمه باشد، آن یک کلمه حتماً فعل است؛ مانند **آمدند**.

در زبان فارسی، فعل معمولاً در **آخر جمله** می‌آید.

مثال < مادر کودک خود را به باغچه‌ی اطفال آورد. > فعل
رها با مادرش به مدرسه رفت. > فعل

قسمت اول جمله که برای کامل کردن فعل می‌آید، «**نهاد**» نام دارد.

مثال < علی رفت. > نهاد فعل

کلمه‌هایی مثل «**چون**» و «**زیرا**»، جمله‌ها را به هم وصل می‌کنند.

مثال < علی به مدرسه نرفت؛ زیرا مریض بود. > جمله‌ی اول جمله‌ی دوم

همان‌طور که می‌بینی، جمله‌ی اول (علی به مدرسه نرفت)، **مفهومی** را بیان می‌کند و جمله‌ی دوم (زیرا مریض بود) **دلیل** اینکه چرا علی به مدرسه نرفت را می‌گوید.

کارگاه تمرین

۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.

- الف) کلمه‌هایی مثل «اما»، «ولی» و «زیرا» دو جمله را به هم پیوند می‌دهند. 😊 ☹️
- ب) مهم‌ترین بخش یک جمله، فعل آن است. ☹️ 😊
- پ) فعل برای کامل کردن معنای جمله به‌کار می‌رود. ☹️ 😊
- ت) شعر «همای رحمت» درباره‌ی حضرت زهرا(س) است. ☹️ 😊

۲ فعل مناسب هر جمله را از داخل کمانک انتخاب کن و بنویس.

(الف) من کودکی کنجکاو (هستم، هستید)

(ب) من کتاب (می خواندند، می خوانم)

(پ) مدرسه های دیگر، فرزندم را (نمی پذیرم، نمی پذیرند)

(ت) اولیای این کودکان هرگز باور (نمی کردند، نمی کردید) که فرزندان شان، خواندن و نوشتن (بیاموزم، بیاموزند)

۳ برای جمله های جدول (الف) فعل مناسب و برای جمله های جدول (ب)، کلمه هایی برای کامل کردن معنای جمله بنویس.

الف

۱- باغچه بان برای فعالیت های فرهنگی به میهن خود

۲- ما همیشه باید استعداد هایمان را

۳- جبار باغچه بان روزها و شب های بسیاری را برای ابداع الفبای ناشنوایان

۴- او علاوه بر کودکان سالم، کودکان ناشنوا را هم در باغچه ی اطفال

ب

۱- بیاموزند.

۲- قبول شدم.

۳- نامیده می شود.

۴- خدمت کنیم.

۴ چهار فعل در بیت های زیر پیدا کن و در کادرها بنویس.

(الف) به جز از علی که آرد، پسری ابو العجائب / که عَلمُ کند به عالم، شهدای کربلا را

(ب) به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من / چو اسیر توست اکنون، به اسیر کن مدارا

۵ به نظرتو، به جز ویژگی های گفته شده در کتاب درباره ی جبار باغچه بان، او چه ویژگی های دیگری داشت که باعث موفقیتش

شد؟ در یک بند توضیح بده و در آن، از کلمه های ربط مثل «چون، اما، ولی، و» استفاده کن.

شعر حفظی



شعر زیر را کامل کن و به سؤال‌های داده‌شده پاسخ بده.

علی ای

همه

زن

جو

به جز

از علی

به عالم

۱ کدام یک از ویژگی‌های امام علی (ع) در شعر آمده است؟

۲ در این شعر به چند واقعه‌ی تاریخی اشاره شده است؟ یکی از آنها را به دلخواه توضیح بده.

۳ در بیت اول، منظور از «هما» چیست؟

۴ در بیت آخر چه حرفی بیشتر از بقیه تکرار شده است؟

درک و دریافت



با توجه به شعر زیر به سؤال‌های داده‌شده پاسخ بده.

گوش‌هایم، چشمم، صدایم و...

قلب من اند

دستانم، آرزوها و نیازهایم را برآورده می‌کنند

دستانم نوری اند که مرا در تاریکی‌ها راهنمون اند

اکنون دستانم آزاد است

و دیگر بسته نیست

در دنیای شنوا - بینا

آنها آزادی من اند

که به آرامی، مرا راهنمایی می‌کنند

با دستانم، آواز سر می‌دهم

آوازی آن قدر بلند، تا همی ناشنویان آن را بشنوند

و آن قدر نورانی، تا همی نابینایان آن را بینند

دستانم، رهایی من اند

از دنیای تاریک و خاموش

و پنجره‌ای به زندگی
که از میان آن می‌توانم به درستی بینم و بشنوم

می‌توانم خورشید را
از درای آسمان آبی حس کنم
و لذت موسیقی و خنده.
و نغمه باران نغمه را
با دستانم احساس کنم

دستانم، کلید من به دنیای پیرامون اند
آنها گوش‌هایم، چشمانم، صدایم...

و قلب من اند
دستانم، خود من هستند.

آماندا استین

(شاعری ناشنوا- ناپینا)



۱ چهار فعل در شعر پیدا کن و زیرشان خط بکش.

۲ چهار واژه‌ی جمع که در شعر به کار رفته است را در کادرهای زیر بنویس.

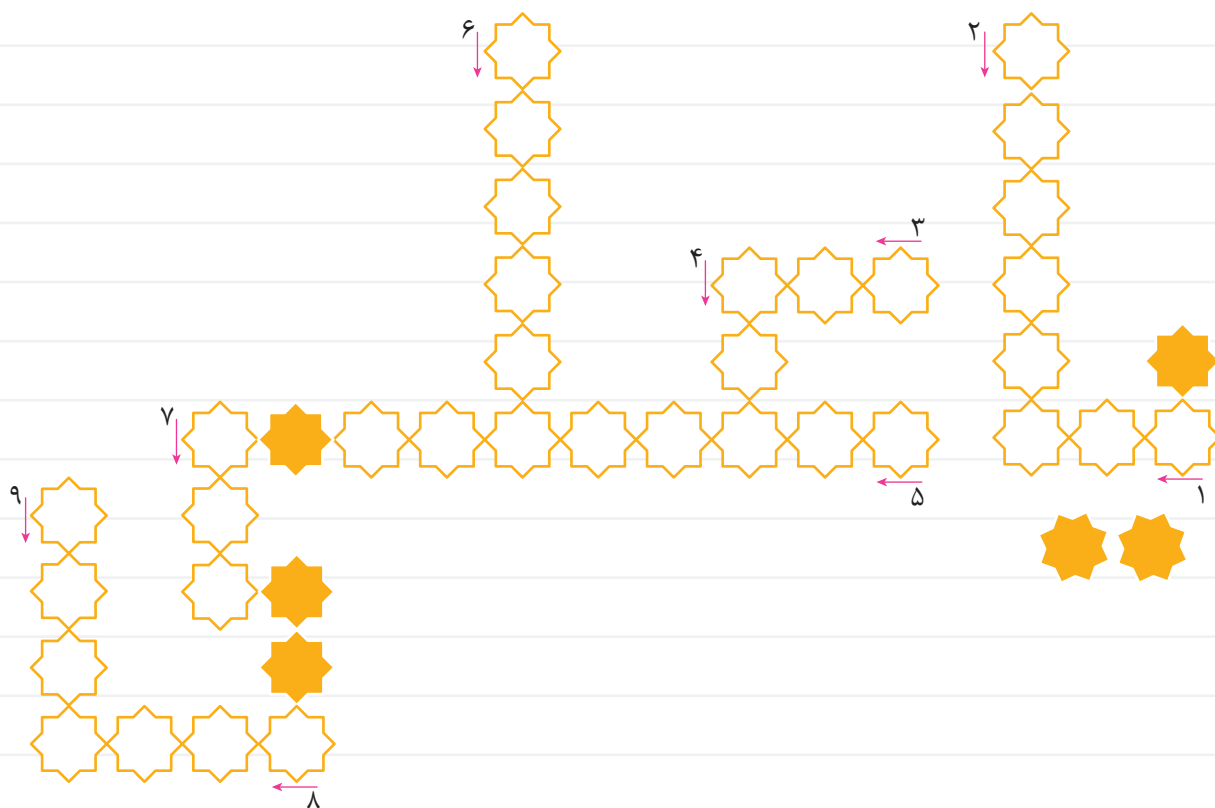
۳ شعر بالا نعمت داشتن دست را به خوبی بیان می‌کند؛

جمله‌ای زیبا درباره‌ی دست‌هایت بنویس.

جدول

جدول را کامل کن.

- ۱- مخالف «جوان»
 ۲- نام هنری شاعر «همای رحمت»
 ۳- نام پرنده‌ای افسانه‌ای که اگر بر سر کسی بنشیند، سعادت‌مند می‌شود.
 ۴- را خمیر می‌کنند و با آن نان می‌پزند.
 ۵- نام جبار باغچه‌بان، باغچه‌ی اطفال بود.
 ۶- جمع «عبادت»
 ۷- اصلی‌ترین بخش جمله
 ۸- پیشه، شغل، کار
 ۹- اولین روز هفته



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- ۱ اصلی‌ترین واژه در جمله‌ی «کودکستان را باغچه‌ی اطفال نامیدم» کدام است؟
 (۱) کودکستان (۲) باغچه (۳) اطفال (۴) نامیدم
- ۲ کدام گزینه به معنی «درمانده» است؟
 (۱) بیمار (۲) فعال (۳) عاجز (۴) نگهداری
- ۳ شعر «همای رحمت» سروده‌ی کیست؟
 (۱) مولانا (۲) حبیب یغمایی (۳) شکوه قاسم‌نیا (۴) بهجت تبریزی

۴ کدام گزینه هم خانواده‌ی کلمه‌ی «اجتماع» نیست؟

(۱) جمع (۲) جامعه (۳) اجلاس (۴) اجماع

۵ املا‌ی کدام گزینه با توجه به معنای آن نادرست است؟

(۱) مقصود: نیت (۲) حرفه: پیشه (۳) بهره: سود (۴) ذوغ: شوق

نام‌نامه (اعلام)



شهریار

سیدمحمدحسین بهجت تبریزی (شهریار) در سال ۱۲۸۵ به دنیا آمد. او به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود.

شهریار به سبب شعرهایی مثل «همای رحمت» و «شب و علی»، در میان مردم شهرت دارد. با این حال، او در زمینه‌های گوناگونی مثل موضوعات اجتماعی، ملی و تاریخی شعر سروده است. منظومه‌ی *حیدریابا*، به زبان محلی آذری، از زیباترین سروده‌های اوست. او در سال ۱۳۶۷ از دنیا رفت.

«علی آن شیر خدا شاه عرب اُلفتی^۱ داشته با این دل شب
شب ز اسرار علی آگاه است دل شب محرم^۲ سرالله^۳ است»

لطیفه

مرد کپلی از حمام بیرون آمد و دید که کلاهش را دزدیده‌اند. داد و فریاد می‌زد و کلاهش را از صاحب حمام می‌خواست. صاحب حمام گفت: «من کلاه تو را ندیده‌ام! تو چنین چیزی را به من نسپردی. شاید اصلاً کلاه نداشته‌ای!»
مرد گفت: «انصاف بره مسلمان! این سر من از آن سرهاست که بشود بدون کلاه بیرونش آورد!»

درس یازدهم

فرمانده‌دل‌ها



واژه‌نامه



فرمانده‌دل‌ها

آماده: حاضر، مهیّا	عملیات: فعالیت‌ها، کارها
بی‌وقفه: بی‌درنگ، بدون توقّف، پشت سرهم	فضا: محیط
پیک: کسی یا چیزی که پیامی را می‌آورد، قاصد	گذرگاه: محلّ عبور، جای گذر
ترجیح دادن: برگزیدن، کسی یا چیزی را بر دیگران برتری دادن	مانع: جلوگیری‌کننده، سد
تسخیرناپذیر: مکان یا چیزی که آسان نتوان آن را به دست آورد، مکان یا چیزی که دسترسی به آن دشوار است.	متجاوزان: جمع متجاوز، ستمگران، کسانی که به دیگران ظلم می‌کنند.
خیره شدن: توجّه عمیق، نگاه کردن به چیزی بدون برداشتن چشم از آن	محتاج: نیازمند
درهم کوبیدن: از بین بردن	مسئولیت: سرپرستی یک کار مهم، به عهده داشتن وظیفه‌ای
دژ: حصار، قلعه	مظلوم: کسی که به او ظلم شده است، ستم دیده
دلاور: شجاع	مقاومت: پایداری کردن
راهی کردن: فرستادن	نظاره کردن: نگاه کردن، تماشا کردن
سپاه: لشکر، گروه بزرگی از جنگجویان	نفوذ: وارد شدن
سَقّا: کسی که به تشنگان آب می‌دهد.	نهایی: پایانی
سقوط: افتادن	وصف ناپذیر: غیرقابل توصیف، وصف نشدنی
شهدا: جمع شهید، کسانی که در راه خدا جان خود را فدا می‌کنند.	ویران: خراب
	هم‌رزم: جمع هم‌رزم، کسانی که در کنار هم با دشمن می‌جنگند.
	یک دم: یک لحظه

درس‌نامه



قبلاً آموختی که از ترکیب بعضی واژه‌ها با کلمه‌ی «خود» می‌توانی واژه‌ی جدیدی بسازی. حالا می‌آموزی که با ترکیب اسم‌های مختلف با واژه‌ی «پذیر» یا «ناپذیر» می‌توانی کلمه‌هایی با معنای جدید بسازی. این واژه‌های جدید، «صفت» نام دارند.

مثال < انعطاف + پذیر —> انعطاف‌پذیر: چیزی که به حالت‌های مختلف درمی‌آید.

انعطاف + ناپذیر —> انعطاف‌ناپذیر: چیزی که حالتش تغییر نمی‌کند.

خستگی + ناپذیر —> خستگی‌ناپذیر: کسی که خستگی در او اثر ندارد.

وصف + ناپذیر —> وصف‌ناپذیر: کسی یا چیزی که قابل توصیف نیست.



۱ فرزندم درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) شهید حسین خرازی و هم‌زمانش برای آزادی خرمشهر بسیار تلاش کردند و در نهایت، خرمشهر آزاد شد.



ب) خرمشهر همان خونین‌شهر است.



پ) «وصف‌ناپذیر» یعنی غیرقابل توصیف.



ت) جمله‌ی «کودک می‌دانست که باید سفرش را آغاز کند» یک فعل دارد.

۲ جاهای خالی را کامل کن.

الف) خستگی + ناپذیر ← خستگی‌ناپذیر، یعنی کسی که

ب) انعطاف + ناپذیر ← انعطاف‌ناپذیر، یعنی کسی یا چیزی که

پ) مسئولیت + پذیر ← مسئولیت‌پذیر، یعنی کسی که

ت) تسخیر + ناپذیر ← تسخیرناپذیر، یعنی کسی یا چیزی که

۳ علامت مناسب هر جمله را از داخل گل انتخاب کن و در جای مناسب بگذار.



الف) مهم‌ترین منطقه شلمچه است؛ باید همان‌جا نیروهای دشمن را در هم بکوبیم

ب) دست خدا با ماست. بجنگید دلاوران

پ) نگران نباش مؤمن مطمئن باش

ت) چطور باید به منطقه‌ی شلمچه - خرمشهر وارد شد

ث) مردی از سفر بغداد برمی‌گشت به او گفتند: در بغداد چه می‌کردی گفت: عرق

۴ مانند نمونه دو ترکیب دیگر بنویس.

وصف + ناپذیر ← وصف‌ناپذیر، یعنی چیزی یا کسی که نمی‌توان آن را توصیف کرد.

۵ کدام یک از کلمه‌های داخل کندو با «ناپذیر» ترکیب‌های

درست می‌سازند. آنها را مشخص کن.



درک و دریافت

با توجه به شعر زیر به سؤال‌های داده‌شده پاسخ بده.

ما جوانان وطن آماده‌ایم
قول خون در راه قرآن داده‌ایم

ترک و لر، تات و بلوچ و اردکان
شرق و غرب و هر زمان و هر مکان
جملگی عقد اخوت^۱ بسته‌ایم
عهد و پیمان محبت بسته‌ایم

قول خون داده‌ایم در بزم^۲ نبرد
چون که خون امضا کند پیمان مرد

ذوالفقار رهبری آزاده‌ایم
ما جوانان وطن آماده‌ایم

۱ دو فعل از شعر پیدا کن و بنویس.

۲ دو واژه‌ی هم‌معنی و دو واژه‌ی متضاد در شعر را بنویس.



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ کلمه‌ی «پذیر» با کدام یک از اسم‌های زیر ترکیب می‌شود؟

(۱) انعطاف (۲) پسند (۳) سخت (۴) آهنگ

۲ کدام واژه صفت نیست؟

(۱) آماده‌سازی (۲) وصف‌ناپذیر (۳) خاک‌آلود (۴) نفوذناپذیر

۳ شهید حسین خرازی فقط برای چه مرخصی می‌گرفت؟

(۱) برای دیدن دوستان (۲) برای دیدار با خانواده‌ی شهدا
(۳) برای بازدید از مناطق جنگی (۴) برای رفع خستگی و تجدید روحیه

۲- بزم: مهمانی

۱- عقد اخوت: پیمان برادری

۴ در متن زیر، چند فعل به کار رفته است؟

«فرشته‌ی تو، زیباترین و شیرین‌ترین واژه‌هایی را که ممکن است بشنوی، در گوش تو زمزمه خواهد کرد و با دقت و صبوری به تو یاد خواهد داد که چگونه صحبت کنی.»

سه (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴)

۵ کدام کلمه‌ی ربط برای جای خالی زیر، مناسب است؟

«بچه‌ها دست‌های کوچک خود را به آسمان می‌گرفتند برای پیروزی رزمندگان اسلام دعا می‌کردند.»

ولی (۱) اما (۲) چون (۳) و (۴)

نام‌نامه (اعلام)



حسین خرازی متولد اول شهریورماه ۱۳۳۶ در اصفهان، از فرماندهان جنگ ایران و عراق بود. او به مقام فرماندهی اولین خط دفاعی که به «خط شیر» معروف بود، منصوب شد. سرانجام در روز ۸ اسفند ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.

شهید حاج حسین خرازی

لطیفه

آرش به فواهرش گفت: «می‌دانی چرا وقتی شکارچی‌ها می‌فوانند نشانه‌گیری کنند، یک پشمشان را می‌بندند؟»
فواهرش گفت: «آره، چون اگر دو تا پشمشان را ببندند، دیگر هیچ‌جا را نمی‌بینند.»

درس دوازدهم

اتفاق ساده



واژه‌نامه



اسرار: جمع بسر، رازها

پهلوی: کنار

ناپسند: نامناسب

نگاه بنهان

اتفاق: رویداد، پیشامد، حادثه

سطر: یک خط از نوشته

غلتیدن: از پهلویی به پهلوی دیگر چرخیدن

اتفاق ساده

صمیمی: یکدل، همدل

گویی: مثل اینکه، مانند اینکه

لاشه: جسد

مختصر: کم، کوتاه، گزیده

دوست بچه‌های خوب

اشتیاق: علاقه‌مندی، میل زیاد، شوق فراوان

پاسبانی: نگهبانی، پاسداری، مراقبت

حسرت خوردن: آه و افسوس کردن، حسرت کشیدن

حومه: اطراف

سرایت کردن: منتقل شدن، انتقال یافتن

دوست بچه‌های خوب

درس‌نامه



● می‌دانی که جمله از دو قسمت **نهاد** و **فعل** تشکیل می‌شود.

قسمت اول جمله، نهاد و بخش مهمم جمله که بعد از نهاد می‌آید، فعل است که معنای جمله را کامل می‌کند.

مثال < پدر مرا به مدرسه بُرد.

نهاد فعل

من مشق می‌نوشتم.

نهاد فعل

● **صفت** کلمه‌ای است که درباره‌ی اسم قبل از خود توضیح می‌دهد و یکی از ویژگی‌های آن مثل **رنگ**، **بزرگی** و **کوچکی**، **شکل** و **اندازه**

را بیان می‌کند؛ پس کلمه‌هایی مثل زیبا، هنرمند، دانا، مهربان، آبی، خوش‌آهنگ و... صفت‌اند. صفت با یک کسره (ِ) به اسم قبل

از خود که به آن اسم، «**موصوف**» می‌گویند، اضافه می‌شود.

مثال < مرد دانا —> مرد: موصوف، دانا: صفت

پس اسم و صفت با کسره به هم اضافه می‌شوند و یک «**ترکیب وصفی**» می‌سازند.

مثال < آسمان آبی —> ترکیب وصفی



۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) به کلمه‌ای که درباره‌ی اسم قبل از خود توضیح می‌دهد، «موصوف» می‌گویند.



ب) به عبارت «پدر محترم» ترکیب وصفی می‌گویند.



پ) کلمه‌ی «حومه» به معنی اطراف است.



ت) واژه‌ی «اشتقاق» هم خانواده‌ی «مشتاق» است.

۲ برای اسم‌های زیر، صفت‌های مناسب بنویس.

الف) باران و بر پشت شیشه می‌زد.

ب) مادر من، نگاه دارد.

پ) دوست خوبم، نامه‌ی به دستم رسید.

ت) بهار به وجودم تازگی می‌بخشد.

۳ اسم‌ها و صفت‌های مناسب را به هم وصل کن.

● ناپسند

● اتفاق

● ساده

● چشمان

● مهربان

● قصه‌های

● نیلی

● کار

● خوب

● آسمان

۴ ستاره‌هایی را که برای کلمه‌ی «دختر» صفت مناسبی است، رنگ کن.



۵ برای هر یک از تصاویر زیر، یک ترکیب وصفی مناسب بنویس.



(ب)



(الف)



(ت)



(پ)

۶ علائم نگارشی مناسب را در جاهای مشخص شده بگذار.



در یکی از جمعه‌های اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۰، همراه شهید رجایی، رئیس جمهور وقت به قم رفتیم

نخست، برای زیارت حرم مقدّس حضرت معصومه (س)، دم در صحن از اتومبیل پیاده شدیم تازه از در داخل شده بودیم که یک باره، موج جمعیت بی‌قرار مردم، رجایی را از جا کند و بُرد و ما به دنبال او نزدیک بود زیر دست و پا بمانیم

وقتی رجایی به داخل ماشین آمد عرق کرده و خسته بود به او گفتیم: اگر این وضع ادامه پیدا کند دست و پای سالم برایتان باقی نمی‌ماند همان‌طور که نفس نفس می‌زد، با نگاه پُرمهرش گفت: بی‌دست هم می‌شود زندگی کرد؛ ولی بی‌مردم نمی‌شود

خاطره‌ای از کیومرث صابری فومنی (گل‌آقا)

۷ با توجه به بخوان و بیندیش «دوست بچه‌های خوب»، چه چیز باعث شد که پدر بزرگ نویسنده‌ی کتاب قصه‌های خوب، برای بچه‌های خوب شود؟

۸ عزیزم، برای سلامتی‌ات چگونه شکرگزاری می‌کنی؟ آن را در دو سطر بنویس.

درک و دریافت

با توجه به شعر زیر، به سؤال‌های داده شده پاسخ بده.

با خنده‌ای که عکس تو دربر گرفته است	دیوار خانه، چهره‌ی دیگر گرفته است
بعد از تو برق شور و شغف را هجوم اشک	از چشم‌های خسته‌ی مادر گرفته است
بی شک شبیه کوچی ما، کوچ‌های عرش	از نام پرشکوه تو، زیور گرفته است
حالا منم نشسته در این یادگارها	اینجا که خاک، بوی کبوتر گرفته است
اینجا نماز چلچله‌ها رو به دست توست	دستی که رنگ غیرت حیدر گرفته است
چشان من همیشه همین جا کنار توست	اینجا که خاک، بوی کبوتر گرفته است

۱ به نظر تو، بین این شعر زیبا و شعر «اتفاق ساده» ارتباطی وجود دارد؟ آن را در دو سطر بنویس.

۲ در شعر جست‌وجو کن و دو صفت به همراه موصوفشان بنویس.

۳ دوست خوبم، شعری زیبا درباره‌ی شهدای سرزمین مقدّسمان بنویس.



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

(۱) چهره‌ی مهربان (۲) عکس‌های قشنگ (۳) قفسه‌های پُر (۴) لاشه‌ی سگ

۲ در کدام عبارت، صفت داریم؟

(۱) یک قطره از دل من بر روی دفتر افتاد (۲) یک اتفاق ساده در چشم مادر افتاد
(۳) یک قطره شبنم از گل بر روی برگ غلتید (۴) باران پشت شیشه آمد به خانه‌ی ما

۳ کدام عبارت زیر فعل ندارد؟

(۱) شخصی به یکی از دوستانش نامه (۲) کسی پهلوی او نشسته بود.
(۳) همه‌ی اسرار خود را برایت می‌نوشتم. (۴) از کجا دانستی که یاد تو در نامه هست؟

۴ معنی کدام واژه نادرست است؟

(۱) حومه: اطراف (۲) صمیمی: یکدل (۳) مختصر: طولانی (۴) اسراز: رازها

۵ در عبارت «قصه‌های خوب، برای بچه‌های خوب» چند صفت داریم؟

(۱) دو (۲) یک (۳) سه (۴) چهار

نام‌نامه (اعلام)



قیصر امین‌پور

این شاعر خوش ذوق، در سال ۱۳۳۸، در گتوند خوزستان به دنیا آمد. دیپلم خود را در شهر دزفول گرفت و در رشته‌ی پزشکی و جامعه‌شناسی پذیرفته شد؛ ولی هر دو را رها کرد و به ادبیات روی آورد و تا دکترای این رشته پیش رفت. او یکی از شاعران موفق پس از انقلاب اسلامی است. از آثار او می‌توان در کویچه‌ی آفتاب، تنفس صبح و مثل چشمه مثل رود را نام برد. او در سال ۱۳۸۶ درگذشت.



عبدالرحمن جامی

نورالدین عبدالرحمن بن احمد بن محمد، معروف به خاتم الشعرا، شاعر، موسیقی‌دان و ادیب نامدار ایرانی، بزرگ‌ترین شاعر بعد از زمان حافظ در قرن نهم است. اسم هنری او «جامی» است. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به هفت‌اوزنگ (که شامل ۷ کتاب است) و بهارستان اشاره کرد.

لطیفه

در رستورانی بین راهی، مشتری پیش رئیس رستوران رفت و گفت: «من بسیار راضی و فوشال هستم. غذا عالی بود. گوشتش تازه و برنیش هم بسیار فوش‌عطر بود. واقعاً همه چیز عالی بود. من فوش‌هالم که غذایم را از خانه آورده بودم!»

پرسش‌های پایانی فصل

۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) شعر «همای رحمت» سروده‌ی شهریار است.



ب) اصلی‌ترین قسمت جمله، نهاد نام دارد.



پ) عبارت «اتفاق ساده» یک ترکیب وصفی است.



ت) در جمله‌ی «مادر بلند خندید»، اصلی‌ترین بخش جمله، واژه‌ی مادر است.

۲ جاهای خالی را با یکی از واژه‌های داخل پرانتز پر کن.

الف) قطعه زغالی از کنار کرسی بیرون آمد. (منقل، منغل)

ب) روزها و شب‌های بسیاری را در کار ابداع الفبا (گزراندم، گذراندم)

پ) علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را / که به فکندی همه سایه‌ی هما را. (ماصوا، ماسوا، ماثوا)

ت) او برای دیدار خانواده‌ی شهدا، چند روز گرفت. (مرخصی، مرخصی)

ث) یک قطره روی شیشه / مثل تگرگ (غلطید، غلتید)

۳ در هر قسمت گزینه‌ی درست را انتخاب کن.

الف) املا‌ی کدام گزینه با توجه به معنی آن نادرست است؟

۱) طاق: سقف

۲) برگزیده شدن: انتخاب شدن

۳) وصف ناپذیر: چیزی یا کسی که قابل وصف نیست.

۴) غلطیدن: به پایین افتادن

ب) شعر زیر سروده‌ی کدام شاعر عزیز کشورمان است؟

«یک قطره از دل من بر روی دفتر افتاد

یک اتفاق ساده در چشمِ مادر افتاد»

۱) شهریار

۲) قیصر امین پور

۳) عبدالرحمن جامی

۴) حبیب یغمایی

پ) کدام گزینه صفت نیست؟

۱) مهریان

۲) آبی

۳) نبرد

۴) حسّاس

ت) در کدام گزینه، اصلی‌ترین بخش جمله نیامده است؟

۱) تسخیرناپذیری

۲) شکست‌ناپذیر هستی.

۳) دژ نفوذناپذیر است.

۴) من شور وصف‌ناپذیری دارم.

ث) کدام صفت برای واژه‌ی آب مناسب است؟

- (۱) بلند (۲) تشنه (۳) مقاوم (۴) زلال

ج) کدام صفت از دو قسمت ساخته نشده است؟

- (۱) وصف‌ناپذیر (۲) خودخواه (۳) آرام (۴) خودرأی

۴) مصراع‌های شعر شهریار را به درستی به هم وصل کن.

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ● دل اگر خداشناسی، همه در رخ علی بین | ● که نگین پادشاهی، دهد از کرم گدا را |
| ● به جز از علی که آرد، پسری ابوالعجایب | ● به علی شناختم من، به خدا قسم خدا را |
| ● بروای گدای مسکین، در خانه‌ی علی زن | ● چو اسیرتوست اکنون، به اسیرکن مدارا |
| ● به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من | ● که علم کند به عالم، شهدای کربلا را |

۵) جمله‌ای بنویس که مثل الگوی زیر باشد.

نهاد + ترکیب وصفی + فعل ← + + +

۶) نهاد و فعل مصراع زیر را بنویس.

دل اگر خداشناسی، همه در رخ علی بین

۷) اسم‌های زیر را به صفت‌های مناسب آن وصل کن.

- | | |
|--------|------------|
| ● کتاب | ● خلاق |
| ● ذهن | ● گوش‌نواز |
| ● آهنگ | ● تیزبین |
| ● چشم | ● مفید |

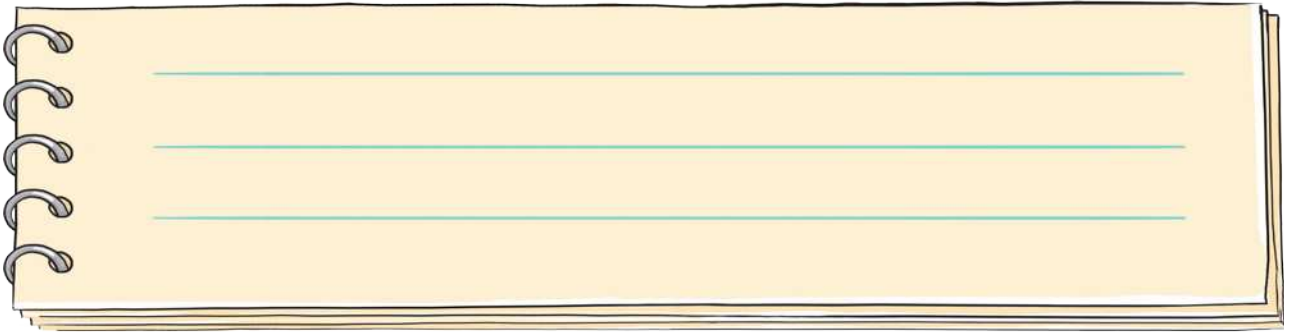
۸) دوست خوبم با فعل‌های زیر جمله بساز.

دوستت دارم

نقاشی کشید

قرار گرفت

۹ آیا تو هم نام‌آورانی مثل بزرگانی که در این فصل گفتیم، می‌شناسی؟ در یک بند توضیح بده.



۱۰ در شعر زیر، صفت را پیدا کن و زیر آن خط بکش.

«برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن که نگین پادشاهی، دهد از کرم گدا را»

۱۱ فرزند عزیزم، نام دو کتابی را که تا به حال خوانده‌ای، با ذکر نام نویسنده‌ی آن بنویس.

فصل ٦

راهِ زندگی



اندر: در

اینک: حالا

باطل: بیهوده

بنده‌پروری: رفتار دوستانه داشتن، مهربانی و لطف کردن

په: بهتر

حکم: فرمان، دستور

خُرد: کم سن و سال، کودک

خوش‌تر: راحت‌تر، خوب‌تر

دایه: پرورش دهنده، پرستار کودک

درفکند: انداخت، رها کرد، افکند

رَبِّ جلیل: خدای بلندمرتبه، خدای بزرگ

رهرو: مسافر

زهی: آزاد می‌شوی

سطح: روی

سیلاب: سیل

شیوه: راه و روش، آیین

طغیان: از حدّ خود گذشتن، بالا آمدن آب دریا

فرمان: دستور

کای: که ای

کاین: که این

گاهواره: گهواره

لطف: محبّت، مهربانی

نیل: نام رودی در کشور مصر

دست از چیزی شستن: از آن صرف نظر کردن

دَم: لحظه، زمان کوتاه

رشته: بند، طناب

زه: چله‌ی کمان

شنیدستم: شنیده‌ام

شهباز: نوعی پرنده‌ی شکاری سفیدرنگ با پنجه و منقار قوی

صلاح: شایسته، مصلحت

صیّاد: شکارچی

گهنسال: پیر، سالخورده

نگون اقبال: بدبخت، تیره‌بخت

أجل: پایان زندگی، زمان مرگ

به هر سو: به هر طرف

بیم: ترس

پژان: در حال پریدن، در حال پرواز

پی‌اش: به دنبال او

تاختن: حمله کردن، هجوم آوردن

تازان: باسرعت، پُرشتاب

چنگ: چنگال، پنجه

حق: از نام‌های خداوند

حی داور: خداوند، پروردگار

درس نامه

گاهی، دو واژه پشت سر هم تکرار می‌شوند و میانشان «الف» قرار می‌گیرد.

سر + ا + سر ← سراسر: همه جا	گرد + ا + گرد ← گرداگرد: دورتادور
لب + ا + لب ← لبالب: پُر	دوش + ا + دوش ← دوشادوش: کنار هم
دم + ا + دم ← دمادم: هر لحظه	کش + ا + کش ← کشاکش: از هر سو کشیدن،
پیش + ا + پیش ← پیشاپیش: جلو	پیایی کشیدن، بردن و آوردن

این‌گونه کلمه‌ها و همچنین کلمه‌هایی که قبلاً آموختی، مثل خودرأی، خودپسند، انعطاف‌پذیر و... کلمه‌های «غیرساده» هستند؛ یعنی کلمه‌هایی که از دو یا چند قسمت تشکیل شده‌اند.









● می‌دانستی که بعضی کلمه‌ها مثل «و، ولی، اما، چون» جمله‌ها را به هم پیوند می‌دهند. حالا می‌آموزی که کلمه‌هایی مثل «سپس» و «بعد» نیز مفهوم جمله‌ها را به هم پیوند می‌دهند و ترتیب زمانی آنها را مشخص می‌کنند.

مثال حسن و برادرش به مدرسه رفتند؛ سپس به خانه آمدند.

در جمله‌ی اول، رفتن حسن و برادرش به مدرسه گفته شده و بعد، با جمله‌ی دوم و کلمه‌ی «سپس»، ترتیب زمانی آن مشخص شده است.

کارگاه تمرین

۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.

- الف) واژه‌ی «سراسر» غیرساده است.  
- ب) به کلمه‌هایی که از ترکیب دو قسمت ساخته شده‌اند، ساده می‌گویند.  
- پ) شعر «لطفِ حق» درباره‌ی حضرت عیسی(ع) است.  
- ت) شهباز نوعی پرنده‌ی شکاری است.  

۲ معنی واژه‌های زیر و الگوی ساختن آنها را بنویس.

الف) پیشاپیش

ب) کشاکش

پ) دمادم

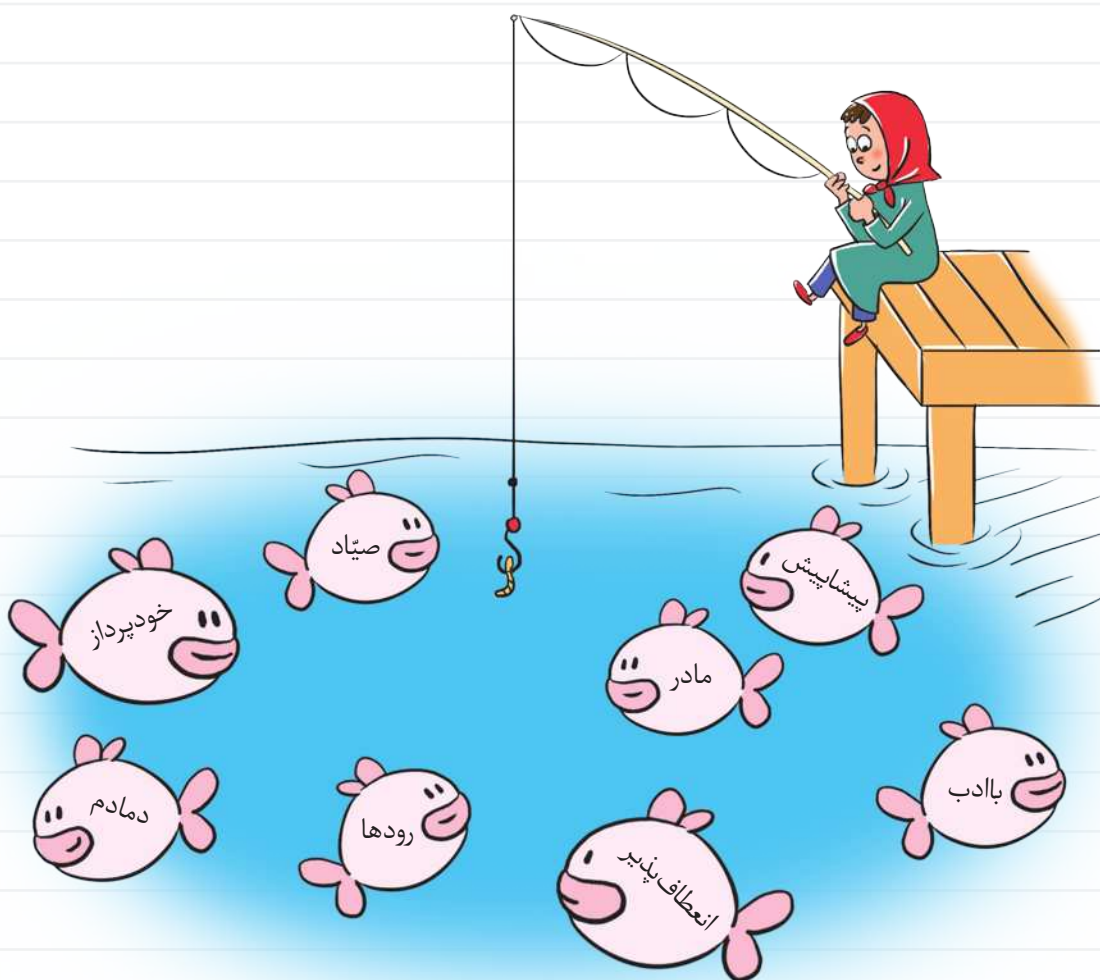
ت) دوشادوش

۳ واژه‌های زیر را در جدول پیدا کن و دور آنها خط بکش.

رَبِّ جلیل، رهرو، طغیان، سیلاب، لطف، باطل، سطح، توفان، ساحل

ظ	گ	ط	ف	خ	ش	ر	د
ت	س	غ	ک	ض	ه	ب	ج
و	ت	ی	چ	ر	ص	ج	ا
ف	ب	ا	و	ف	ط	ل	د
ا	ا	ن	ب	ا	ل	ی	س
ن	ط	پ	ع	ذ	ب	ل	ط
خ	ل	ح	ا	س	ر	د	ح

۴ واژه‌های غیرساده را به قلاب ماهیگیری وصل کن.



۵ غلط‌های املائی شعر را پیدا کن و در شکل‌ها بنویس.

خود ز ساحل کرد با حصرت نگاه
گفت: «کای فرزند خورد بی‌گناه»
و هی آمد: «کاین چه فکر باتل است؟
رحر و ما، اینک اندر منزل است»
ما، به دریا همک طوفان می‌دهیم
ما به ثیل و موج، فرمان می‌دهیم



۶ شاعر شعر «لطفِ حق» کیست؟

۷ معنی واژه‌های داده‌شده را بنویس.

تازان — ربّ جلیل

زهی — طغیان

۸ معنی بیت زیر را بنویس.

«در تو تنها، عشق و مهرِ مادری است
شیوه‌ی ما، عدل و بنده‌پروری است»

۹ مفهوم عبارت «دست از چیزی شستن» را بنویس.



شعر زیر را کامل کن.

شیدستم را کرد

به هر

در برد

و

و

از

و

نه نه

به امید

به زیر پای،

به

چو

درک و دریافت



● با توجه به شعر زیر، به پرسش‌های داده شده پاسخ بده.



مادر، ای مریم بزرگ زمان
 قلبِ سرشار از عطوفت^۱ تو
 بر لبانت شکوفه‌های دعا ***
 از سپهر^۲ رخت ستاره‌ی اشک
 می‌شکوفد سحر به بانگ اذان
 می‌دمد با تلاوت قرآن ***
 زیر پایت بهشت جاوید است
 باغ آینه‌گون^۳ توحید است

نصرالله مردانی

۱ نامی زیبا برای شعرانتخاب کن و بنویس.

۲ دو واژه‌ی غیرساده در شعر پیدا کن و بنویس.

۳ جمله یا شعری زیبا برای تقدیم به مادرت بنویس.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) دوشادوش
(۲) پیشاپیش
(۳) امیدش
(۴) دمادم

۲ در کدام گزینه واژه‌ی غیرساده نیامده است؟

- (۱) دلتنگ
(۲) تسخیرناپذیر
(۳) مسئولیت
(۴) وصف‌پذیر

۳ کدام گزینه اسم غیرساده نیست؟

- (۱) سراسر
(۲) خودپسند
(۳) انعطاف‌پذیر
(۴) بیمار

۴ کدام واژه از نظر ساختار ترکیبی با بقیه متفاوت است؟

- (۱) کشاکش
(۲) دوشادوش
(۳) خودپرداز
(۴) لبالب

۵ در پایان بیت زیر، باید کدام علامت نگارشی را گذاشت؟

«به که برگردی، به ما بسپاری‌آش کی تو از ما دوست‌تر می‌داری‌آش»

- (۱) .
(۲) ؟
(۳) !
(۴) ،

۶ کدام کلمه به صورت مخفف نیامده است؟

- (۱) نامه
(۲) مه
(۳) روبه
(۴) شه



پروین اعتصامی

پروین، فرزند یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی، در تبریز متولد شد. او فارسی و عربی را در دامن خانواده آموخت و سرودن شعر را از هشت سالگی آغاز کرد. تنها اثر او، دیوان/شعاراوست که بارها به چاپ رسیده و شعرهای بسیار دل‌نشینی دارد. او سرانجام، در سال ۱۳۲۰، بر اثر بیماری حصبه درگذشت. آرامگاهش در شهر قم، کنار صحن حضرت معصومه (س) قرار دارد.

«ای مرغک ^۱ خُرد، ز آشیانه	پرواز کن و پریدن آموز
تا یکی حرکات کودگانه؟	در باغ و چمن، چمیدن ^۲ آموز
رام ^۳ تو نمی‌شود زمانه	رام از چه شدی؟ رمیدن ^۴ آموز
مندیش ^۵ که دام هست یا نه	بر مردم چشم ^۶ دیدن آموز
شو روز به فکر آب و دانه	هنگام شب آرمیدن ^۷ آموز

لطیفه

دزدی لباسی را که دزدیده بود، به بازار برد تا بفروشد. در بازار لباس را از او نیز دزدیدند. در راه بازگشت، رفیقش به او گفت: «لباس را پند فروفتی؟»
گفت: «به همان قیمتی که فریده بودم!»

۳- رام: فرمان‌بردار، آرام
۶- مردم چشم: مردمک چشم

۲- چمیدن: راه رفتن با ناز
۵- مندیش: اندیشه نکن، فکر نکن

۱- مرغک: مرغ کوچک
۴- رمیدن: گریختن
۷- آرمیدن: خوابیدن



درس چهاردهم

ادب از که آموختی؟



واژه‌نامه



طبل غازی: طبلی که در پیشاپیش لشکر به صدا درمی‌آید،

طبل جنگی

طبله: صندوقچه

عالیم: دانا، دانشمند

عطار: عطر فروش

مُشک: ماده‌ای روغنی، بسیار معطر و خوش بو

اندوختن: جمع کردن، گردآوری کردن، پس انداز کردن

بوییدن: بو کردن

به چه ماند: به چه چیزی شبیه است؟

بی فایده: بیهوده، بی ثمر

پرهیز کردن: دوری کردن، خودداری از انجام دادن کاری

تُهی: خالی، پوچ

خاموش: ساکت

ادب از که آموختی؟

درس‌نامه



● فعل، اصلی‌ترین بخش جمله است و نهاد، معنی فعل را کامل می‌کند؛ ولی معنای بعضی فعل‌ها فقط با نهاد کامل نمی‌شود؛ بلکه به یک بخش دیگر هم نیاز دارند که به آن «مفعول» می‌گویند. در زبان فارسی معمولاً، مفعول بین نهاد و فعل می‌آید. «را» نشانه‌ی مفعول در جمله است که گاهی می‌شود آن را از جمله حذف کرد.

مثال	مادر	ظرف‌ها	را	شُست.
	↓	↓	↓	↓
	نهاد	مفعول	نشانه‌ی مفعول	فعل

اگر بگوییم «مادر شُست»، شنونده یا خواننده می‌گوید: «چه چیزی را شُست؟» و در جواب می‌گوییم: «ظرف‌ها را»؛ پس «ظرف‌ها» مفعول است.

برای تشخیص مفعول در جمله، دو سؤال «چه چیزی را؟» و «چه کسی را؟» را از فعل جمله می‌پرسیم و آنچه در پاسخ آنها می‌آید، «مفعول» خواهد بود.

● آموختی که کلمه‌هایی مثل «سپس» و «بعد» بین جمله‌های متن ارتباط برقرار می‌کنند، مفهوم جمله‌ها را به هم پیوند داده و ترتیب زمانی را نشان می‌دهند.

علاوه بر «سپس» و «بعد»، کلمه‌هایی مثل «اول»، «دوم»، «سوم»، «نخست»، «ابتدا» و «آخر» هم مطالب کلی متن را به هم ارتباط می‌دهند.



۱ فرزندم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) ادب را باید از بی‌ادبان آموخت.



ب) نشانه‌ی مفعول، «را» است.



پ) فعلی که معنایش با نهاد کامل نشود، به فاعل نیاز دارد.



ت) سعدی می‌گوید: «فقط علم برای دانایی کافی است».

۲ جاهای خالی را پر کن.

الف) کتاب گلستان اثر ماندگار است.

ب) با توجه به سخن سعدی شیرازی، نادان مثل طبل است.

پ) به گفته‌ی سعدی، عالم بی‌عمل، مثل است.

ت) سعدی معتقد است که علم به همراه، دانایی است.

ث) از پرسیدند: «ادب از که آموختی؟»

۳ با توجه به کلمه‌های داده‌شده، جمله‌ها را کامل کن.

عسل، گلدان گل، کیوتر، دانه‌ی روی زمین، دست‌هایش

الف) آقا خرסה را خورد.

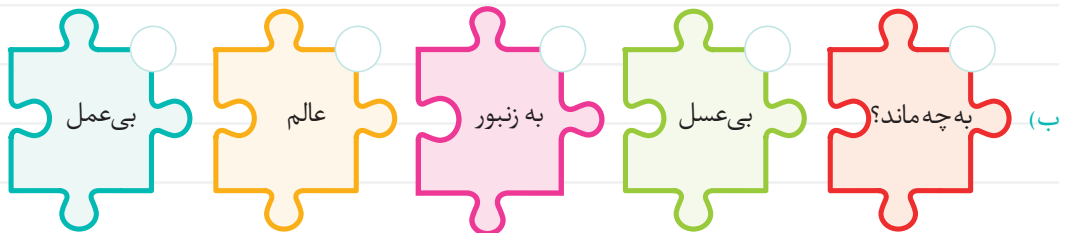
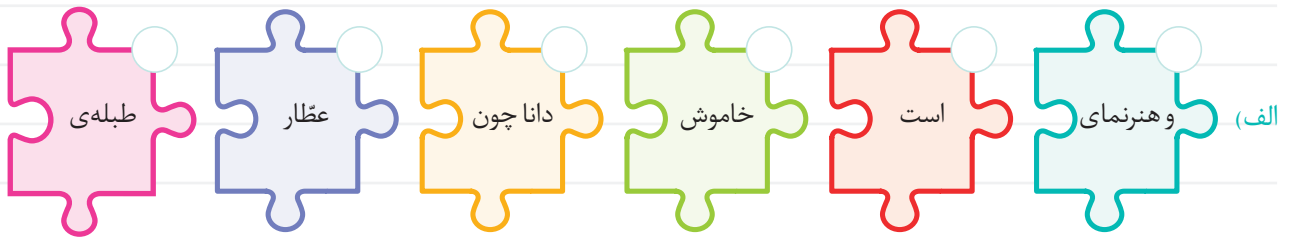
ب) علی کوچولو را شکست.

پ) گنجشک را برچید.

ت) رها را شُست.

ث) صیّاد را نشانه گرفت.

۴ در هر قسمت پازل‌های به هم ریخته را به‌طور مرتّب شماره‌گذاری کن تا یک مثل ساخته شود.



۵ سعدی، دانا را در چه چیزی مانند طبله‌ی عطار می‌داند؟

۶ چگونه می‌شود از بی‌ادب، ادب آموخت؟

۷ فرزندانم، با توجه به تصاویر برای آنها جمله بساز.



(الف)



(ب)

۸ علامت‌های نگارشی متن زیر را بگذار.

دزدی، در شب، به خانه‌ی فقیری رفت صاحب‌خانه از خواب برخاست و دید که دزد جست‌وجو می‌کند گفت: نادان آنکه تو در شب تاریک در این خانه جست‌وجو می‌کنی ما در روز روشن پیدا نمی‌کنیم

۹ معنی هر قسمت را بنویس.

(الف) علم، چندان که بیشتر خوانی / چون عمل در تو نیست، نادانی

(ب) مُشک آن است که خود ببوید، نه آنکه عطار بگوید.

(پ) نادان چون طبلِ غازی، بلندآواز و میان‌تهی.

(ت) یکی آن‌که اندوخت و نخورد و دیگر آن‌که آموخت و نکرد.

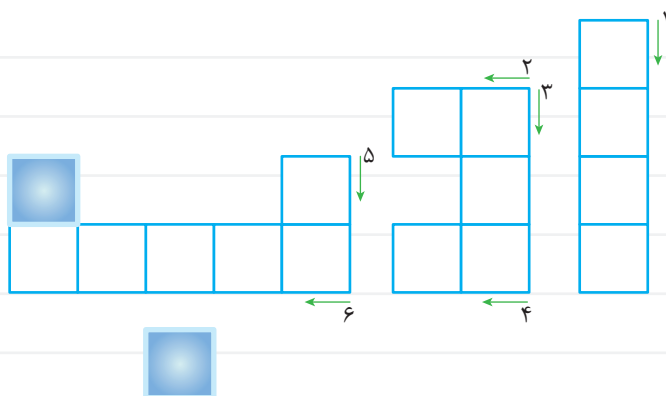
۱۰ فرزندم، با توجه به شکل زیر، یک بند بنویس و در آن، از کلمه‌هایی مثل سپس، نخست، آخر و اول استفاده کن.



جدول

جدول زیر را کامل کن.

- | | |
|---------------------------|-------------------|
| ۱- به معنی «دانا» | ۴- نشانه‌ی مفعولی |
| ۲- مایه‌ی حیات | ۵- به معنی «اندر» |
| ۳- به معنی «نشان و علامت» | ۶- روباه کوچک |



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- ۱ رابطه‌ی واژه‌های «تُهی» و «خالی» مانند رابطه‌ی کدامیک از گزینه‌های زیر است؟
 (۱) آفرینش، آفریدگار (۲) قالب، غالب (۳) غمگین، ناراحت (۴) خنده، گریه
- ۲ نقش دستوری واژه‌ی «ادب» در جمله‌ی روبه‌رو چیست؟ «ادب از که آموختی؟»
 (۱) نهاد (۲) مفعول (۳) فعل (۴) کلمه‌ی ربط
- ۳ سعدی عالم بدون عمل را به چه تشبیه کرده است؟
 (۱) زنبور (۲) عسل (۳) زنبور بی‌عسل (۴) زنبور و عسل



۴ در بیت زیر، کدام واژه‌ها نقش مفعولی دارند؟

«ما گرفتیم آنچه را انداختی دستِ حق را دیدی و نشناختی؟»

۱) آنچه، دستِ حق ۲) ما، دست ۳) گرفتیم، دیدی ۴) آنچه، حق

۵ در بیت زیر، کدام واژه نقش مفعول دارد؟

«شنیدستم که شهبازی گهنسال کبوتربچه‌ای را کرد دنبال»

۱) بچه‌ای ۲) کبوتربچه‌ای ۳) شهباز ۴) گهنسال

۶ واژه‌هایی مثل «نخست» و «ابتدا»، چه چیزی را در متن نشان می‌دهند؟

۱) ترتیب زمانی ۲) ترتیب مکانی ۳) درک بهتر متن ۴) ارتباط دو جمله

نام‌نامه (اعلام)



سعدی

سعدی شیرازی در سال ۵۸۴ هجری شمسی، در شیراز متولد شد. در جوانی، برای ادامه‌ی تحصیل به بغداد رفت. او در طول زندگی، سفرهای زیادی کرده و کشورهای بسیاری از جمله هندوستان، حبشه، مصر و شمال آفریقا را دیده است. از آثار او می‌توان به بوستان، گلستان و دیوان اشعار اشاره کرد. بوستان، کتابی است به شعر و گلستان، کتابی است به نثر و آهنگین.

او در سال ۶۷۱ از دنیا رفت.

«سه چیز پایدار نماند: مال بی تجارت و علم بی بحث^۱ و مُلک بی سیاست^۲»

لطیفه

پدر: پسر! امتحان ریاضی ات پطور بود؟

پسر: یکی از جواب‌ها را غلط نوشتم.

پدر: عیبی نداره، پس بقیه‌ی سؤال‌ها را درست حل کردی؟

پسر: نه! چون اصلاً وقت نکردم به بقیه‌ی سؤال‌ها نگاه کنم.



واژه‌نامه



شیر و موش

آشفتنه: به هم ریخته، پریشان	دام نهادن: تله قرار دادن
آن قدر: آن اندازه	رحم: مهربانی، بخشیدن
از پی: به دنبال	شتافتن: عجله کردن
التماس: تمنا، خواهش	صید: شکار
بلا: رنج	لابه: التماس، تمنا
بیشه: جنگل کوچک، جنگل	متغیر: خشمگین، عصبانی
حاصل کردن: به دست آوردن، کسب کردن	مغفرت: بخشش گناهان، آمرزش
حول و حوش: اطراف، گرداگرد، دور و بر	موشک: موش کوچک
خطاکار: کسی که کار نادرستی انجام داد، گناهکار	وحوش: جانوران دشتی و کوهی، جانوران اهلی نشده
خفته: خوابیده، به خواب رفته	هراس: ترس، احساس نگرانی
خلاص: رهایی، آزادی	یک‌غازی: بی‌ارزش، ناچیز

تعلق داشتن: وابستگی داشتن، مال کسی بودن	متفکرانه: در حال تفکر، اندیشمندانه
جدیت: تلاش و کوشش بسیار در انجام دادن کاری	مروار: مطالعه کردن مطلبی به صورت تند، بازخوانی
حدس زدن: گمان کردن، فکر کردن، پنداشتن	ناهماهنگی: بی‌نظمی
سابق: گذشته، قبل	وادار کردن: مجبور کردن
سحرآمیز: جادویی، بسیار شگفت‌انگیز	

هفت مرزآورد سحر

درس‌نامه



به کلمه‌ی «سبزه‌زار» توجه کن. این کلمه از دو بخش «سبزه» و «زار» تشکیل شده و به معنی جایی است که در آن، سبزه روییده است. «زار» اگر با اسمی ترکیب شود، به آن اسم معنی «مکان» می‌دهد. این کلمه‌ها هم جزء کلمه‌های «غیرساده» قرار می‌گیرند.

مثال نی + زار ← نی‌زار: جایی که نی روییده است.

گندم + زار ← گندم‌زار: جایی که گندم روییده است.



۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی عبارتهای زیر را با رنگ کردن یکی از صورتکها مشخص کن.



الف) «زار» در واژه‌ی «چمن‌زار» به معنی مکان است.



ب) واژه‌ی «گل‌زار» غیرساده است.



پ) شعر «شیر و موش»، سروده‌ی پروین اعتصامی است.



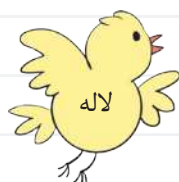
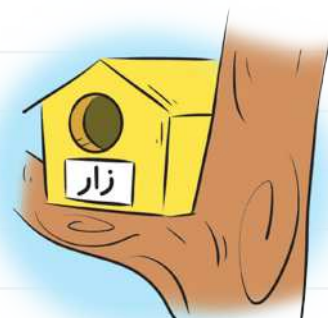
ت) با توجه به شعر «شیر و موش»، چون موش دلش به حال شیر سوخت، به او کمک کرد.

۲ جاهای خالی زیر را به درستی پر کن.

الف) شوره‌زار یعنی ب) شن‌زار یعنی

پ) مرغزار یعنی ت) شالیزار یعنی

۳ در بین واژه‌های زیر، کدام یک می‌تواند با «زار» ترکیب شود و اسمی تازه بسازد؟ آن را به لانه‌ی پرنده برسان.



۴ در بیت «بود شیری به بیشه‌ای خفته / موشکی کرد، خوابش آشفته»، حرف «ک» در واژه‌ی «موشک» به چه معناست؟

۵ معنی متل «هرکه بامش بیش، برفش بیشتر» چیست؟

۶ شعر «شیر و موش» را بخوان و در پنج بیت ابتدایی آن، اسم‌های غیرساده‌ای را که می‌بینی، بنویس.

۷ این تصویر تو را یاد کدام مَثَل می‌اندازد؟



۸ با توجه به بیت «گفت: ای موش لوس یک غازی / با دُم شیر می‌کنی بازی»، «با دُم شیر بازی کردن» یعنی چه؟

۹ به نظر تو، درس «شیر و موش» کدام‌یک از راه‌های زندگی را آموزش می‌دهد؟ درباره‌ی آن یک بند بنویس.

جدول

جدول زیر را کامل کن.

۱- موش کوچک

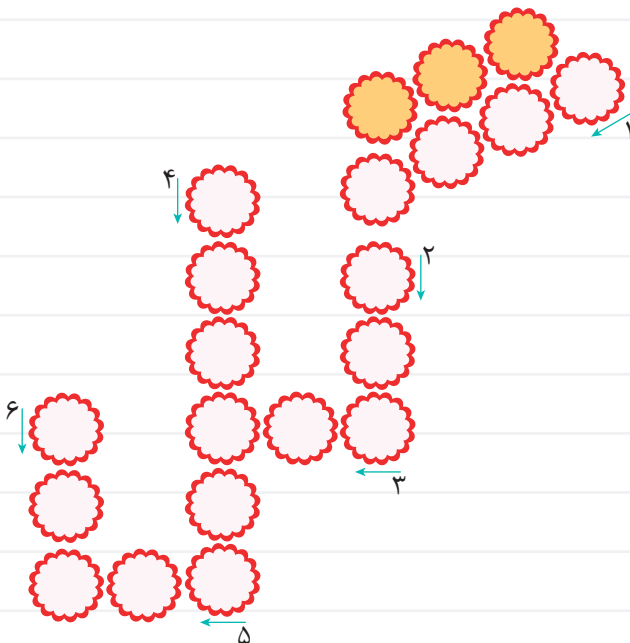
۲- به معنی بدان و آگاه باش

۳- نامی دخترانه به معنی، آوا، صدا

۴- بی‌ارزش، ناچیز

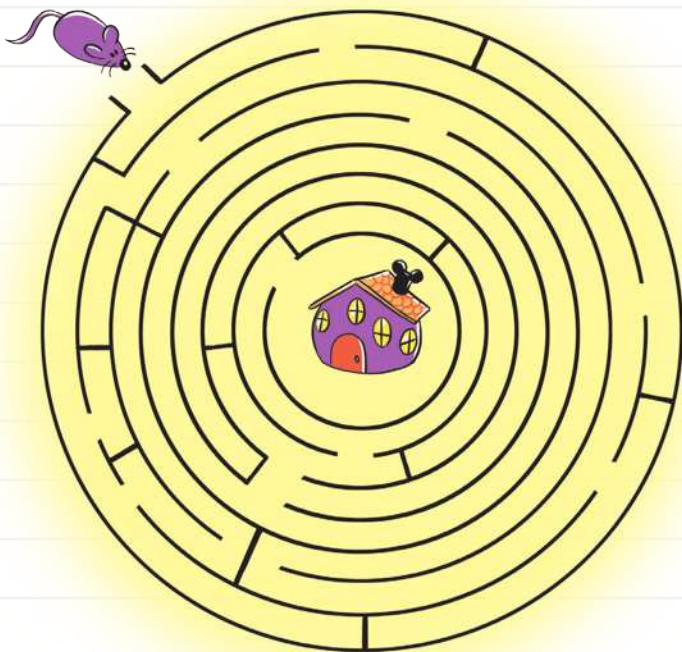
۵- دوست و همراه

۶- کلمه‌ای که به اسم اضافه می‌شود و معنای مکان می‌دهد.





موش را به لانه‌اش برسان.



پرسش‌های چهارگزینه‌ای



۱ در بیت زیر چند جمله وجود دارد؟

«خواست در زیر پنجه، لِه گندش به هوا برده، بر زمین زَنَدش»
 (۱) دو (۲) سه (۳) یک (۴) چهار

۲ در بیت زیر، کدام واژه غیرساده است؟

«تو بزرگی و من خطاکارم از تو اَمَیدِ مغفرت دارم»
 (۱) بزرگی (۲) مغفرت (۳) خطاکار (۴) امید

۳ در بیت زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«از پی سیدِ گرگ، یک صیّاد در همان هول و هوش، دام نهاد»
 (۱) سه (۲) یک (۳) دو (۴) چهار

۴ کدام یک از کلمه‌های زیر، غیرساده نیست؟

(۱) بازار (۲) نمک‌زار (۳) شن‌زار (۴) لاله‌زار

۵ کلمه‌ی «زار» به کدام گزینه اضافه نمی‌شود؟

(۱) گل (۲) لاله (۳) چمن (۴) ساقه

۶ در بیت زیر، کدام واژه مخفف است؟

«آن قدر گوشِ شیر گاز گرفت گه رها کرد و گاه باز گرفت»

گه (۱) گاه (۲) آن قدر (۳) رها (۴)

نام نامه (اعلام)



ایرج میرزا

ایرج میرزا فرزند صدرالشعرا غلامح سین میرزا و نتیجه‌ی فتحعلی شاه قاجار بود. تحصیلاتش را در مدرسه‌ی دارالفنون تبریز گذراند و در همان مدرسه، زبان عربی و فرانسه را آموخت. معروف‌ترین اشعار فارسی او درباره‌ی احترام به مادر است.

پستان به دهن گرفتن آموخت
بیدار نشست و خفتن آموخت
تا شیوه‌ی راه رفتن آموخت
الفاظ نهاد و گفتن آموخت
بر غنچه‌ی گل، شکفتن آموخت
تا هستم و هست، دارمش دوست»

«گویند مرا چو زاد مادر
شب‌ها بر گاهواره‌ی من
دستم بگیرت و پا به پا برد
یک حرف و دو حرف بر زبانت
لجنده نهاد بر لب من
پس هستی من ز هستی اوست»

لطیفه

آموزگار: «اگر یک زرافه و نهنگ با هم عروسی کنند، اسم بچه‌شان را چه می‌گذارند؟»
دانش‌آموز: «آقا اجازه؟ زرتنگ!»



پرسش‌های پایانی فصل ؟

۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) واژه‌ی «سراسر» یک اسم ساده است.

ب) «زنبور بی‌عسل» یک ترکیب وصفی است.

پ) فعل «زد» فقط به نهاد نیاز دارد.

ت) سعدی در جمله‌ی «نادان چون طبلِ غازی، بلندآواز و میان‌تهی»،

نادان را در پُرسروصدا بودن، به طبل جنگی تشبیه کرده است.

۲ به سؤال‌های زیر پاسخ بده.

الف) کشاکش یعنی

ب) پیشاپیش یعنی

پ) مرغزار یعنی

ت) شالیزار یعنی

۳ در هر قسمت گزینه‌ی درست را انتخاب کن.

الف) در کدام گزینه، اسم غیرساده آمده است؟

(۱) که تو شاه و وحوشی و من موش / موش هیچ است پیش شاه وحوش

(۲) شیر چون موش را رهایی داد / خود رها شد ز پنجه‌ی صیاد

(۳) دست بُرد و گرفت کله‌ی موش / شد گرفتار، موش بازی‌گوش

(۴) خواست در زیر پنجه، له‌گندش / به هوا بُرده، بر زمین زَنَدش

ب) املا‌ی کدام گزینه با توجه به معنی آن نادرست است؟

(۱) طقیان: سرکشی (۲) بیشه: جنگل

(۳) رحم: مهربانی (۴) طبله: صندوقچه

پ) معنای کدام فعل زیر فقط با نهاد کامل می‌شود؟

(۱) آمد (۲) است (۳) بود (۴) خورد

ت) کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

(۱) لاله‌زار (۲) گل‌زار (۳) بیشه‌زار (۴) رهگذار

ث) کدام واژه در بیت زیر، مفعول است؟

«مادر موسی چو موسی را به نیل درفکند از گفته‌ی ربّ جلیل»

(۱) موسی (۲) نیل (۳) ربّ جلیل (۴) مادر موسی

۴ با توجه به درس «ادب از که آموختی؟» قسمت‌های مربوط را به هم وصل کن.

● به زنبور بی‌عسل

● علم چندان که بیشتر خوانی

● چون عمل در تو نیست، نادانی

● ادب از که آموختی؟

● بلندآواز و میان‌ٹهی

● دانا چون طبه‌ی عطار است

● از بی‌ادبان

● عالم بی‌عمل به چه ماند

● خاموش و هنرنمای

● نادان چون طبل‌غازی

۵ در جمله‌های زیر، اسم‌های غیرساده را پیداکن و بنویس.

الف) گفت: «از بی‌ادبان، هرچه از ایشان در نظرم ناپسند آمد، از آن پرهیز کردم».

ب) دانا چون طبه‌ی عطار است، خاموش و هنرنمای.

پ) در تو تنها، عشق و مهر مادری است / شیوه‌ی ما، عدل و بنده‌پروری است

۶ شعرهای زیر را کامل کن.

الف) علی ای،

..... به خدا قسم خدا را

ب) بزد ماری به پای

..... به هم

۷ برای ضرب‌المثل زیر، یک داستان کوتاه بنویس.

«دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما بکاریم و دیگران بخورند».

فصل ۷

علم و عمل



عَلت: سبب	بالین: آنچه هنگام خوابیدن زیر سر نهند، بالش
غریب: دور افتاده از وطن، ناآشنا، شگفت‌آور	پرسشگری: پرسیدن، سؤال کردن
فیلسوفان: جمع فیلسوف، دانشمندان علم فلسفه	پژوهشگران: جمع پژوهشگر، کسانی که در مسائل علمی
گریزان: گریزنده، شتابان	بررسی و جست‌وجو می‌کنند.
گویبی: مثل اینکه، مانند اینکه	جاهل: نادان، بی‌خبر
مسائل: جمع مسئله، مطالب، سؤال‌ها	جهل: نادانی، بی‌خبری
معلق: آویزان	دانش‌اندوزی: علم‌آموزی، یادگیری، فراگیری دانش
واپسین: آخرین، پایانی	سپری شدن: به پایان رسیدن، به اتمام رسیدن
همواره: همیشه	عجیب: شگفت‌آور، غریب
فَزای: افزوده کن، اضافه کن	بُرنا: جوان
گرای: گرایش پیدا کن، میل کن، رویاوار	بسی: بسیار، خیلی، فراوان
گریستن: گریه کردن	بُود: باشد، هست
گمان: شک، تردید	بهره: سهم، سود، نتیجه‌ی مثبت
میاسای: آسوده نباش	توانا: نیرومند، قدرتمند
میفکن: نیفکن، نینداز	دانا: عالم، باهوش، زیرک
ناخوش: بد، ناپسند، نامطلوب	رامش: آرامش، آسودگی، نشاط، شادمانی
یزدان: خداوند، پروردگار یکتا	زهنمای: راهنما، یاری‌رسان



● آموختی که اصلی‌ترین بخش جمله، «فعل» است که بدون آن، معنای جمله کامل نیست. همین‌طور می‌دانی که معنای فعل با نهاد کامل می‌شود.

مثال < >
رها آمد.
↓ ↓
نهاد فعل

● بعضی فعل‌ها فقط با نهاد معنایشان کامل نمی‌شود و به «مفعول» نیاز دارند.

مثال < >
علی حسن را زد.
↓ ↓ ↓
نهاد مفعول فعل



اگر بگوییم: «علی زد»، شنونده می‌پرسد: «چه کسی را؟» و در جواب، مفعول که «حسن» است، می‌آید.
 ● بعضی فعل‌ها علاوه بر نهاد و مفعول، به جزء دیگری هم نیاز دارند. این بخش معمولاً در جواب «کجا؟» می‌آید.
مثال رها غذا را روی میز گذاشت.

اگر بگوییم: «رها غذا را گذاشت»، جمله کامل نیست؛ بنابراین شنونده می‌پرسد: «رها غذا را کجا گذاشت؟» و آنچه در جواب می‌آید، همان بخش جدید است.

کارگاه تمرین

۱ فرزدم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) همه‌ی فعل‌ها، فقط به نهاد نیاز دارند.

ب) واژه‌ی «مسائل» جمع مسئله است.

پ) واژه‌ی «واپسین» هم معنی واژه‌ی آخر است.

ت) شکل گوش ما شبیه علامت تعجب است.

۲ جاهای خالی زیر را با یکی از واژه‌های داخل کمانک پُر کن.

الف) رها گل‌ها را گذاشت. (به مادر، در گلدان، در خانه)

ب) همسایه‌ی ما کاسه‌ی آش را ما آورد. (به خانه‌ی، در مدرسه، با مادر)

پ) دوستم خواهرش را بُرد. (در اتوبوس، در خانه، به مهد کودک)

ت) مادر فرزندش را خواباند. (در گاهواره، به مدرسه، به مهد کودک)

۳ مانند نمونه، جدول را کامل کن.

رها غذا را در ظرف ریخت.

الف) معلّم سوالات را در کلاس پاسخ داد. (ب) پدر جانماز را در قفسه گذاشت.

پ) معلّم جایزه را در کیف علی قرار داد.

نهاد	مفعول	جزء دیگر که در جواب کجا می‌آید	فعل
رها	غذا را	در ظرف	ریخت
.....
.....
.....

۴ مترادف کلمه‌های زیر را بنویس.

دانش پرسش جهل معلّق

۵ به نظر تو چه چیز باعث پیشرفت و توانمندی ابوریحان بیرونی شد؟

۶ از بند آخر درس «پرسشگری» چه چیزی یاد می‌گیری؟



🎵 شعر حفظی

شعر زیر را کامل کن و به پرسش‌های داده شده پاسخ بده.

توانا بود

گرای

رامشی

بیاموز و

چه ناخوش

باید گریست

که نادان به هر جای، بی‌رامش است

۱ این شعر زیبا در کدام کتاب آمده است؟

۲ موضوع آن چیست؟

۳ کدام کلمه بیشتر از بقیه در شعر تکرار شده است؟

۴ یک اسم غیرساده در آن پیدا کن و بنویس.

۵ دو واژه‌ی متضاد پیدا کن و بنویس.

۶ یک مفعول در بیت‌های شعر پیدا کن و بنویس.



درک و دریافت

با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ بده.

زن به دختر رسول خدا گفت: «من مادر ناتوان و بیماری دارم که در نماز، به مشکلی برخورده است، مرا به خدمت شما فرستاده تا در این باره چیزی از شما بپرسم».

حضرت فاطمه (س) درباره‌ی آن پرسش، پاسخ‌های مناسب دادند. آن زن چندین سؤال دیگر مطرح کرد و حضرت، به همه‌ی سؤال‌ها پاسخ دادند؛ سپس آن زن سرش را پایین انداخت و با شرمندگی به سبب پرسش‌های فراوانش گفت: «ای دختر رسول خدا! دیگر مزاحم نمی‌شوم». حضرت فرمودند: «اگر کسی بار سنگینی را به بام ببرد و برای این کار صد هزار دینار مزد بگیرد، از بردن بار خسته می‌شود». زن گفت: «نه، خسته نمی‌شود؛ زیرا در برابر کارش، مزد زیادی گرفته است». حضرت فرمودند: «خدا برای دادنِ پاسخ درست به هر مسئله‌ای، بیشتر از تمام مرواریدهای جهان، پاداش می‌دهد؛ پس چگونه من می‌توانم از پاسخ دادن به پرسش‌ها خسته شوم».

بحارالانوار

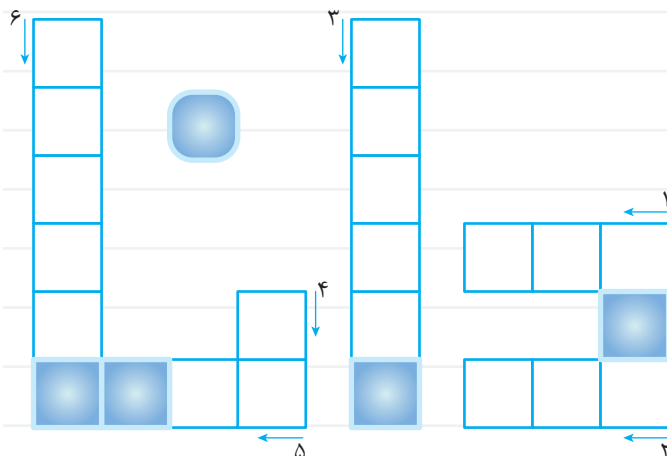
۱ درباره‌ی ارتباط این متن با درس «پرسشگری» یک بند بنویس.

۲ در متن جست‌وجو کن و یک جمله بنویس که در آن، هم مفعول آمده باشد، هم جزء دیگری که در جواب «کجا» می‌آید.

۳ آیا تا به حال تو هم سؤالی را پرسیده و مزه‌ی دانستن را چشیده‌ای؟ ماجرای آن را بنویس.

جدول

جدول را کامل کن.



۱- تن مُرده، چون بی‌دانش است

۲- که نادان به هر بی‌رامش است

۳- به معنی خداوند

۴- میاسای ز آموختن زمان

۵- بیکاری او ز بی‌دانشی است

۶- چه بُود، دوستی با کسی

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ املای کدام گزینه نادرست است؟

(۱) بحر (۲) یزدان (۳) آویزان (۴) ائفاقات

۲ کدام گزینه از نظر ساختار، با بقیه متفاوت است؟

(۱) بیرونی (۲) دانشمندان (۳) پژوهشگران (۴) ریاضی‌دان

۳ در کدام گزینه، واژه‌ی غیرساده نیامده است؟

(۱) او به کشف چیزهای بسیاری علاقه داشت. (۲) یکی از این دانشمندان، ابوریحان بیرونی است.

(۳) او تشنه‌ی یادگیری و دانش‌اندوزی است. (۴) بعضی سؤال‌ها، مثل گوشواره، به گوش آنها آویزان است.

۴ در کدام گزینه، علاوه بر نهاد و مفعول، جزء دیگری هم برای کامل شدن فعل آمده است؟

(۱) او از نادانی و جهل، گریزان بود. (۲) او واپسین لحظه‌های زندگی را با پرسشگری گذراند.

(۳) ابوریحان با ناراحتی پاسخ داد. (۴) ابوریحان بیرونی علم و دانش را در بستر هم می‌آموخت.

۵ معنای کدام واژه نادرست است؟

(۱) واپسین: آخرین (۲) جاهل: نادان (۳) رامش: آهنگ زدن (۴) بُنا: جوان

نام‌نامه (اعلام)



فردوسی

حکیم فردوسی در سال ۳۲۹ هجری، در طوس به دنیا آمد. پدرش از دهقانان طوس بود و ثروت زیادی داشت. فردوسی از همان جوانی به خواندن داستان علاقه داشت و به تاریخ و گذشته‌ی ایران عشق می‌ورزید. همین علاقه به داستان‌های کهن بود که او را به فکر انداخت تا شاهنامه را بسراید. او نزدیک به ۳۰ سال از زندگی خود را برای این کار گذاشت. فردوسی در این باره می‌گوید:

«بسی رنج بردم در این سال سی
پی‌افکندم^۳ از نظم کاخی بلند
بناهای^۵ آباد گردد خراب
زمان مرگ او را سال ۴۱۱ هجری قمری نوشته‌اند.

عجم^۱ زنده کردم بدین پارسی^۲
که از باد و باران نیابد گزند^۴
ز باران و از تابش آفتاب»

۳- پی‌افکندن: ساختمان ساختن

۲- پارسی: فارسی

۱- عجم: غیر عرب

۵- بنا: ساختمان

۴- گزند: آسیب



ابوریحان بیرونی

ابوریحان بیرونی در ۱۴ شهریور ۳۵۲ شمسی به دنیا آمد. او دانشمند، ریاضی دان، ستاره‌شناس و تقویم‌شناس بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری است. او را یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان ایرانی می‌دانند.

کتاب‌های تحقیق درباره‌ی هند و قانون مسعودی از جمله آثار اوست.

لطیفه

مردی هنگام رانندگی از چراغ قرمز رد شد. افسر پلیس جلوی او را گرفت و گفت: «مگر چراغ قرمز را ندیدی؟» مرد پاسخ داد: «پرا بئتاب سروان! چراغ قرمز را دیدم؛ شما را ندیدم!»

Handwriting practice area with horizontal dotted lines.





<p>مجازی: غیرواقعی</p> <p>معرفی کردن: شناساندن شخصی به دیگری با گفتن نام آن شخص</p> <p>منتقل کردن: از جایی به جای دیگر رفتن، انتقال یافتن</p> <p>نمایان شدن: ظاهر شدن، آشکار شدن</p> <p>هوشمند: دارای هوش و توانایی بسیار، دارای قدرت پردازش</p> <p>غرزدن: آهسته سخن گفتن از روی خشم، غرغر کردن</p> <p>کول: شانه، دوش</p> <p>معذور: کسی که برای خطای خود عذری دارد، آن‌که عذرش پذیرفته است.</p> <p>معامله: دادوستد، دادن چیزی به کسی و گرفتن بهای آن</p> <p>حضرت: عنوانی احترام‌آمیز که برای بزرگداشت، قبل از نام خدا، پیغمبران و امامان می‌آید.</p> <p>طفل: کودک، بچه</p> <p>فضل: بخشش</p> <p>کامران: پیروز، موفق</p> <p>کژ: کج، نادرست</p> <p>مستجاب: پذیرفته شده، برآورده شده</p> <p>ناظر: نگاه‌کننده، بیننده</p> <p>نیایش: دعا، عبادت</p>	<p>پیامک: پیام کوتاه</p> <p>خوشامدگویی: سخنی که هنگام استقبال یا بدرقه‌ی مهمان به کار می‌رود.</p> <p>دلگرم: امیدوار</p> <p>ریزنقش: دارای جثه و اندازه‌ای کوچک</p> <p>فناوری: استفاده از علم در کارهای مختلف، مانند پزشکی، بازرگانی، کشاورزی و...</p> <p>بی‌ثمر: بی‌نتیجه، بی‌فایده</p> <p>پاستوریزه کردن: حرارت دادن مواد غذایی تا دمایی که باکتری‌ها از بین بروند.</p> <p>تلف کردن: نابود کردن، تباہ کردن</p> <p>تعمیر کردن: درست کردن خرابی</p> <p>جورواجور: گوناگون، مختلف</p> <p>دوری: بشقاب بزرگ</p> <p>علاف: بیکار</p> <p>توفیق: موفقیت، کامیابی</p> <p>ثنا: ستایش، ستودن</p> <p>حامی: نگهبان، پشتیبان</p> <p>ذات: وجود، هستی</p> <p>ذکر: یاد</p> <p>رحمت: مهربانی، دل‌سوزی، بخشایش</p> <p>صواب: راست، درست</p>
--	--

مدرسه‌ی هوشمند

کارت اعتباری

پنایش



به آخر بعضی واژه‌ها «**نده**» اضافه می‌شود و معنای جدیدی می‌سازد. به این واژه‌ها اسم «**غیرساده**» می‌گویند.

- مثال** > ران + َ نده ← **راننده:** کسی که چیزی را می‌راند.
 خوان + َ نده ← **خواننده:** کسی که چیزی را می‌خواند.
 یاب + َ نده ← **یابنده:** کسی که چیزی را می‌یابد.
 درخش + َ نده ← **درخشنده:** کسی یا چیزی که می‌درخشد.



کارگاه تمرین



۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) واژه‌ی «اُولین» هم‌معنی واژه‌ی «واپسین» است.



ب) با توجه به درس «مدرسه‌ی هوشمند»، فناوری باعث رنج و سختی ما می‌شود.



پ) واژه‌ی «دَرَنده» یک اسم غیرساده است.



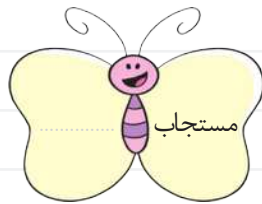
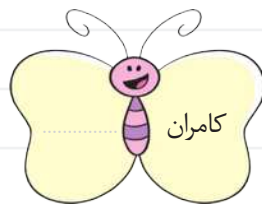
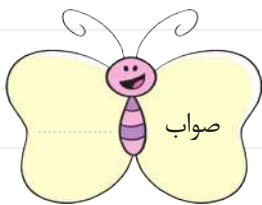
ت) شعر «نیایش» از کتاب *الهی‌نامه* است.

۲ جاهای خالی را به درستی پُر کن.

الف) بیننده یعنی ب) گیرنده یعنی

پ) یابنده یعنی ت) دارنده یعنی

۳ معنی واژه‌های زیر را بنویس.



۴ علائم نگارشی متن زیر را بگذار و با توجه به متن، جمله‌ی آخر را کامل کن.

نادانی انگشترش را در خانه گم کرد ○ به زنش گفت: ○ من به کوچه می‌روم تا دنبال انگشتر بگردم ○ ○

زن گفت: ○ تو انگشترت را داخل خانه گم کرده‌ای و به کوچه می‌روی ○ ○

مرد گفت: ○ آخر! ○

۵ اسم‌های غیرساده را رنگ کن.



۶ با توجه به شعر «نیایش» به سؤال‌های زیر پاسخ کوتاه بده.

الف) این شعر سروده‌ی کدام یک از شاعران بزرگ سرزمینمان است؟

ب) موضوع کلی آن چیست؟

پ) منظور از «صواب» در بیت دوم چیست؟

ت) یکی از صفات خداوند را که در این شعر آمده بنویس.

ث) دو کلمه‌ی متضاد در شعر پیدا کن و بنویس.

۷ بخش‌های هر ترکیب را به هم وصل کن.



جدول

جدول را کامل کن.

۱- الهی، تو، ما کس را نخواهیم / از آن رو، در پناهت می‌پناهیم

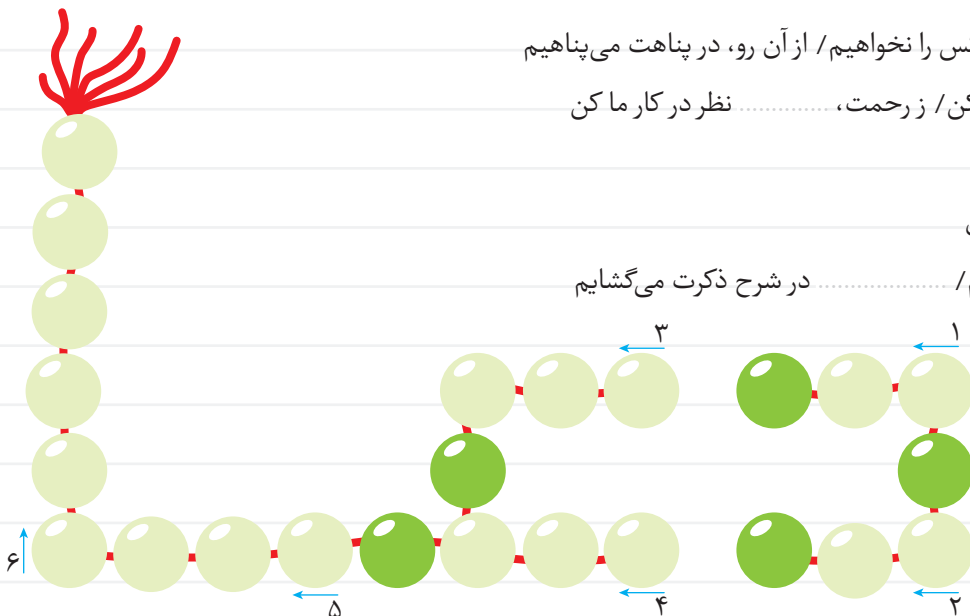
۲- الهی، فضل خود را یار ما کن / ز رحمت، نظر در کار ما کن

۳- به معنی دوباره، از نو

۴- به معنای بالای ساختمان

۵- ثنای ذات پاکت می‌سراییم / در شرح ذکرت می‌گشاییم

۶- باعجله



پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱ گزینه‌ی متفاوت را انتخاب کن.

(۱) پرگار (۲) دل‌پذیر (۳) هم‌کلاسی (۴) خوشبخت

۲ این بیت از کدام کتاب و شاعر بزرگ ایرانی است؟

«ثنای ذات پاکت می‌سراییم» زبان در شرح ذکرت می‌گشاییم»

(۱) شاهنامه - فردوسی (۲) الهی‌نامه - عطار (۳) مثنوی - مولانا (۴) گلستان - سعدی



۳ جزء «ند» به کدام واژه اضافه نمی‌شود؟

(۱) گوی (۲) شنو (۳) دار (۴) بن

۴ کدام کلمه‌ی جمع، نشانه‌ی جمع ندارد؟

(۱) پزشکان (۲) اعضا (۳) سبزیجات (۴) مدرسه‌ها

۵ ساختار کدام کلمه با بقیه متفاوت است؟

(۱) شنونده (۲) خواننده (۳) گوینده (۴) گندم‌زار

۶ «تصاویر» جمع کدام‌یک از واژه‌های زیر است؟

(۱) تصوّر (۲) تصویر (۳) تصمیم (۴) تقصیر

نام‌نامه (اعلام)



فرهاد حسن‌زاده

فرهاد حسن‌زاده متولد ۲۰ فروردین ۱۳۴۱ در آبادان است. او نوشتن را از دوران نوجوانی آغاز کرد و در سال ۱۳۷۰، اولین کتابش را با نام *ماجرای روباه و زنبور در شیراز* چاپ کرد. او در حال حاضر، مسئول صفحه‌های ادبیات طنز در نشریه‌ی «دوچرخه» است.



عطار نیشابوری

عطار در سال ۵۳۷ در کدکن، یکی از شهرهای نیشابور، متولد شد. او یکی از شاعران نام‌آواست که در قرن ششم و آغاز قرن هفتم زندگی می‌کرد. او ابتدا شغل داروفروشی و عطاری داشت. *منطق‌الطیور* و *الهی‌نامه* از جمله آثار اوست.

لطیفه

مشتری رستوران، پیش‌خدمت را صدا زد و با عصبانیت گفت: «این قورباغه الان روی میز من است، اطمینان دارم تا چند لفظه قبل توی سوپ من بوده است.»
پیش‌خدمت گفت: «آخرین قربان... درست گفتید! دوزیستان، هم در آب و هم در فشکی زندگی می‌کنند!»

۱ فرزندانم، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با رنگ کردن یکی از صورتک‌ها مشخص کن.



الف) واژه‌ی «بیننده» یک اسم غیرساده است که از ترکیب «بین + ده» ساخته شده است.



ب) ساختار دستوری دو واژه‌ی «دارنده» و «دژنده» مثل هم است.



پ) واژه‌ی «سرگرم» یک اسم غیرساده است.



ت) شعر «نیایش» سروده‌ی عطار نیشابوری است که در کتاب منطق‌الطیر آمده است.

۲ جاهای خالی را به درستی پر کن.

الف) میاسای از آموختن،

چه

اوز

به

ب) الهی،

خدایا

۳ در هر قسمت گزینه‌ی درست را انتخاب کن.

الف) کدام کلمه از نظر ساخت با بقیه متفاوت است؟

۱) شامگاه ۲) آگاه ۳) سحرگاه ۴) درمانگاه

ب) کدام گزینه مانند ترکیب «دخترِ درس‌خوان» است؟

۱) نگاهِ مادر ۲) میوه‌ی خوشمزه ۳) درِ مدرسه ۴) میزِ تحریرِ من

پ) با توجه به بیت «توانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر بر نابد»، نسبت واژه‌های «بُرنا» و «پیر» مانند کدام یک از گزینه‌های زیر است؟

۱) اژلین، واپسین ۲) مسائل، مسئله ۳) باغچه، باغبان ۴) دانش، پژوهش

ت) با توجه به بیت زیر، کدام گزینه نادرست است؟

«مرا در حضرتِ خود، کامران دار ز کژ گفتن، زبانم در امان دار»

۱) کامران به معنی پیروز است.

۲) منظور از کژ گفتن، حرف بد و ناپسند است.

۳) واژه‌ی حضرت برای خداوند و پیامبران و امامان استفاده می‌شود.

۴) کامران و امان، هم خانواده‌اند.

ث) کدام واژه هم اسم غیرساده و هم جمع است؟

۱) آدم‌ها ۲) مسائل ۳) سبزه‌زاران ۴) هم‌کلاسی

ج) واژه‌ی «بینندگان» چه نوع اسمی است؟

۱) غیرساده و جمع ۲) ساده و جمع ۳) ساده ۴) جمع



۴ هم خانواده‌ی هر واژه را به آن وصل کن.

دانش	پرسش
فضیلت	علم
پرسشگری	دانشمند
علوم	فضل
حضور	اجابت
مستجاب	حاضر

۵ با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ بده.

مرد زشت رویی خود را در آینه می‌دید و می‌گفت: «سپاس خدای را که مرا صورتی چنین زیبا داد» غلامش بر درِ خانه ایستاده بود و این سخن‌ها می‌شنید کسی از آنجا می‌گذشت از غلام پرسید: «خواجه چه می‌کند» گفت: «نشسته است و بر خدا دروغ می‌بندد»

الف) در جاهای مشخص شده، علائم نگارشی مناسب بگذار.

ب) در متن، یک مفعول پیدا کن و بنویس.

پ) یک جمله‌ی خبری، یک جمله‌ی عاطفی و یک جمله‌ی پرسشی در متن پیدا کن و بنویس.

جمله‌ی خبری —

جمله‌ی عاطفی —

جمله‌ی پرسشی —

ت) در متن، جمله‌ای پیدا کن که ساختاری مانند جمله‌ی زیر داشته باشد و آن را بنویس.

«علی ظرف‌ها را در ظرف شویی گذاشت».

۶ به نظر تو، علاوه بر گوش، کدام عضو بدنمان به علم‌اندوزی ما کمک می‌کند؟ آن را در یک بند توضیح بده.

۷ دوست عزیزم، در یک بند با خدای خود نیایش کن.

ارزشیابی نوبت دوم



دبیر: تاریخ آزمون:	نام و نام خانوادگی: کلاس:
۱- درستی یا نادرستی عبارتهای زیر را با رنگ کردن یکی از صورتکها مشخص کنید.	
(الف) صفت کلمه‌ای است که درباره‌ی اسم بعد از خود توضیح می‌دهد.	(ب) شعر «لطف حق» سروده‌ی پروین اعتصامی است.
(پ) «فعل» اصلی‌ترین بخش جمله است.	(ت) به کسی که مطلبی می‌نویسد، گزارشگر می‌گویند.
(الف) گندم‌زار یعنی: (ب) لبالب یعنی: (پ) شوق وصف ناپذیر یعنی: (ت) خودباور یعنی:	۲- کامل کنید.
نقص: واپسین: سقا: حومه: پهنه:	۳- معنی هر کلمه را بنویسید.
مغفرت: مدارا: عطار: زه: جلیل:	۴- شعرهای حفظی زیر را کامل کنید.
(الف) ثنای ذات زبان (ب) تن مُرده بی‌رامش است (پ) به دانش‌فزای و (ت) به گلی رشته‌ی امید بگسست	۵- کامل کنید.
..... + خود + نویس + زار + ناپذیر



۶- غلط‌های املایی هر جمله را پیدا کنید و درست آنها را بنویسید.

الف) مهتاب با کنجکاو فهمید که آن، تخته‌ی حوشمند است.

ب) یکی به دنبال موجودات عجیب قریب فضایی است.

پ) نادان چون طبل قاضی، بلند آواز و میان تهی.

ت) در مسجد جامه شهر، رزمندگان نماز شکر می‌خواندند.

ث) در کنار رود جیهون، بر تنه‌ی درخت گردویی تناور، نشست.

۷- با واژه‌ی «سوغات» دو جمله‌ی متفاوت بنویسید.

خبری:

پرسشی:

۸- منظور از مَثَل «از شیر مرغ تا جان آدمیزاد» چیست؟

.....

۹- داستان ضرب‌المثل «رُطب خورده، منع رطب کی کند» را به صورت خلاصه بنویسید.

.....

۱۰- درباره‌ی یکی از شهدایی که می‌شناسید، یک بند بنویسید.

.....

.....

.....

ارزشیابی توصیفی آموزگار

نیازمند تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب	هدف‌های مورد ارزشیابی
				اجزای جمله و جایگاهشان را می‌شناسد.
				معنی واژه‌های جدید و مفهوم شعرها را می‌داند.
				شعرهای حفظی را در خاطر دارد.
				توانایی ساختن واژه‌های جدید را دارد.
				با املائی درست واژه‌ها آشناست.
				توانایی جمله‌سازی دارد.
				توانایی بندنویسی دارد.